



حسین شریعتمداری



نگاه ۲

انقلاب اسلامی با ماهیت آمریکا در جنگ است

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی



نگاه ۲

مردم در پرتو ولایت دشمن را شناختند



ایران به‌یا‌خواست

روایتی از حضور عاشقانه ملت بزرگ ایران
در استقبال از ۴۰۰ شهید گمنام دفاع مقدس

پیوست ۴



واقعیت‌های برجانی

اکبر معصومی

کارشناس بین‌الملل



واکوی مواضع جدید آمریکایی‌ها نشان می‌دهد، دولتمردان این کشور بیشتر به دلیل ناامیدی از حصول نتیجه از طریق رویکردهای سخت در قبال جمهوری اسلامی ایران بار دیگر روش مذاکره را انتخاب کرده‌اند. به عبارتی، آمریکا هرگاه ابزارهای غیر دیپلماتیک برای مهار ایران داشته، مذاکره را کنار گذاشته که این موضوع در جریان آشوب و اغتشاشات اخیر به خوبی خود را نشان داد.

در ماه‌های منتهی به شهریور امسال مذاکرات برجام در حال نتیجه دادن بود و طرفین به مرحله امضا نزدیک می‌شدند که با شروع اغتشاشات در ایران، آمریکایی‌ها از این کار امتناع می‌کنند. در واقع، آمریکایی‌ها از زمان شعله‌ور شدن آتش آشوب‌ها تا زمانی که کمترین امید را به نتیجه دادن آشوب‌ها داشتند، از مذاکره صحبتی به میان نیاوردند. البته در کنار ناامیدی آمریکا از آشوب‌ها، باید به توجه غرب به خبر پایان عصر تحریم‌ها نیز اشاره کرد؛ موضوعی که به شدت آمریکارا نگران کرده است.

حال برگشت دوباره آمریکا به برجام به معنای ناکارآمدی راهبردهای آمریکاست. شواهد گوناگون حاکی است، همه تلاش دولت جو بایدن، اجرای یک برجام جدید یا همان برجام پلاس- به شکلی است که فایده‌ای برای ایران نداشته باشد؛ بنابراین هرگاه ایران بحث انتفاع اقتصادی را پیش کشیده، کشورهای غربی از طریق دیکتاتوری رسانه‌ای ایران را مقصر توقف گفت‌وگوها معرفی می‌کنند.

روالی که هیئت حاکمه آمریکا و به موازات آنها کشورهای غربی در تعلیق موقت تحریم‌ها در دستور کار داشتند، ایجاد «شیرینی‌های آدامسی» برای ایران از تجربه رفع تحریم‌ها بود؛ یعنی ایجاد تجربه‌های خوشایندی که کوتاه، موقت و گذراست؛ اما وقتی از بین رفت، طرف مقابل را به جست‌وجوی دوباره آن شرطی می‌کند. به‌عبارت دیگر، طرف‌های غربی به‌ذنبال آن بودند که رفع تحریم‌ها به شیرینی‌های زودگذری، مانند آزادسازی بخش اندکی از دارایی‌های ایران یا خرید چند هواپیما محدود شود، اما هرگاه از دلیل عدول غربی‌ها از گشایش در مرادوات بانکی یا تسهیل روابط تجاری با ایران سخن به میان می‌آمد، مسئله به سیاست‌های موشکی و منطقه‌ای ایران گره زده می‌شد تا راه برای مجاب کردن ایران برای مذاکره بر سر برجام‌های ۲ و ۳ باز شود. بایدن در مقاله‌ای پیش از آغاز دوران ریاست جمهوری‌اش اعلام کرده بود، قصد دارد «فشار هوشمند» را جایگزین فشار حداکثری مورد پسند دونالد ترامپ کند. می‌توان گفت، «مفهوم فشار هوشمند» و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن دربردارنده همه شاخصه‌هایی است که توافق هسته‌ای در دوران باراک اوباما بر مدار آن شکل گرفته بود. بایدن در آن یادداشت این را مشخص کرد که بازگشت به توافق هسته‌ای به هیچ‌عنوان هدف اصلی و نهایی آمریکا نیست و او [همانند دوران اوباما] اجرائی شدن برجام را نقطه آغازی به منظور «طولانی‌تر کردن و قوی‌تر کردن برجام» برای آمریکا می‌بیند. هم بر مبنای انتقادات مخالفان توافق هسته‌ای در آمریکا و هم بر مبنای اظهارات بعدی مقامات دولت بایدن روشن است که «قوی‌تر کردن برجام» یعنی همان برجام پلاس-کلیدواژه آمریکایی‌ها برای تلاش در جهت اضافه کردن محدودیت‌های موشکی و منطقه‌ای به بندهای توافق هسته‌ای است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی مردم در پرتو ولایت دشمن را شناختند



نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «۹ دی شاخصه‌های مهمی دارد و یک شاخصه آن بصیرت است، این یعنی دشمن را دیدن، دشمنی که با نقاب می‌آید و مردم در پرتو نور ولایت این دشمن را می‌شناسند.»

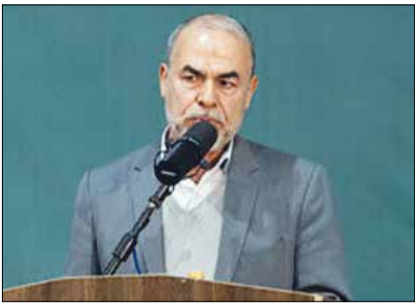
حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی، در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه نهم دی ماه در حرم مطهر رضوی، با بیان اینکه ما از مردم، ۹ دی‌های متعدد دیده‌ایم، اظهار کرد: «مردم در سال ۱۳۸۸ حماسه آفریدند و ۹ دی امسال با سال‌های گذشته تفاوت‌های معناداری دارد و عملی است و مردم غیرت دینی حماسه ۹ دی و خشم مقدس در برابر دشمن در این روز را امسال با شرکت در راهپیمایی‌ها و تشییع شهدای مدافع امنیت بارها نشان دادند.»

وی با بیان اینکه این اقتدار مردم است که به این نظام قدرت می‌دهد و قدرت اصلی مردم هستند، افزود: «امسال مردم نشان دادند حماسه ۹ دی ماندگار است و این فرهنگ خاموش‌شدنی نیست؛ چون در فرهنگ علوی، قرآنی، فاطمی و حسینی ریشه دارد. مردم ثابت کردند، در سال ۱۳۸۸ در برابر فتنه و هجمه گسترده دشمن تیر خلاص را زدند و همان مردم امروز زنده‌اند و با روحیه عاشورایی و با الهام از مکتب‌حاج قاسم‌ها ایستاده‌اند و به همین دلیل امسال ۹ دی عظمت بیشتری دارد و معنا و تجلی بزرگ‌تری دارد.»

نماینده ولی فقیه در سپاه یادآور شد: «باید داشته‌ها را ببینیم و خدا را شاکر باشیم. دنیای اسلام این دو نعمت حاکمیت ولی الهی و همراهی مردم را هیچ‌گاه هم‌زمان نداشته است. در دنیای اسلام گاهی یکی از نعمت‌ها بسیار پر رنگ بود؛ اما هیچ‌گاه هم‌زمان وجود نداشته است. یکی از آنها وجود ولایت است که اکنون ولایت، رهبری حکیم، مقتدر، بصیر و شجاع داریم. در زمان ائمه ما ولایت را داشتیم، اما چون نعمت دوم را نداشتیم، ولایت و امامت نتوانست فرماندهی خود را محقق کند.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی با تأکید بر اینکه شاخصه اصلی ۹ دی بصیرت است افزود: «بصیرت؛ یعنی دشمن را دیدن، دشمنی که با نقاب می‌آید و مردم در پرتو نور ولایت این دشمن را می‌شناسند.»

سردار یدالله جوانی دروغ وجه مشترک فتنه ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱ بود



معاون سیاسی سپاه پاسداران گفت: «در هر دو فتنه ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱ تمرکز دشمنان بر فضاسازی رسانه‌ای و دروغ بود.»

سردار سرتیپ دوم پاسدار یدالله جوانی در مراسم گرامیداشت روز «بصیرت و میثاق امت با ولایت»، در جمع مردم اصفهان اظهار داشت: «فتنه بزرگ آمریکایی-صهیونیستی در سال ۱۳۸۸ با مقدمات ۱۵-۱۰ ساله به گونه‌ای طراحی شده بود که بسیاری از کارشناسان، صاحب‌نظران، طراحان و بازیگران آنها اطمینان داشتند نقشه آنها به نتیجه می‌رسد.»

وی بیان داشت: «برای آنکه عظمت ملت ایران در سال ۱۳۸۸ را درک کنیم، باید به زوایای پنهان وقایع ۸۸ پی ببریم که پشت پرده آن دولت‌های مترجع منطقه و صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها بودند.»

معاون سیاسی سپاه پاسداران با بیان اینکه اساس این فتنه، «دروغ» برای ایجاد بدبینی و دوگانه‌سازی بین مردم و حکومت بود، خاطر نشان کرد: «هدف فریب مردم بود؛ اما در حالی که دشمنان ما تصور می‌کردند این نقشه به نتیجه می‌رسد، ملت ایران با هوشمندی و درایت این نقشه را در هم شکستند.»

سردار جوانی گفت: «۹ دی‌ماه روزی بود که مردم، فتنه‌گران و حامیان‌شان را منزوی کردند و از این جهت، ۹ دی‌ماه روز قله بصیرت مردم ایران است.»

معاون سیاسی سپاه پاسداران با اشاره به هوشیاری و بصیرت مردم در سال ۱۳۸۸ و نتیجه آن، تصریح کرد: «آن بصیرت در سال ۱۴۰۱ هم تکرار و باعث بی‌اعتنایی به اغتشاشگران شد و مراسم ده‌ها میلیونی تشییع شهدا در سراسر کشور نشان داد، درک مردم از فضا به چه میزان است؛ آن هم در حالی که شبانه‌روز رسانه‌های دشمن در حال دروغ‌پراکنی هستند.»

وی افزود: «در هر دو ماجرا تمرکز بر رسانه و دروغ بود، یکی با دروغ قتل و دیگری با دروغ تقلب آغاز شد و هر دو با تحریک احساسات و ایجاد هیجان در جوانان همراه بود و به شکلی مطرح شد که یک مظلوم به ضارب و جرح‌کشته شده است و احساسات مردم را برانگیخت، اما در هر دو مقطع نقشه دشمنان به شکست رسید.»

حسین شریعتمداری انقلاب اسلامی با ماهیت آمریکا در جنگ است



«حسین شریعتمداری» مدیر مسئول روزنامه کیهان در چهارمین همایش سیاسی کارکنان و مسئولان سپاه در سالن الغدیر ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه با تأکید بر اینکه ۹ دی ماه ایستگاه آخر فتنه بود، درباره نزاع ایران و آمریکا گفت: «درگیری و نزاع‌های ما با آمریکا نظام سلطه آمریکا یک درگیری ماهوی است. ماهیت ما با آمریکا متعارض است؛ به همین دلیل نظام ما علی‌الدوام با ماهیت آمریکا در جنگ است، مگر اینکه به تعبیر امام خمینی (ره) آمریکا از خر شیطان پایین بیاید که در این صورت ما می‌توانیم با آنها درگیری نداشته باشیم.» وی افزود: «باید بدانیم که راه شناخت هر فتنه‌ای پس از اتمام شناخته است. به تعبیر امام علی (ع) «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَيْئًا وَإِذَا أُذْبِرَتْ نَبَتْ بُنْكَرْنَ مَقْبِلَاتٍ وَيُعْرَفْنَ مُذْبِرَاتٍ»؛ آنگاه که فتنه‌ها روی آورند، حق و باطل در هم آمیزند و شبیهه و سردرگمی ایجاد کنند، و هنگامی که پشت‌کرزند، شناخته شوند.»

شریعتمداری تأکید کرد: «فتنه ۸۸ که یک فتنه آمریکایی-صهیونیستی بود، وقتی آمد با خودش شبیه آورد؛ اما وقتی رفت، بصیرت آفرید. همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، این فتنه اتفاقی و تصادفی نبود؛ بلکه ریشه خارجی داشت.»

مدیر مسئول روزنامه کیهان با اشاره به اینکه افراد با بصیرت آنهایی هستند که پیش از آغاز فتنه یا در شروع فتنه حق و باطل را شناسایی می‌کنند و در مسیر حق قرار می‌گیرند، اظهار داشت: «در فتنه‌ها فضا غبارآلود و گرگ و میش است. در فضای گرگ و میش رنگ‌ها مشخص نیست. بنابراین آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد، صداست. منظور از صدا، گفتار است؛ چرا که انسان‌ها گفتارشان به فراخور آن اسراری است که در وجودشان نهفته است.»

شریعتمداری در توضیح پذیرش آتش‌بس ایران در مقابل عراق، گفت: «برخی افراد می‌گویند چطور ما در حال جنگ با آمریکا هستیم؛ در حالی که امام خمینی (ره) در ماجرای جنگ تحمیلی از جام زهر و آتش‌بس حمایت کردند و آن جنگی که با شعار «جنگ جنگ تارفع فتنه از جهان» ادامه داشت، متوقف شد. در پاسخ به این افراد می‌گوییم ما چهار دهه است که با آمریکا و ظلم‌ستیزان جهان در حال جنگ و درگیری هستیم و لحظه‌ای هم از این آرمان انقلابی و اسلامی متوقف نشده‌ایم. آن زمان اگر جنگ را متوقف کردیم، برای از بین نرفتن آن هدف بزرگ و ادامه آن با قوای بیشتر بود که امروز آن قدرت و آن هیبتی که امام خمینی (ره) مدنظر داشتند، در منطقه و در سطح بین‌الملل بر کسی پوشیده نیست.»

نماینده کاخ سفید

واکوی مأموریت منطقه‌ای امانوئل مکرون علیه ایران

حال، در راستای جلوگیری از افزایش حساسیت‌ها، هدف این پروژه حمایت از دانش‌جویان، افزایش فعالیت‌های مدنی جوانان و ایجاد کارآفرینی معرفی می‌شود. این پروژه در راستای کسب اعتبار اجتماعی در حوزه بازسازی عراق نیز فعال شده و با حمایت از تشکل‌های محلی و مدنی اقداماتی را پیش می‌برد. همانگونه که اشاره شد، در سال‌های اخیر به ویژه از سال ۲۰۱۸ میلادی تا کنون تحرکات فرانسه در حوزه عراق افزایش چشمگیری یافته است و حال در پی خروج نظامیان آمریکا از افغانستان و عراق، فرانسه به نمایندگی از کاخ سفید در حال آماده‌سازی خود برای ایفای نقش جدی در عراق است. البته باید به این نکته توجه داشت که پرونده خاورمیانه از منظر سیاست‌گذاران آمریکا دیگر یک اولویت برای ایالات متحده آمریکا به شمار نمی‌آید؛ لذا باید تمرکز این کشور معطوف به تهدیداتی از جنس چین و روسیه شود. از این رو، با قرار گرفتن عراق در «اولویت درجه دو» کاخ سفید، اتحادیه اروپا و به تبع آن فرانسه فرصت ویژه‌ای برای توسعه نفوذ و نقش خود در آینده عراق و منطقه به دست آورده‌اند.

با توجه به اظهارات مقامات و نخبگان سیاسی و اقتصادی فرانسه، توسعه نقش این کشور در عراق می‌تواند منجر به بهره‌مندی بیش از پیش فرانسه از بازار مصرف‌گرای عراق شود؛ به ویژه به این دلیل که فرانسه پیش از این نیز در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی مهم‌ترین شریک اقتصادی عراق به شمار می‌آمد. تحریم‌های بین‌المللی پیش از سقوط صدام و همچنین اشغال عراق به دست آمریکا در سال ۲۰۰۳، موجب کاهش مبادلات اقتصادی دو کشور شد، اما در اوج کاهش روابط اقتصادی

عنوان برنامه فرهنگی و اجتماعی در سراسر جهان کرده است که پروژه‌هایی، مانند «پروژه پنهض» در عراق از جمله این برنامه‌ها هستند.

مجری این پروژه مؤسسه فرانسوی Expertise France است که در سال ۲۰۱۵ میلادی با هدف هم‌افزایی بخشی ظرفیت‌های نرم فرانسه از ادغام شش نهاد فرهنگی دیگر تشکیل شد. این نهاد به طور مستقیم تحت سیطره و هدایت دولت فرانسه بوده و هم‌اکنون در بیش از ۲۰ کشور جهان در چارچوب سیاست خارجی فرانسه در حال اجرای اقدامات فرهنگی و اجتماعی است. بنا بر اطلاعات موجود، هدف‌گذاری این مؤسسه پیشبرد سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو معروف به «سند ۲۰۳۰» است. افزون بر این، مهم‌ترین اولویت‌های این مؤسسه عبارتند از:

حمایت از توسعه حکمرانی دموکراتیک، صلح، ثبات و امنیت اقلیم، تنوع زیستی و توسعه پایدار، سلامت و توسعه انسانی و برابری جنسیتی که سند ۲۰۳۰ تحقق این اهداف را مشروط به همراهی افکار عمومی ملت‌های هدف می‌داند؛ لذا مؤسسه Expertise France در تلاش است با ارائه برنامه‌های حمایتی و جلب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد آمریکا، جامعه جوان و نخبگانی عراق را در عرصه پیاده‌سازی اهداف سند ۲۰۳۰ سازماندهی و به‌کارگیری کند.

امروزه، پروژه پنهض را می‌توان از جمله مهم‌ترین پروژه‌های این مؤسسه در عراق بر شمرد. این پروژه علاوه بر آموزش فعالیت‌های اقتصادی، توسعه فعالیت‌های مدنی و توانمندسازی فعالان جوان این عرصه را نیز به طور ویژه مدنظر دارد. با این

دو کشور، فرانسه ۸۰ درصد از طلب‌های خود از دولت عراق را در چارچوب باشگاه پاریس، به عراق بخشید تا بزرگ‌ترین کشور غربی باشد که از چهار میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو مطالبات مالی خود به امید بازگرداندن روابط خود با بغداد چشم‌پوشی کرده است. هر چند با توجه به حضور پر رنگ آمریکا در عراق، پاریس تاکنون نتوانسته به شکل مطلوب از ظرفیت‌های این کشور به نفع منافع ملی‌اش بهره‌برداری کند، البته این مسئله نیز به نوبه خود موجب شل‌شدن جامعه عراق در مقایسه با سایر قدرت‌های اروپایی دیدگاه مثبت‌تری نسبت به فرانسه داشته باشد و از تعامل و برقراری ارتباط با کشور فرانسه استقبال کند. دولت فرانسه نیز با درک این فرصت، ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای و اقتصادی فرانسه را در حوزه جلب اعتماد و همراهی افکار عمومی عراق به ویژه نخبگان، نسبت به خود بسیج کرده است که پروژه پنهض نتیجه این سیاست است.

باید به این نکته نیز توجه داشت که گروه‌های سیاسی و نخبگانی عراق نیز از حضور و فعالیت فرانسه در عراق استقبال کرده و کمتر نسبت به آن حساسیت دارند؛ به همین دلیل دولت فرانسه از قدرت مانور و تأثیرگذاری بالایی در فضای سیاسی و اجتماعی عراق برخوردار است و می‌تواند به نحو مطلوب رهبری پیشبرد سیاست‌های غرب در قبال عراق را بر عهده بگیرد. از این رو با توجه به اظهارات صریح و بی‌پرده مکرون، به نظر می‌رسد طی ماه‌های آینده شاهد افزایش حضور و فعالیت مؤسسه‌های فرانسوی در عراق با رویکرد تحدید نفوذ ایران و گروه‌های مقاومت خواهیم بود.

دومین جنگ ویران کننده در انتظار اروپا

جنگ در اوکراین چطور بر تنور اختلافات در صربستان و کوزوو می‌دمد؟

ثمانه اکوان

دبیر گروه بین‌الملل



در حالی که اروپا در حال تلاش برای حمایت از اوکراین در جنگ با روسیه است و احتمال می‌رود به زودی این جنگ وارد دومین سال خود نیز بشود، به نظر می‌رسد دنیا باید در انتظار دومین جنگ در منطقه شرق اروپا نیز باشد. دومین جنگ اروپایی که با افزایش تنش‌ها بین صربستان و کوزوو آغاز شده، ممکن است بحران‌های اقتصادی و به ویژه بحران انرژی و افزایش تورم را در اروپا چندین برابر کند.

روزنامه «واشنگتن پست» هفته گذشته در همین زمینه نوشت: «سه دهه پس از فروپاشی خونین یوگسلاوی سابق، خصوصت‌های قومیتی که آتش درگیری‌ها را برانگیخته، همچنان ادامه دارد. کوزوو در سال ۲۰۰۸ استقلال خود را از صربستان جمهوری سابق یوگسلاوی اعلام کرد، اما صربستان آن را رها نمی‌کند. تهاجم روسیه به اوکراین بُعد جدیدی به این بن‌بست افزوده است

و اکنون، ارتش صربستان پس از هفته‌ها تشدید تنش‌ها بین مقامات کوزوو و اقلیت صرب محلی، دستور آماده‌باش داده است.»
تنش‌های قومیتی در منطقه کوزوو، اختلافات زیادی بین جمعیتی حدود یکصد هزار نفره از صرب‌های ساکن در کوزوو و مردم این منطقه ایجاد کرده است که اوج این اختلافات در ماجرای الزام شهروندان صرب به استفاده از پلاک‌های خودروی کوزوویی دیده شد. در مرداد سال جاری میلادی، مقامات کوزوویی تلاش کردند اقلیت صرب را وادار کنند تا پلاک خودروها و مدارک شخصی خود را بر اساس آنچه دولت پریشینا ارائه می‌دهد، تغییر دهند و از پلاک‌های صادر شده از طریق دولت صربستان خودداری کنند؛ اما بسیاری از اقلیت‌های صرب ساکن در کوزوو این دستور دولتی را تهدیدی علیه هویت‌شان و توهین آمیز قلمداد کردند. کوزوو هم صربستان را به تحریک مردم در این منطقه متهم کرده است، زیرا «الکساندر ووچیچ» رئیس‌جمهور صربستان امکان اعزام نیرو به کوزوو برای حمایت از اقلیت صرب را مطرح کرده بود. به نظر می‌رسد، افزایش تنش‌ها که منجر به درگیری‌های پراکنده در منطقه

نیز شده است، می‌تواند در صورت تداوم، به جنگی تمام‌عیار بین قومیت‌های گوناگون این منطقه کشیده شود. بر همین اساس، اتحادیه اروپا، آمریکا و ناتو ضمن درخواست از صربستان و کوزوو برای اجتناب از اقدامات تحریک‌آمیز بیشتر، خویشتن‌داری دو طرف را خواستار شدند. اتحادیه اروپا، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و آمریکا در بیانیه‌هایی گفتند: «ما از همه می‌خواهیم که حداکثر خویشتن‌داری را از خود نشان دهند، اقدام فوری و بدون شرط برای تنش‌زدایی از وضعیت کنونی انجام داده و از اقدامات تحریک‌آمیز بیشتر یا تهدید یا ارعاب یکدیگر اجتناب نمایند.» جنگ روسیه با اوکراین بر پیچیدگی مسئله کوزوو و صربستان نیز افزوده است؛ زیرا به نظر می‌رسد طرف‌های درگیر در جنگ اوکراین، تلاش دارند دخالت‌هایی را نیز در جنگ احتمالی بین کوزوو و صربستان داشته باشند. در این میان، پوتین مسئله کوزوو را- که بیشتر کشورهای غربی استقلال آن را به رسمیت شناخته‌اند، اما صربستان تنها «خودمختاری» آن را قبول دارد- با دو منطقه در شرق اوکراین مقایسه کرده است که از سال ۲۰۱۴ از سوی جدایی طلبان

مورد حمایت روسیه کنترل می‌شود. رهبران صربستان و کوزوو نیز از جنگ اوکراین برای تشدید لفاظی‌های خود بهره برده‌اند. این خطر وجود دارد که تشدید تنش‌ها به سایر بخش‌های بالکان غربی، از جمله بوسنی و هرزگوین سرایت کند. ناتو البته تلاش کرده است نیرویی سه هزار نفره را برای حفظ صلح در منطقه نگه دارد، اما به نظر می‌رسد حضور ناتو در منطقه خود موجب درگیری‌های بیشتری شود و حساسیت‌های روسیه نسبت به این مسئله را بالا ببرد. در این میان، روسیه اعتقاد دارد حق با صربستان است، اما دخالتی در این ماجرا نخواهد داشت.
«دیمیتری پسکوف» سخنگوی ریاست‌جمهوری روسیه با حمایت از موضع دولت صربستان در مناقشات با منطقه خودمختار کوزوو، اتهام‌زنی‌ها به مسکو مبنی بر ایجاد تنش بین دو طرف را تکذیب کرد. پسکوف طی نشست خبری در کرملین ضمن ردّ ادعای کوزوو مبنی بر اینکه صربستان تحت نفوذ روسیه قصد دارد این منطقه را بی‌ثبات کند، گفت: «صربستان یک کشور مستقل است و این کاملاً اشتباه است که به دنبال نفوذ مخرب روسیه در آنجا باشیم.»

پیشخوان

لغو هزاران پرواز



در پی بارش شدید برف و کولاک در سراسر آمریکا و فرسودگی شبکه هوایی، هزاران پرواز در جنوب غربی این کشور لغو شده و وضعیت بسیار آشفته‌ای را برای مسافران در آستانه تعطیلات سال نوی میلادی به وجود آورده است.
«باب جردن» مدیر خطوط هوایی جنوب غربی اظهار کرد: «هوایماهای ما باید دستگاه‌های موجود خود را به روزرسانی کنند تا پروازها در وضعیت آب و هوایی سخت هم امکان‌پذیر باشد و لغو نشود.» بر اساس آمارهای وبگاه «فلائیت اور»، خطوط هوایی دالاس که به طور معمول پروازهایی برنامه‌ریزی شده داشت و مسیرهای ارتباطی زیادی در کشور را به یکدیگر متصل می‌کرد، از روز جمعه دو هفته پیش، بیش از ۱۲ هزار پرواز خود را به علت به روز نبودن سامانه‌های هوایی در وضعیت کولاک لغو کرده است.

تشدید درگیری‌ها



ستاد کل نیروهای مسلح اوکراین در گزارش هفته گذشته خود، از تشدید درگیری‌ها در برخی مناطق خبر داد و اعلام کرد، جنگ به دلیل استقرار تجهیزات نظامی روسیه در خطوط مقدم شدت یافته است. همچنین، گزارش‌ها نشان می‌دهد، بمباران شهرها در اوکراین افزایش یافته و درگیری‌ها در منطقه خرسون به شدت بالا گرفته است. ستاد کل نیروهای مسلح اوکراین در جدیدترین گزارش خود اعلام کرد، نیروهای روسیه با خمپاره و توپخانه به مناطقی در نزدیکی خرسون حمله کرده‌اند. این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که به گفته «زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین، هنوز ۹ میلیون اوکراینی برق ندارند و زیرساخت‌ها به شدت تحت حملات هوایی روسیه قرار دارد. به نظر می‌رسد، روسیه در پاسخ به اقدامات و تحرکات اخیر کی‌یف در فضای سیاسی و به ویژه سفر زلنسکی به واشنگتن، حملات خود به مناطق گوناگون اوکراین را افزایش داده است. روزنامه انگلیسی «ایندپندنت» در همین زمینه نوشته است: «نیروهای روسیه ماه گذشته خرسون را ترک کردند و به این ترتیب یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای اوکراین در طول ۱۱ ماه گذشته از جنگ با روسیه رقم خورد؛ اما اکنون با شروع زمستان، نبرد وارد مرحله کند و سخت‌تری شده و به نظر می‌رسد مسکو بار دیگر در پی بازپس‌گیری مناطقی است که در ضد حملات اوکراین از دست داده بود.»

تحلیل

پیامدهای یک قانون

رابطه با رژیم صهیونیستی در برخی کشورهای عربی، در روزهای اخیر مجلس شورای عمان نیز در اقدامی تحسین‌برانگیز رابطه با رژیم صهیونیستی را جرم‌انگاری کرده، این موضوع از آن جنبه اهمیت دارد که با پیامدهای راهبردی مهمی برای رژیم تروریستی تل‌آویو همراه است که به موارد مهمی از آن اشاره می‌شود:
نخست، به منزله یک رویه حقوقی از طریق «تسری» به سایر کشورهای عربی و اسلامی از غرب آسیا تا شمال آفریقا، «الگوی مؤثری» برای مقابله با ورود کشورهای عربی و اسلامی به جرگه کشورهای سازشکار به وجود می‌آورد. دوم، اگر قانون منع عادی‌سازی یا جرم‌انگاری رابطه با رژیم صهیونیستی به طور مطلوب و مؤثر نه فقط در عمان، بلکه در عراق و سایر کشورهایی که پیش از این چنین مقرراتی را اعمال کرده‌اند، «اجرا» شود، سبب «تضعیف توافقی ابراهیم» خواهد شد

حمید خوش‌آیند

کارشناس بین‌الملل



در حالی که رژیم صهیونیستی از نظر امنیتی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و... در وضعیت خطرناکی قرار گرفته و به اذعان سران این رژیم در ۷۵ سال گذشته بی‌سابقه بوده است، و در وضعیتی که تندروترین کابینه این رژیم به ریاست نتانیاهو (معروف به تروریسم و جنگ‌طلبی) تشکیل شده است، در یک رخداد مهم سیاسی و حقوقی شاهد سلسله اقدامات مهم «ایجابی» برخی کشورهای مهم عربی، از جمله عمان برای مقابله با راهبرد عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و اسلامی هستیم. در این زمینه و پس از تصویب قوانینی برای جرم‌انگاری

اساسی تل‌آویو در مناسبات خارجی است. پنجم، این قانون همچنین موجب «افزایش هزینه‌ها»ی گرایش به سمت رژیم صهیونیستی و عادی‌سازی با تل‌آویو در بین حکام و جریان‌های سیاسی در برخی کشورهای عربی می‌شود.
نکته پایانی اینکه، فضای حاکم بر سرزمین‌های اشغالی از یک سو به سمت «تعمیق» بحران‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و... در حال حرکت است و از سوی دیگر جنایات رژیم آپارتاید صهیونیستی علیه فلسطینیان همچنان ادامه دارد؛ بنابراین، اقدامات منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه جرم‌انگاری رابطه با رژیم غاصب صهیونیستی یقیناً از «کارکردهای مؤثری» در مقابله با عادی‌سازی روابط عربی-صهیونیستی و در نبرد سرنوشت‌ساز کنونی و آینده فلسطین با اشغالگران قدس برخوردار خواهد بود.

که رژیم صهیونیستی در اواخر دولت ترامپ در چارچوب آن با چهار کشور عربی، یعنی امارات، بحرین، سودان و مراکش اقدام به برقراری روابط رسمی و دیپلماتیک کرده است. سوم، تصویب چنین قانونی سبب می‌شود تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه خارج کردن مسئله فلسطین از دستور کار جهان عرب و کشورهای اسلامی شکست بخورد و فلسطین همچنان به منزله مسئله اول جهان اسلام و کشورهای عربی مطرح باقی بماند. چهارم، به شکست کشاندن نبرد سیاسی و دیپلماتیک رژیم صهیونیستی برای «کسب مشروعیت» سیاسی و حقوقی، پیامد مهم دیگری است که در این زمینه می‌توان برای قانون منع عادی‌سازی متصور شد؛ آن هم در حالی که با وجود ده‌ها سال اشغالگری، و با وجود تمام اقدامات تلمیعی، روانی و... کسب و حفظ مشروعیت نیم‌بند همچنان اولویت

آمریکا مانع مذاکره

وزیر خارجه روسیه گفت، ایالات متحده با هدف تضعیف و فرسایش روسیه، به اوکراین اجازه نمی‌دهد مذاکرات صلح را انجام دهد. «سرگئی لاوروف»، در سخنانی اعلام کرد، ایالات متحده به اوکراین اجازه نمی‌دهد مذاکرات صلح را انجام دهد؛ با این هدف که جنگ فرسایشی و روسیه تضعیف شود. وزیر خارجه روسیه تأکید کرد، مسکو در حال حاضر تمایلی به برقراری ارتباط با غرب ندارد. وی همچنین گفت، صدها نفر از سربازان و نظامیان ارتش ایالات متحده آمریکا در اوکراین هستند. وی تصریح کرد، واشنگتن به ما گفته است که قصد ندارد کارشناسان آمریکایی را برای مدیریت سیستم پاتریوت به اوکراین بفرستد.



ترامپ تنها

پس از حدس و گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر اینکه دختر و داماد دونالد ترامپ از رئیس‌جمهور سابق آمریکا دوری می‌کنند، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا در شبکه اجتماعی خود با عنوان «تروث سوشال» نوشت: «بر خلاف اخبار غلطی که مخابره می‌شود، من هرگز از دخترم ایوانکا و داماد جارد کوشنر نخواسته‌ام که در کارزار انتخاباتی من در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ شرکت کنند.» وی افزود: «روایع خودم به ویژه از آنها خواسته‌ام تا چنین کاری نکنند، زیرا در صورت انجام چنین کاری علاوه بر دریافت اخبار غلط و فاسد باید با افراد «پست، بدجنس و وحشتناک» در دنیای سیاست سر و کله بزنند.»



مسئول فسادهای بزرگ

«حامد کرزای» گفت، مسئولیت فسادهای دوران فعالیت خود را بر عهده می‌گیرد؛ اما آمریکا را مسئول فسادهای بزرگ و چندصد میلیون دلاری می‌داند. رئیس‌جمهور سابق افغانستان در گفت‌وگو با «واشنگتن پست» گفت: «من مسئولیت تمامی فسادها و رشوه‌های رد و بدل شده در ارانه خدمات را بر عهده می‌گیرم، اما قراردادهای بزرگ، فسادهای بزرگ میلیون دلاری و حتی صدها میلیون دلاری، واضح است که آنها کار ایالات متحده آمریکا بود.» کرزای که نخستین رئیس‌جمهور منتخب «جمهوری اسلامی افغانستان» بود، حالا با تسلط دوباره طالبان بر این کشور در کابل و تحت نظارت طالب‌ها زندگی کرده و حق خروج از پایتخت را ندارد.



هنوز ۴۳۱۳ خانواده

چشم به راهند

میثم رشیدی مهرآبادی
پژوهشگر دفاع مقدس

واقعا نمی‌دانم از ۴۳۱۳ پدر و مادری که هنوز پیکر فرزندان شهیدشان به خانه برنگشته و مزار یادبودشان خالی است، چند نفرشان زنده هستند. اصلاً مگر می‌شود با چشم‌انتظاری فرزند، زنده ماند؟! هنوز هم لابه‌لای خاطرات‌شان می‌گویند وقتی صدای زنگ در می‌آید و حتی وقتی تلفن زنگ می‌زند، فکر می‌کنیم پسرمان آمده است. این حد از چشم‌انتظاری برای هر آدمی کشنده است؛ اما همه این زنان و مردانی که در میانسالی و حتی جوانی، فرزندان را به جبهه‌ها فرستادند، چنان روحیه‌های محکم و سترگی داشتند که در این سسی و چند سالی که از پایان جنگ تحمیلی می‌گذرد، به اعتراض لب‌باز نکرده‌اند. علت مهم دیگری هم وجود داشت؛ کمیته‌ای برای جست‌وجوی مفقودین که همه آن را به نام «کمیته تفحص» می‌شناسند. واژه «مفقود» در ادبیات دفاع مقدس به شهیدانی گفته می‌شود که پیکرهایشان در مناطق عملیاتی و معرکه جنگ باقی مانده و به مواضع نیروهای خودی برنگشته است.

وقتی مناطق جنگی تا حدودی رنگ آرامش به خود گرفت و ماشین‌های مین‌کوب ساخت داخل و خارج به راه افتادند تا زمین‌های آلوده را پاک‌سازی کنند، کمیته جست‌وجوی مفقودین هم شکل گرفت تا برای یافتن ردی از شهدای باقی‌مانده در معرکه‌های جنگ، دست به کار شود. عملیات شناسایی پیکرهای مطهر شهدا با تلاش نیروهای اطلاعات و عملیات و عناصر تخریب‌چی با توجه به اطلاعات و اسناد به دست آمده از رزمندگان و آزادگان، آثار موجود از شهیدان و تشخیص خطوط پدافندی در منطقه عملیاتی انجام می‌شد. حالا باید مسیر تردد و معبر برای ورود نیروهای تفحص هموار می‌شد تا در صورت نیاز، زمین برای استقرار بیل مکانیکی آماده شود. گروه‌های تفحص بسته به نوع، شرایط و جنس خاک منطقه بسا وضعیت متفاوتی رویه‌رو بودند. برای نمونه، در منطقه فکه زمین رمل و ماسه‌ای، در جیلات، سومار و میمک، زمین سنگلاخی و در طلائی، زمین باتلاقی بود. در شط‌علی نیز آب وجود داشت و در کردستان و حاج عمران باید با کوه‌های صعب‌العبور می‌جنگیدند تا راه را برای جست‌وجوی پیکر شهدا آغاز کنند. همه این فعالیت‌ها در زمانی که روابط سیاسی بین ایران و عراق به سمت دوستی و آشنی رفت، در کشور عراق پیگیری شد و شهدای زیادی آن‌سوی مرزهای ایران و عراق پیدا شدند. اگر چه جست‌وجوی مفقودین از دهه هفتاد و با کمک یگان‌های فعال در زمان جنگ، مانند لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله و لشکر ۳۱ عاشورا پیگیری شد، اما در سال ۱۳۸۴ با اعلام رسمی بنیاد شهید، رزمندگانی که پیکرشان کشف و شناسایی نشده، «شهید» و «مفقودالجسد» معرفی شدند؛ یعنی دیگر می‌شد مطمئن بود که هیچ اسیری در اردوگاه‌های عراق وجود ندارد و هر جوانی که از کارزار جنگ به خانه برنگشته، شهیدی است که باید به دنبال پیکرش گشت. این جست‌وجوها هنوز هم برای ۴۳۱۳ شهیدی که به خانه بازنگشته‌اند، ادامه دارد و شهدایی که به تازگی در تهران و کل کشور تشییع شدند، حاصل همین تلاش هستند. اگر چه ممکن است بقایای پیکر یک شهید، در چند نوبت و در شهرهای مختلف تشییع شود تا بالاخره مزارش در یکی از نقاط حساس کشور جنمایی شود.

ایران به پا خاست

روایتی از حضور عاشقانه ملت بزرگ ایران در استقبال از ۴۰۰ شهید گمنام دفاع مقدس

حمید بنا

نویسنده دفاع مقدس



فضای مجازی پر شده بود از خبرهای مربوط به تشییع ۴۰۰ شهید گمنام. واکنش مردم و رسانه‌های دولتی و خصوصی به این رویداد عظیم، نشان می‌داد که باید منتظر حضور پرشکوه و به یادماندنی باشیم. البته تعداد پیام‌های جهت‌دار هم مثل بیست و چند سال گذشته کم نبود. پیام‌هایی که برای کم رنگ کردن اثر تشییع شهدا منتشر می‌شوند و عمدتاً مبنای علمی و عقلایی قابل توجهی هم ندارند. با وجود این، از کنار این واقعیت نباید به سادگی عبور کنیم که معاندان با تکرار شبهات قدیمی دو هدف مهم و اساسی را دنبال می‌کنند: الفد اثرگذاری روی نسل‌های جدید و سد القای یک انگاره به جامعه در درازمدت.

تکلیف هدف نخست که مشخص است؛ نوجوانان‌ها و جوان‌ها مفهوم شهید گمنام را از رسانه‌ها یاد می‌گیرند. حرف درست به گوش‌شان نرسد، نادرست‌ها جای خودشان را در دل آنها پیدا می‌کنند. اما هدف دوم آن طرف‌آبی‌ها پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. تکرار و گذر زمان مؤلفه مهمی در عملیات روانی به شمار می‌آیند. وقتی یک گزاره در طی سالیان

متمادی بارها به خورد مخاطب داده شود، قطعاً روی انتخاب و عقایدش تأثیر می‌گذارد. راه مقابله با این تاکتیک بدخواهان ملت ایران، تولید محتوای مناسب و نزدیک کردن جوان‌ها به نام و راه شهداست. بگذاریم همان‌طور که انتظار داشتیم صبح روز سه‌شنبه عده زیادی از مردم شهرهای گوناگون ایران به استقبال شهدای گمنام رفتند. خیلی زود حافظه دوربین عکاس‌ها پر از تصاویر زیبا و دلچسب عشق‌بازی مردم و شهدای عزیز تازه تفحص شده شد. در تهران ۲۰۰ شهید بزرگوار چشم پایتخت را به قدم‌شان روشن کردند. مردم همراه شهدا از انقلاب روانه بهشت شدند. خیلی‌ها در بست‌ها و یادداشت‌های‌شان به درستی از چشم‌انتظاری مادر این شهدای گمنام حرف زده بودند. انتظار خیلی سخت است؛ ولی پایان شیرینی دارد. چه زمانی که پیکر شهیدشان برگردد و چه وقتی که در سرای دیگر، خدا مزد این صبر و ایثار را در جنت جاودان به حساب‌شان واریز کند. تشییع شهدا گفتنی‌های فراوانی دارد. مثلاً حس جاماندگی و حسرت پا به سن گذشته‌ها و شوق شهادت جوان‌ترها. آن روز هم ریش سفید کرده‌ها، با بغض نگاه‌شان را کوک زده بودند به تابوت‌های بی‌نام و نشان و قطرات اشک روی صورت‌شان سر می‌خورد. جوان‌ها نیز با اشتیاق خودشان را می‌چسباندند به شهدا تا شبیه‌شان شوند. وقتی وجود مبارک حضرت امام علی (ع) با آن درجه از عبودیت و تقوا در دعاهای‌شان می‌فرمودند:

«تَسَالَّلُ اللّٰهُ مَنَازِلَ الشَّهَدَاءِ»، یعنی جایگاه شهید و شهادت آنقدر رفیع است که اولیای خدا هم شیفته رسیدن به آن هستند. خوشا به حال کسانی که برای شهادت انتخاب می‌شوند. بی‌سبب نیست که حضرت امام خمینی (ره) در پیام آذرماه سال ۱۳۶۱ خودشان خطاب به خانواده‌های شهدا گفتند: «اکنون من به مادران و پدران مربی این بندگان خاص خدا و همسران و بازماندگان این عزیزان به جای تسلیت، تریک عرض می‌کنم. بِالْیَتِّی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا* ای کاش ما هم با آنها بودیم و به رستگاری و پیروزی بزرگی نائل می‌شدیم.» این رسم ما ایرانی‌هاست که موفقیت و برازندگی آدم‌ها را به بستگان‌شان تبریک می‌گوییم. نمی‌دانم این چندمین تشییع عمومی شهدای گمنام در کشور بود؛ اما این را خوب می‌دانم که بسیاری از جوان‌های حاضر در مراسم متولدان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بودند و این یعنی با وجود همه کم‌کاری‌های ما، جوان‌ها و نوجوان‌های ایران زمین عاشق و قدر دان شهدا هستند. دشمن از همین اتصال قلوب نسل‌های جنگ‌نندیده با فرهنگ شهادت می‌ترسد. ترس‌شان بی‌مورد هم نیست. با این تفصیر علت حملات رسانه‌ای دشمن به تشییع شهدا روشن‌تر می‌شود. شبیه شهدا شدن دخترها و پسرهای میهن‌مان راه میابیر و امن برون‌رفت کشور از مشکلات کنونی است. حتماً یادتان هست که رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «من عقیده راسخ دارم بر اینکه یکی

بر همان عهد هستیم

جنگ چهره دیگری هم دارد؛

چهره‌ای مهربان، خسته و کمی هم زودرنج. این چهره جنگ را زنان، پیر مردان و کودکانی تشکیل می‌دهند که در پشت جبهه‌های جنگ داستان‌های بزرگ، اما نادیده‌ای را ثبت می‌کنند. آنهایی که نه در مقابل دوربین قرار دارند تا کارها و حرف‌های‌شان ضبط شود و نه دل‌شان می‌خواهد تا کسی از آنها تعریف و تمجید کند. این افراد همان‌هایی هستند که از خوراک خود چشم می‌پوشیدند و داغی تنور را به جان می‌خردند و نان یک ماه‌شان را در بقیچه گره می‌زدند و برای رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل می‌فرستادند. آنهایی که در شب‌های سرد خواب را بر چشم و دست خود حرام می‌کردند تا برای سردی زمستان یک رزمنده، لباس گرمی بیافند.

همان‌هایی که فرمان جهاد اسام (ره) را به

روی دیده گذاشته بودند و فرزندان‌شان را به شوق اطاعت دستور رهبر و مقتدای‌شان به قربانگاه عشق می‌فرستادند تا به منزلگاه حقیقی برسند. کسانی که شجاعت و ایستادگی را در آرد نان‌های‌شان و در تار و پود بافتنی‌های‌شان می‌گنجانند تا این پیام را به مرزداران وطن بفرستند که ما از وجود شما در آنجا راضی هستیم؛ بمانید و برای این خاک سینه سپر کنید.

ایسن عزیزان، همان‌هایی بودند که فقط خدا نظاره‌گر کارها، دلتنگی‌ها و بغض‌های شبانه‌شان بود. زنان، پیرمردان و کودکانی که پشت قافله تشییع لاله‌های سرخ به صف می‌شدند و مشت گره می‌کردند و فریاد برمی‌آوردند: «این گل پر پر ماست، خمینی رهبر ماست!» یا «می‌جنگیم می‌جنگیم، سازش نمی‌پذیریم».

ماه‌ها و سال‌ها از آن روزها می‌گذرد. دیگر جنگی نیست. دشمنان شکست‌خورده بار و بندیل‌شان را از این مرز و بوم جمع کرده و رفته‌اند. ایران قوی‌تر شده است. دشمن دیگر هوای جنگ فیزیکی به سرش نمی‌زند؛ اما یکسری دشمنی‌ها هنوز شاخه و برگ‌شان چیده نشده است. هنوز فتنه‌انگیزی‌ها و القای ناامیدی در دل جوانان وطن بر نامه دشمنان است. آنهایی که تا دیروز در قامت گرگ به روی جوانان ما اسلحه می‌کشیدند یا سلاح به دشمن ما می‌فروختند، امروز لباس میش به تن کرده‌اند و می‌خواهند آرام و بی‌صدا ذهن جوانان ما را تغذیه کنند.

اما آنها غافلند و نمی‌دانند که رگ‌های حیاتی این کشور از خون شهدا جاری است و تا این کشور باقی است، این خون در نسل‌ها و فرزندان این کشور در جریان است. خونی که

از نیازهای اساسی کشور، زنده نگه داشتن نام شهیداست؛ این یک نیازی است که ما-چه آدم‌های مقدس مآب و متدینی باشیم؛ چه آدم‌هایی باشیم که خیلی هم مقدس مآب نیستیم، اما به سرنوشت این کشور و به سرنوشت این مردم علاقه‌مندیم- هر جور که فکر بکنید، بزرگداشت شهدا برای آینده این کشور، حیاتی و ضروری است.» ایشان در ادامه همین بیانات اضافه کردند: «فرهنگ ایثار، فرهنگ گذشت، فرهنگ مایه گذاشتن از خود برای سرنوشت جامعه و برای سرنوشت مردم. این فرهنگ اگر عمومی شود، این کشور و هر جامعه‌ای که این فرهنگ را داشته باشد، هرگز متوقف نخواهد شد؛ به عقب بر نخواهد گشت و پیش خواهد رفت.» با این وصف، اگر جامعه ما شهدایی شود، تردید نداشته باشید که به مدد خدای رحمان انقلاب اسلامی ایران به قدرت بی‌رقیب منطقه و کل عالم تبدیل می‌شود.

سه‌شنبه، ششم دی ماه ۱۴۰۱ هم مثل صدها مناسبت دیگر در تقویم انقلاب ماندگار شد. شاید به این زودی‌ها ایران شاهد چنین تشییع گسترده و بزرگی نباشد. به هر حال، چنین همایش شکوهمندی بدون پیوست فرهنگی و رسانه‌ای ناقص و ناتمام خواهد ماند. باید رسانه‌های کارشناس‌های فرهنگی حس و حال تشنگی آن روز را در تمام روزهای زندگی مردم تکرار کنند تا فرهنگ‌های دوریالی بی‌محتوا و پوچ، جایگزین فرهنگ انسان‌ساز شهادت نشوند.

دشمن‌شناس است، راهنماست، عزتمند است و محیی است، نقاب از چهره دشمن برمی‌دارد. آری! دشمنان ما غافلند و در این غفلت ابدی‌شان غوطه‌ورند؛ چراکه نمی‌دانند با هزار آب و تاب هم بخواهند برنامه‌ای برای فریب جوانان ما تدارک ببینند، سیل خروشان خاطرات شهدای ما دست‌های چدنی آنها را از پشت دستکش مخملی‌شان نشان خواهد داد. مشایعت شهدایی که این روزها، پس از سال‌ها از پشت تاریخ قد کشیدند و بر روی شانه‌های جوانان امروز به منزلگاه ابدی‌شان رهسپار شدند، نشان‌مان دادند که ایران امروز هنوز بر همان عهد جوانان دیروز پایبند است و برای عزت و قدرت و صلابت ایران تا پای جان می‌ایستند و نمی‌گذارند دشمنان از برنامه‌ها و دسیسه‌های نمادی، کلاهی برای خودشان بیافند.



همه مشتاق دیدار / در مراسم اخیر تشییع شهدا، همه آمده بودند، مرد و زن، بچه و پیر، پاسدار و عادی و... همه برای دیدار با شهدا لعظ‌شماری می‌کردند.



خیزش سراسری در پایتخت / هم‌زمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)، پیکرهای پاک و مطهر ۲۰۰ شهید گمنام تازه تفحص‌شده دوران دفاع مقدس در تهران تشییع شد.



از تهران تا پردنجان / تصویری از تشییع و بدرقه یک شهید گمنام در روستای پردنجان استان چهارمحال و بختیاری که در هوای سرد زمستانی هم شهدا را تنها نگذاشتند.



عطرآکین شدن هر نقطه ایران / پیکر پاک و مطهر ۵ شهید گمنام ۸ سال دفاع مقدس از مسیر دریایی به بندرعباس رسید. آب و خاک ایران، به عطر شهدا مطهر شده است.

دست‌های خون‌آلود بنی‌صدر

نگاهی به عملیات نصر به مناسبت ۱۶ دی، روز شهدای دانشجوی



حسن نوروزی

دبیر گروه جبهه

انتخاب آگاهانه و ایستادگی، همان چیزی است که یک دانشجوی یک دانشگاه را در طول تاریخ مبدأ تحولات و رویدادهای مهم و اساسی جامعه کرده است. ایستادگی کم‌نظیر دانشجویان در فضای خفه و مضطرب پس از کودتای ۲۸ مرداد، قربانی شدن دانشجویان در ۱۶ آذر زیر پای نیکسون، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، حضور دانشجویان در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و حضور پررنگ و باشکوه در جبهه‌های حق و باطل، هر کدام از این موارد کارنامه‌ای از تفکر اصیل اسلامی و منتقد و جریان‌ساز هستند که ماهیت اصلی دانشجوی و انجمن‌های اسلامی و دانشجویی را - که بار مسئولیت و آزادی را به دوش کشیده‌اند - به نمایش می‌گذارد.

«از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود» و «دانشگاه مبدأ همه تحولات است»؛ این جملات عمق نگاه و انتظار امام خمینی (ره) به دانشجوی و دانشگاه است. صحنه گذشتن و اعتقاد به این جملات موجب شد که سال‌های پس از خروش دانشجویان در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، حماسه‌های متعدد دیگری، همچون ظهور انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و مقاطع حساس و برجسته نمود پیدا کنند.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل حساسیت دانشجوی و دانشگاه در قبال رویدادهای اجتماعی در بتوان ارتباط ویژه دانشجوی با جامعه دانست. آنجایی که دانشجوی از کف جامعه خود را به دانشگاه می‌رساند و سختی‌ها و کم‌کاری‌ها را می‌بیند و با علمی که به دست می‌آورد، با مطالبات عمومی و مردمی آشنا می‌شود.

از سوی دیگر، به واسطه اینکه دانشجوی خالی از منافع مادی است و آرمان‌هایش را به دنیاگرایی نمی‌فروشد، پس وابستگی و آلاشی به کانون‌های قدرت و ثروت پیدا نمی‌کند و در بزنگاه‌های حساس به داد جامعه می‌رسد و هم‌صدا با مردم تا پای جان پیش می‌رود.

البته روی سخن ما با دانشجویانی است که حوادث را می‌بینند و آن را با آموخته‌های خود در می‌آمیزند تا به تحلیلی دقیق و درست از وقایع دست پیدا کنند که به دور از انصاف نباشد، و الا آنچه برخی از دانشجویان به اصطلاح منورالفکر در آشوب‌های اخیر پیاده کردند، بیشتر غلیان احساسات بود تا جوش تفکر.

۱۶ دی ماه، سالروز شکل‌گیری حماسه خونین هویزه به دست دانشجویان پیرو خط رهبری به فرماندهی دانشجوی شهید، «سیدمحمدحسین علم‌الهدی» است.

ایمن دانشجویان رزم‌نمده در ۱۵ دی ۱۳۵۹، عملیاتی را در هویزه و سوسنگرد آغاز کردند و پیروزی‌های مهمی به دست آوردند. دانشجویان در حالی که تجهیزات نظامی در اختیار نداشتند، تا آخرین قطره خون از سرزمین ایران اسلامی دفاع کردند، مظلومانه به شهادت رسیدند و حماسه هویزه را آفریدند. به پاس تجلیل از رشادت‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (ره)، به‌ویژه شهید علم‌الهدی، شانزدهم دی، روز «شهدای دانشجوی» نام گرفت. ماجرای جنگ تحمیلی را آنهایی که در گوشه و کنار مرزهای ایران و در خوزستان زندگی می‌کردند از تابستان ۱۳۵۹ فهمیده بودند و به گوش مسئولان مملکت هم رسانده بودند، اما آن‌کس که اعتنایی به این صحبت‌ها نداشت و با استبداد فکری خودش

پاسخ بزرگ‌تر از قواره‌اش می‌داد، شخص دوم مملکت، یعنی «بنی‌صدر» بود. او در مقابل امکان حمله عراق به ایران می‌گفت: «اتفاق‌های پیش آمده اهمیت نظامی ندارد!» حتی پیشنهاد به کارگیری عشایر منطقه برای مقابله با حملات دشمن را نپذیرفت و مرز ملتهب و ناآرام را رها کرد و به تهران بازگشت.

در جلسات دیگر هم مکرر می‌گفت: «عراق هرگز جرئت چنین کاری را ندارد!» یا «عراق هیچ وقت چنین غلطی نمی‌کند. برای اینکه هم در سطح بین‌المللی و هم در حوزه سیاست جهانی محکوم می‌شود و امنیت داخلی‌اش به خطر می‌افتد. عراق خودش را به خطر نمی‌اندازد.»

مجاهد خستگی‌ناپذیر و متفکر، شهید سیدمحمدحسین علم‌الهدی که عضو شورای فرماندهی سپاه اهواز بود، مانند دیگر دلسوزان انقلاب نوپای ایران با دقت وضعت مرز را زیر نظر داشت و مدارک انکارناپذیری جمع‌آوری کرده بود. او که می‌خواست خبر تحرکات عراق مهم جلوه کند، مثل همیشه دست به کار شد و در یکی از سالن‌های مرکزی اهواز نمایشگاهی برپا کرد و اجناس و سلاح‌هایی را که بعضی‌ها بین مرزنشینان توزیع کرده بودند، به نمایش گذاشت. خبرنگاران را هم دعوت کرد. همه شواهد نشان می‌داد رژیم بعث عراق برای حمله به ایران برنامه‌ها دارد، اما در دولت موقت، گوش شنوا و چشم بینایی وجود نداشت.

شهریور ۱۳۵۹، حوادث و حملات موضعی دشمن در خوزستان بیشتر شده بود. بخشدار جوان شهر هویزه، حامد جرفی (اولین شهید دولت) با تشکیل نیروی دفاعی، اتفاقات مرز را روزانه گزارش می‌داد.

جواب بنی‌صدر این بود: «ایک تیب از عراق در حال مانور در جنوب مرز هویزه است و بعد از چند روز منطقه را ترک خواهد کرد. تعرضات هوایی هم براساس اشتباهات خلبان‌ها بود. ما مشکلی در مرز نداریم.»

دشمن بعضی تقریباً جنگ اعلام نشده‌ای را در مناطق مرزی آغاز کرده بود، ولی بنی‌صدر نمی‌پذیرفت. متأسفانه تاریخ روزهای قبل از تهاجم همه‌جانبه دشمن، پر است از روایت‌های اصرار فرماندهان و دلسوزان و انکار و بی‌اعتنایی بنی‌صدر!

با همه این حرف‌ها، سه ماه بود که جنگ به راه افتاده بود و شروع حماسه‌آفرینی‌ها و رشادت‌های جوانان وطن داشت رقم می‌خورد. حماسه هویزه را می‌توان یکی از فرازهای ماندگار تاریخ مبارزات دانشجویی در ایران اسلامی دانست. نبردی از رویارویی تن‌های نحیف و مبارز، اما پای‌کار با تانک‌های «تی-۶۲»، «تی-۵۵»، «سوشک‌های زمین به زمین و امکانات نظامی پیشرفته و بیش از ۶ هزار نفر پیاده دشمن، آن‌هم در ایامی که سیاسیون و ارتش به هیچ وجه نه آمادگی جنگ را داشتند و نه پیش‌بینی جنگ را می‌کردند.

در آن دوران، دشمن به خوبی موقعیت ایران را سنجیده بود و پس از آنکه از تغذیه نیروهای تجزیه‌طلب خود در ایران نتیجه نگرفته بود، می‌خواست از این اوضاع بهم‌ریخته و گل‌آلود برای خودش ماهی بگیرد؛ چرا که اتحاد ملی به شدت در معرض خطر بود و اختلاف بنی‌صدر با رهبران انقلاب و مسئولان نزدیک به امام (ره) آشکار شده بود. بنی‌صدر کاملاً همسوی اهداف استکبار همواره سعی داشت نیروهای مخلص انقلابی را از صحنه دور کند و به حاشیه براند و بیشتر به لیبرال‌های حامی خودش میدان بدهد.

این یکدندگی و همگامی بنی‌صدر با دشمنان تا جایی پیش رفت که مانع از ایفای نقش مؤثر

نیروهای مردمی و بسیج در دفع تجاوز دشمن شد. او معتقد بود، تنها نیروهای آموزش‌دیده ارتش باید عملیات کنند. می‌گفت: «باید زمین بدهیم و زمان بگیریم.»

از همین رو در طول سه ماه اول جنگ، بعضی‌ها آن‌طور که باید و شاید مهار و متوقف نشدند. عملیات‌هایی هم که بر نامه‌ریزی می‌شد، با شکست و ناتوانی مواجه می‌شد. البته حمله‌های ایذایی و چریکی از سوی سپاه وجود داشت، اما حمله هماهنگ شده بزرگ، کم اتفاق می‌افتاد. بنی‌صدر ماجرا را جدی نگرفته بود؛ به همین دلیل پیروزی را آسان و بی‌درد تصور می‌کرد.

چند ماهی از جنگ می‌گذشت، خر مشهر در اشغال مانده و آبادان محاصره بود. موقعیت سیاسی بنی‌صدر هم تضعیف شده بود. مردم از رکود حاکم بر جبهه‌ها شاک می‌بودند؛ به گونه‌ای که یک روز بیشتر ماندن بعضی‌ها در خاک مقدس کشور مان را هم زیاد می‌دانستند و توجهی هم به خواسته‌های عراق در خصوص خاتمه جنگ و پذیرش صلح بدون برگشتن عراق به مرزهای بین‌المللی نداشتند که فقط می‌خواستند جنگ تمام شود. عراق پس از اشغال خر مشهر به حربه سیاسی روی آورد. صدام می‌گفت: «ما به شرطی آماده مذاکره با ایران هستیم که به حاکمیت ما بر شط العرب (اروند رود) و سرزمین‌هایی که آزاد کرده‌ایم، احترام بگذارند.»

بنی‌صدر هم که در تنگنا قرار گرفته بود، رسماً به فرماندهان ارتش اعلام کرد: «من دیگر در مقابل نظرات و مواضع مخالفان رهبران مذهبی و مردم، قدرتمند مقاومت ندارم. یا عملیاتی اجرا کنید یا بروید به مردم توضیح بدهید.»

با ایسن وضعیت عملیات نصر (هویزه) شکل گرفت. در واقع، بنی‌صدر انجام عملیات و پیروزی و برتری نظامی ایران را برای تحکیم جایگاه و موقعیت سیاسی خودش می‌خواست. این مسئله را غربی‌ها هم فهمیده بودند و به آن اذعان داشتند. دریا بان علی شمشانی (دبیر شورای عالی امنیت ملی) که یکی از برادرانش از شهدای مظلوم حماسه هویزه است و در زمان این عملیات، فرمانده سپاه خوزستان بود، در تحلیلی نوشت: «بنی‌صدر می‌خواست با پیروزی در این عملیات همه دزهای سیاسی کشور را تصرف نماید. او کسی بود که با به دست آوردن یک پیروزی می‌توانست همه مخالفان خود را حذف نماید.»

در چنین وضعیتی، ۵۰ تا ۶۰ نفر از برادران سپاه برای جلوگیری از پیشروی دشمن مسئولیت مین‌گذاری جاده‌ها را به‌عهده گرفتند؛ زیرا این جاده‌ها و راه‌های عبور، برای دشمن مانند رگ‌های حیاتی برای ادامه تجاوز بود. دو هفته قبل از آنکه عملیات مدافعان اسلام علیه نیروهای عراقی در این منطقه انجام گیرد، بنی‌صدر دستور تخلیه هویزه را از برادران بسیج و پاسدار صادر کرد و دستور داد که در سوسنگرد مستقر شوند.

این دستور بنی‌صدر، با مخالفت جدی شهید سیدمحمدحسین علم‌الهدی و دیگر برادران مواجه شد. بعد از آنکه علم‌الهدی با آیت‌الله خامنه‌ای تماس گرفت، دستور بنی‌صدر لغو شد و برادران پاسدار در هویزه باقی ماندند.

یک هفته بعد، تصمیم بر آن شد که از محور هویزه و سوسنگرد حمله انجام گیرد. این عملیات را می‌توان نقطه عطف عملیات منظم برادران ارتش و سپاه دانست. بار دیگر بنی‌صدر، شعار جدایی ارتش از سپاه را سر داد و گفت: «سپاه نباید در این عملیات شرکت کند.» برادران بسیجی و سپاه که در منطقه بوده و اغلب آنها به منطقه آشنایی داشتند، این ترغیب بنی‌صدر را ضربه شدیدی بر پیکر عملیات می‌دانستند.



روز اول عملیات نصر (۱۵ دی ۱۳۵۹) با پیروزی و فتح عظیم همراه است؛ به گونه‌ای که حضرت امام (ره) در پاسخ به نامه رئیس‌جمهور، پیام‌قردانی و تشکر صادر می‌فرمایند. البته در همین پیام هم که شما نگاه می‌کنید، شیطنت بنی‌صدر که همواره به دنبال دامن زدن به اختلافات بین ارتش و سپاه و بسیج بود و هوشیاری کامل امام امت کاملاً مشهود است.

بنی‌صدر در پیامش فقط از ارتش اسم می‌برد و تلاش می‌کند پیروزی عملیات را انحصاری کند، اما حضرت امام (ره) تک‌تک نیروهای مسلح را نام می‌برد و در دو جای نام از کلمه «پاسداران معظم» و «پاسداران و شبه‌نظامیان» یاد و قدر دانی می‌کنند. نقلی وجود دارد که مردم آن شب بر پشت‌بام‌ها رفته و ندای الله‌اکبر فتح و پیروزی سر می‌دهند. لذا از این بابت، پیروزی روز اول - هر چند متأسفانه دوام نداشت - روحیه دوباره‌ای در ملت و دولت و رزمندگان دمید و آسیب‌پذیر بودن بعضی‌ها را ثابت کرد. در بُعد سیاسی هم تبلیغات سوء صدام و حایماتش مبنی بر ضعیف‌نشان دادن ایران و ناتوانی انقلاب در دفاع از خاک مملکت را خنثی و ثابت کرد «اگر بخواهیم، می‌توانیم».

عملیات نصر می‌خواست کاری کند که دشمن بی‌محبا پیشروی نکند و این اتفاق افتاد. بعضی‌هایی که حتی به دنبال سنگر و استحکامات نبودند، بعد از این عملیات مواضع پدافندی خودشان را تقویت کردند و راهبردی نظامی‌شان را تغییر دادند.

ماشین جنگی صدام در هویزه زمین‌گیر شد. رزمندگان جنگ ندیده‌ها در روز اول این عملیات وارد مواضع دشمن شدند و برای اولین بار عقبه دشمن و آرایش نظامی‌اش را دیدیم. در این عملیات یاد گرفتیم با اولین پیروزی مغرور نشویم و کار را تمام شده ندانیم.

عملیات هویزه، اولین و آخرین عملیاتی بود که در روز روشن و به طور کاملاً آشکار اتفاق افتاد و نشان داد، حمله زرهی در روز حداقل برای ما نتیجه‌ای ندارد. پس از این عملیات، نیروهای سپاه پر و بال بیشتری می‌گیرند و با از سر گرفتن عملیات محدود و برنامه‌ریزی شده، شایستگی‌ها و فعالیت‌های‌شان را توسعه می‌دهند.

این عملیات هیمنه بنی‌صدر را پایین آورد و در آن موفق به اسارت گرفتن حدود ۸۰۰ اسیر از دشمن شدیم. در این باره نوع برخورد اسلامی رزمندگان عزیز ما که تا آن زمان فاقد چنین تجربه‌ای بودند نیز قابل توجه است. بیش از ۲۰ کیلومتر پیشروی آبی نیروهای خودی در زمان بسیار کم با کمترین تلفات نیز یک رکورد به شمار می‌آید. همچنین عملیات نصر جزء اولین نبردهای جلدی بود که یگان‌های نیروی زمینی ارتش توان خود را در یک جنگ واقعی تمام‌عیار سنجیدند. خود حماسه هویزه را نیز می‌توان مبدأ مقاومت‌های ملی دانشجویان در هشت سال دفاع مقدس به حساب آورد.

در دست‌نوشته‌ای به جا مانده از شهید علم‌الهدی چنین می‌خوانیم: «من در سنگر هستم. در این خانه محقر، در این خانه فریاد و سکوت، فریاد عشق و سکوت، در این سرد و گرم، سردی زمستان و گرمای خون. در این خانه ساکن و پر جوش و خروش، سکون در کنار رودخانه و هیجان قلب و شور شهادت، خانه نمناک و شیرین، کوچکی قبر و عظمت آسمان. این خانه، کوچک است. این سنگر، این گودی در دل زمین، این گونی‌های بر هم تکیه داده شده، پر از حرف است. فریاد است. غوغاست. صدای پر محبت اصغر و حرف زدن آرام رضا و خوش‌زبانی منصور، بغض گلویم را گرفته. قطرات اشکم هدیه‌تان باد. تنهایی، عمیق‌ترین لحظات زندگی یک انسان است.»

جبهه

شماره ۱۰۷۶ | دوشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۱



یادمان

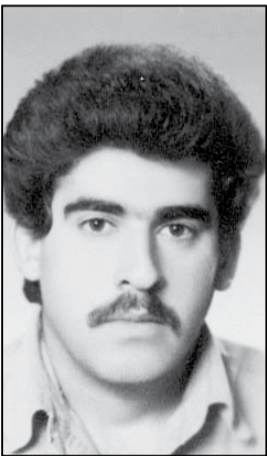
شهید آشوری

فاطمه السادات طلائی

نویسنده

روبرت در همان دوره ابتدای آموزش بود که نظر استاد‌های آموزشی را به خود جلب کرد؛ چراکه او روز به روز آماده‌تر می‌شد. در همین زمان ارتش جنایتکار صدام قسمت‌هایی از منطقه مهران را به تصرف خود درآورد. چون در آن زمان لشکر ۸۴ عملیاتی خرم‌آباد مسئولیت پدافندی آن منطقه را به عهده داشت، طی استعلامی از پادگان خرم‌آباد، نیروی تازه نفس را خواستار شدند و «روبرت لازار» در حالی که فقط یک ماه و نیم از آموزشش باقی مانده بود، جزء اولین کسانی شد که داوطلبانه به منطقه رفت و هرگز اجازه پیشروی را به دشمن نداد و در بیشتر گشت‌های شناسایی و حتی رزمی جزء اولین نفرات داوطلب بود. حتی به دلیل استراحت بیشتر هم‌زمان خود، به جای آنها نگهبانی در کمین و استراق‌سمع از دشمن را قبول می‌کرد و از عهده تمام مسئولیت‌های واگذار شده به خوبی بر می‌آمد. شهید روبرت لازار در دو عملیات شرکت کرد؛ و جزء اولین گروه خشکشان بود که توانستند با همت و یاری خدا آن ارتفاع را که مشرف به دشت مهران بود، از وجود دشمن پاک کنند؛ به گونه‌ای که همیشه یاد و خاطره آن عملیات در ذهن همه نقش بسته است و همه از آن به نیکی یاد می‌کنند که چگونه در ایام عاشورای حسینی با فریادهای یا حسین گویان خود دشمن را تا کیلومترها در خاک خود به عقب راندند.

به نقل از یوسف آسوریان هم‌رزم شهید روبرت لازار



«روبرت لازار» در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در تهران متولد شد. پس از ناتمام ماندن تحصیلات مدرسه، به خدمت سربازی اعزام شده و دوران آموزشی را به مدت یک ماه و نیم در لشکر ۸۴ لرستان گذراند. با پایان دوره آموزشی، وی به جبهه غرب منتقل شد و در مناطق، همچون سومار و مهران از وطن پاسداری کرد. بنا به روایت برادرش، آخرین بارسا وی در منطقه عملیاتی «میمک» مستقر بود. فرمانده «روبرت لازار» که برادرش گفته بود: «به روبرت بگویید بیش از چند روز به پایان خدمتش باقی نمانده و لازم نیست اینجا بماند و می‌تواند به پشت خط بازگردد، ولسی وی نپذیرفت.» فرمانده روبرت لازار نقل می‌کند که او گفته است: «تا آخرین روزی که اینجا هستم، این مسلسل مال من است و نمی‌گذارم تپه به دست عراقی‌ها بیفتد.» همین کار را هم کرد و سرانجام شهید شد.

یادداشت

راه‌تثبیت

علی محمدی

کارشناس اقتصادی



سیاست جدید بانک مرکزی در تثبیت نرخ نیمایی تا چه اندازه می‌تواند موفق باشد و تجربه ارز ۴۲۰۰ تومانی را تکرار نکند؟

نظام ارزی چند نرخي شناور که در ایران شاهد آن هستیم، در شرایط تحریم، ضعف شبکه تسویه، خلأ نظارت و کنترل و ریسک پایین و بازدهی بیشتر بخش نامولد اقتصاد نسبت به بخش مولد، کارآمدی لازم را نداشته و به فساد و کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود. از این نظر تصمیم اخیر دولت، تصمیم درستی است؛ اما برای تحقق هدف سیاست‌گذار، باید همه عوامل افزایش نرخ ارز آزاد کنترل شوند.

اگر یک عامل از بین برود، ولی عوامل دیگر همچنان باقی باشند، در این صورت سیاست‌گذار نمی‌تواند شاهد اثربخشی کامل تصمیماتش باشد.

اقدام فعلی دولت به نوعی در راستای تثبیت نرخ ارز و رسمیت‌زدایی از بازار آزاد است و برای اثربخشی کامل نیازمند اقدامات دیگری است. برای نمونه، باید در یک چارچوب دقیق و نظام‌مند و در یک دوره زمانی محدود همه اقلام بازار غیر رسمی ارز از بازار نیما تأمین شوند، بازار توافقی متوقف شود، معاملات دستی ارزی جرم‌انگاری شود و...

فراموش نکنیم افزایش قیمت ارز به معنای کاهش ارزش ریال است و وزنی از کاهش ارزش ریال متأثر از سیاست‌های پولی و مالی است. بنابراین، تحقق هدف دولت در تثبیت نرخ ارز در صورتی که شاهد رشد پایه پولی و نقدینگی، منفی بودن ترانزنامه بانک‌ها و کسری بودجه باشیم، امکان‌پذیر نیست.

موضوع بعدی، تشکیل شبکه تسویه مؤثر در تجارت خارجی است که باید راهی برای ورود و خروج ارز به کشور یافت و جریان ارز را حفظ کرد و البته با برنامه‌ریزی بلندمدت باید به سمت پیمان‌های پولی دو جانبه رفت و درصدی از اقتصاد را دلارزدایی کرد.

اما این همه ماجرا نیست، چرا که به جز انتظارات سیاسی و تورمی، کانال‌های فردایی تعیین نرخ دلار در فضای مجازی از مهم‌ترین عوامل افزایش نرخ ارز آزاد هستند. به نظر می‌رسد، احتمالاً دولت توان حکمرانی در این بستر (فضای مجازی) را نداشته باشد. از این منظر در خصوص کنترل نرخ ارز و بی‌اعتبار کردن بازار غیر رسمی ارز، اجرای موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- حذف بازار توافقی ارز. ادامه این بازار به معنای رسمیت دادن و مشروعیت بخشی دولت به بازار غیر رسمی است.
- دولت آمار می‌دهد، زیر ۷ درصد بازار از ارز آزاد تأمین می‌شود. باید همه این اقلام در بازار نیما، تأمین ارزی شود؛ نظارت و رصد شدید و مؤثر بر عملکرد صرافی‌ها و جرم‌انگاری معاملات دستی ارز؛
- الزام همه صادرکنندگان به بازگشت ارز به سامانه نیما و نظارت کامل بر حسن اجرای آن؛
- تدوین بودجه ۱۴۰۲ بدون کسری؛
- ممنوعیت هرگونه تسهیلات تکلیفی بر بانک‌ها؛
- نظارت شدید بر بانک‌ها در جهت کنترل نقدینگی و پایه پول.

ساحل عباسی

خبرنگار

اگرچه افزایش قیمت ارز در اقتصاد ایران بارها تکرار شده است، اما نمی‌توان از رعب‌انگیز بودن این افزایش و هراسی که در دل‌ها ایجاد می‌کند، سخن نگفت. افزایش قیمت ارز فقط در این دو عبارت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پیامدهای آن بار تخریبی زیادی روی اقتصاد، آن هم اقتصاد بیمار ایران که از سوءمدیریت‌ها تا جنگ اقتصادی و تحریمی رنج می‌برد، به جای می‌گذارد؛ بنابراین، افزایش قیمت ارز موضوع پیچیده‌ای است که باید به صورت کارشناسی بررسی شود. کارشناسان معتقدند، افزایش قیمت ارز در اقتصاد دولتی ایران، که بخش عمده ارز ناشی از صادرات نفت در اختیار دولت است، بی‌تأثیر از خواست دولت و بانک مرکزی نیست؛ یعنی افزایش‌ها عمدتاً به دلیل کسری بودجه و با چراغ سبز دولت صورت می‌گیرد. صبح صادق در گفت‌وگو با استاد اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، ابزارهای در اختیار بانک مرکزی و آنچه را که منجر به افزایش نرخ ارز و پیامدهای بعدی آن می‌شود، بررسی کرده است.

«حسن حیدری» در گفت‌وگو با صبح صادق در پاسخ به این پرسش که «بانک مرکزی چه ابزارهایی برای کنترل نرخ ارز دارد؟» گفت: «در وضعیت اقتصادی ایران، بانک مرکزی به دو ابزار عمده دسترسی دارد که ابزارهای بسیار کوچکی هستند؛ لذا نمی‌توان توقع داشت این ابزارها به تنهایی بتوانند در وضعیت کنونی منجر به ثبات نرخ ارز شوند. چرا که مؤلفه‌های دیگری نیز در این موضوع اثرگذار هستند.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «اولین ابزار، ایجاد تغییرات در نرخ ارز نیمایی است؛ برای نمونه، عده‌ای معتقدند نرخ ارز نیمایی باید به نرخ ارز بازار آزاد برسد تا انگیزه‌ای برای ایجاد سوداگری و دریافت ارز با قیمت پایین‌تر برای کسی باقی نماند.»

وی در این باره توضیح داد: «با بالا رفتن نرخ

ارز نیمایی، قیمت مواد اولیه و کالاهای وارداتی نیز بالا می‌رود و این موضوع باز هم به افزایش تورم و از دست رفتن بیشتر قدرت خرید جامعه منتهی می‌شود. پس این سیاست هم به خودی خود بدون تغییر در سایر ساختارها و بینش‌ها نسبت به حل مسائل اقتصادی و بین‌المللی نمی‌تواند کارساز و راهگشا باشد.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس در ادامه بحث توضیح داد: «البته هنگامی که نرخ ارز نیمایی به نرخ بازار رسانده می‌شود؛ یعنی عملاً نرخ ارز نیمایی افزایش یافته و عرضه ارز از طرف صادرکنندگان در بازار بیشتر می‌شود که این موضوع تا حدی می‌تواند به برقراری تعادل در عرضه و تقاضای ارز و ایجاد نشدن تقاضای کاذب برای ارز منتهی شود که از این‌ نظر اقدام خوبی است.»

حیدری گفت: «ابزار دومی که بانک مرکزی در اختیار دارد و گاهی در فواصل معین زمانی و با افزایش نرخ تورم از آن بهره می‌برد، افزایش و بالا بردن نرخ سود بانکی یا همان نرخ سپرده‌های بانکی است که طی چند سال گذشته از ۱۶ درصد به ۱۸ درصد و سپس به بیش از ۲۰ درصد در روزهای

ابزارهای ثبات

اخیر رسیده است. هر چند نظام بانکی کشور، به ویژه بانک‌های خصوصی به سپرده‌گذارانی که سپرده‌های کلان دارند، قبل از اعلام این وضعیت نیز سودهای بالاتر از ابلاغیه بانک مرکزی پرداخت می‌کرد، اما این موضوع نیز گزینه یا ابزار دوم بانک مرکزی برای فرار سرمایه‌ها یا به عبارتی وارد نشدن آنها به بازار ارز و علاقه‌مند شدن به سپرده‌گذاری در نظام بانکی است.»

این کارشناس اقتصادی معتقد است: «البته رسیدن به نتیجه از طریق این اقدام نیز چندان راحت نیست؛ چرا که نرخ سود بانکی حتی ۲۳ درصدی نیز به شدت از نرخ تورم عقب است. بنابراین، کسانی که سرمایه‌های خود را در بانک نگه دارند، همواره زیان می‌کنند و به نوعی در پایان سال با کاهش ارزش پول ملی نه تنها سود نکرده؛ بلکه دچار زیان شده‌اند؛ به این دلیل به نظر نمی‌رسد ابزار دوم بانک مرکزی، یعنی افزایش نرخ سود بانکی نیز در وضعیت کنونی اقتصاد ایران بتواند مانع سوداگری در بازار ارز و افزایش قیمت‌ها شود.»

این استاد دانشگاه معتقد است: «به هر حال بانک مرکزی نمی‌تواند اقدام چندانیه به جز این دو



بررسی راهکارهای بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز در گفت‌وگو با عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

راهبرد انجام دهد و مسیر دیگری برای طی کردن در پیش‌رو ندارد؛ چرا که سایر بخش‌ها و حوزه‌های اقتصادی نیز باید مدیریت شوند و نمی‌توان به موضوع ارز به صورت یک موضوع تک وجهی نگاه کرد. به هر حال، اقتصاد ایران به شدت نیازمند اصلاحات ساختاری است و اگر رشد اقتصادی اتفاق نیفتد، وضعیتی به مراتب بدتر از آنچه امروز تجربه می‌کنیم، در آینده‌ای نه چندان دور خواهیم داشت. برقراری ارتباط و تعامل با دنیا و ایجاد امنیت و ثبات اقتصادی موضوع بسیار مهمی است که منجر به جذب سرمایه‌های خارجی و مانع از خروج سرمایه‌های داخلی می‌شود.»

استاد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس خاطر نشان کرد: «بنا بر این واقعیت را اکتفا کردن به ارتباطات تجاری و مسائل مربوط به تحریم نیز در نرخ ارز تأثیرگذار است. تا وقتی اقتصاد ایران تحریم است و نظام بانکی کشور از تحریم‌ها رنج می‌برد، نمی‌توان برای بلندمدت نرخ ارز را کنترل کرد و فضا را برای سرمایه‌گذاری امن در تولید کشور فراهم کرد.»

این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: «مستولان به خوبی به این موضوع واقف هستند که نرخ ارز بیشتر تحت تأثیر موضوعات سیاسی و فروش نفت قرار دارد. وقتی درآمد نفتی کشور کم است و به دلیل تحریم‌ها نمی‌توانیم نفت قابل توجهی بفروشیم یا نفت را به قیمت روز و واقعی آن بفروشیم و وقتی به دلیل تحریم‌های بانکی نقل و انتقال پول و ارز به کشور غیر ممکن یا بسیار سخت و توأم با هزینه‌های مالی سنگین است، نمی‌توان انتظار داشت بانک مرکزی با توسل به یکی دو ابزار بتواند بازار ارز را آرام کند و نرخ ارز دچار نوسانات شدید نشود.»

حسن حیدری تأکید کرد: «بخش قابل توجهی از مسائلی که در اقتصاد ایران صورت می‌گیرد، ناشی از تخلیه اثر رشد نقدینگی و کسری بودجه دولت است و تا زمانی که این مسائل حل نشود، قطعاً نرخ ارز نیز در بازار به تعادل نمی‌رسد و نمی‌توان نسبت به کاهش نرخ ارز و بازگشت آرامش به اقتصاد و بهبود معیشت مردم ایران امیدوار بود.»

ارز آرام می‌گیرد؟

نگاهی به آینده نرخ دلار پس از تغییر ریاست بانک مرکزی

گروه اقتصاد

صبح صادق

رئیس کل بانک مرکزی ایران تغییر کرد. نوسانات قیمت ارز که در دولت سیزدهم پرشتاب‌ترین افزایش در سال اول دولت‌ها را سپری می‌کرد، سبب شد تا «علی صالح‌آبادی» که انتصاب وی در سمت رئیس کل بانک مرکزی از ابتدا نیز بسیار پرابهام بود، برکنار شود و «محمد رضا فرزین» به ساختمان میرداماد پا بگذارد؛ اما آیا انتخاب فرزین به ریاست بانک مرکزی افسار دلار را خواهد کشید؟ آیا اصولاً امکان توقف افزایش قیمت دلار وجود دارد؟ ما موریت جدید رئیس کل در ساختمان میرداماد چیست؟

ریشه نوسانات در تورم است

بسیاری از مردم با حتی مستولان و کارشناسان معتقدند، افزایش قیمت ارز به افزایش تورم منجر می‌شود؛ بنابراین دولت باید جلوی افزایش قیمت ارز را به هر طریقی بگیرد تا کشور دچار شوک تورمی نشود. اگرچه نمی‌توان این گزاره را رد کرد و باید این واقعیت را پذیرفت که افزایش قیمت ارز روی سایر بازارها و عملاً تمام اقتصاد ایران اثر می‌گذارد، اما این تمام ماجرا نیست، بیش از آنکه تورم موجود در کشور زاینده نوسانات قیمت ارز باشد، این قیمت ارز است که به دلیل تورم ساختاری موجود در اقتصاد ایران هر از چندگاهی افسار پاره کرده و طغیان می‌کند.

چرا دلار گران می‌شود؟

در گام اول باید گفت، اصولاً دلار گران نمی‌شود؛ بلکه تنها دلار که هیچ کالایی گران نمی‌شود، بلکه این پول ملی کشورهاست که به اصطلاح ارزان می‌شود. فرض کنید شما در سال گذشته برای خرید یک عدد نان ۱۰۰۰ تومان هزینه می‌کردید؛ اما امسال برای خرید همان نان ۲۰۰۰ تومان می‌پردازید، در حالی که نان همان نان سال گذشته است و این ارزش پول ملی شماست که کاهش یافته و مجبورید در سال جاری برای خرید همان نان به جای یک اسکناس هزار تومانی، دو اسکناس هزار تومانی بپردازید. حالا اگر دلار را نیز یک کالا در نظر بگیریم تا زمانی که کاهش ارزش پول ملی وجود دارد، طبیعی است که هر ساله برای خرید یک دلار باید ریال بیشتری بپردازید.

ماجرای دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی

رئیس کل جدید بانک مرکزی در اولین اظهار نظر خود از تأمین ارز کالاهای اساسی با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان سخن گفت. موضوعی که باعث شد برخی افراد این قیمت را با دلار ۴۲۰۰ تومانی موسوم به دلار جهانگیری مقایسه کنند؛ اما تفاوت‌های ملموسی میان دلار ۴۲۰۰ تومانی با قیمت اعلام شده محمد رضا فرزین وجود دارد. دلار ۴۲۰۰ تومانی در ابتدا ارزی برای تأمین تمام نیازهای ارزی کشور اعلام شد، در حالی که دلار ۲۸۵۰۰ تومانی فقط برای تأمین کالاهای اساسی و ماشین‌آلات و... آن هم از طریق منابع ارزی موجود در سامانه نیما اعلام شده است.

مسئله‌ای که شناس موقیبت واقعی بودن آن را در قیاس با ارز ۴۲۰۰ تومانی نشان می‌دهد. تفاوت بعدی میان دو نرخ اعلام شده، این است که ارز ۴۲۰۰ تومانی از ابتدای تولید تا زمان مرگ همان ۴۲۰۰ تومان ماند و عملاً نسبت به اتفاقات رخ داده در اقتصاد بی‌تفاوت بود، در حالی که ارز اعلام شده جدید نرخ میانگین برای یک دوره حداقل یک ساله در سامانه نیما خواهد بود؛ یعنی عدد ۲۸۵۰۰ تومان مطلق نبوده، اما برای اطمینان بخشی به تولیدکنندگان و ایجاد ثبات برای بازه حداقل یک ساله دیده شده است. مسئله بعدی این است که میزان تقاضای ارز در کشور برای تأمین تمام نیازهای ارزی با ارز ۴۲۰۰ تومانی ممکن نبود و از همان ابتدا مشخص بود این طرح به فرجام نخواهد رسید، اما تأمین ارز ۲۸۵۰۰ تومانی از سامانه نیما برای واردات کالاهای اساسی یا ماشین‌آلات به نظر معقول

و عملیاتی است؛ به گونه‌ای که در ماه‌های اخیر در سامانه نیما همواره عرضه ارز بیش از تقاضا بوده است؛ چرا که فقط واردکنندگان کالاهای اساسی، تجهیزات، ماشین‌آلات و مواد اولیه که از دستگاه‌های مربوطه مجوز ثبت سفارش دارند، می‌توانند از این سامانه اقدام به تأمین ارز واردات کنند. برای نمونه، بر اساس آمارهای رسمی در روزهای گذشته (در یکی از روزها) حدود ۷۲۹ میلیون دلار ارز در سامانه نیما عرضه شده بود که تنها برای ۱۷۵ میلیون دلار آن، یعنی ۲۰ درصد ارز عرضه شده تقاضا وجود داشت. خود این موضوع نشان می‌دهد، اجرای ایده تأمین ارز مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی از طریق سامانه نیما امکان‌پذیر و شدنی است. حال باید دید برنامه بانک مرکزی برای کاهش سهم ارز بازار آزاد در اقتصاد ایران و حرکت به سمت ثبات و تکنرخی شدن ارز چیست؟



مبدأ حرم مقصد خدا

سیدحسین
خاتمی خوانساری

کارشناس سیاسی



یکی از نکات مهم وصیت حاج قاسم سلیمانی این بود که جمهوری اسلامی «حرم» است. حاج قاسم در بخشی از وصیت خود گفت: «جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر مانند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص)...» اینک ایشان جمهوری اسلامی را حرم خوانده است، هدف و جهت مهمی را در نظر داشته و مسأله آن طرف فراخوانده است. از جمله لطایف این تشبیه این است که حضور در حرم آدابی دارد که باید رعایت شود. برای این حضور پاک بودن قلب، روح و جسم و حفظ این پاکی لازم است. همچنین، باید حرم را محترم دانست و برای محترم ماندن و حفظ آن از آسیب و صدمه تلاش کرد و حساسیت به خرج داد. اصلاً برای چه هدفی به حرم می‌رویم و آن را محترم می‌شماریم؟ حرم نقطه شروعی است برای شناخت دین و گم‌نکردن راه درست. ما در حرم اهل بیت (ع) دور هم جمع می‌شویم و همراه با هم به سمت خدا حرکت می‌کنیم. حرم مبدأ است، نقطه شروع است، مقصد هم خدا و دین خداست. در حرم جمهوری اسلامی هم باید به سمت خدا حرکت کرد. باید این حرم را در جایگاه خود دید و شناخت، باید حرمت او را حفظ کرد و به وسیله آن به سمت تعالی و پیشرفت مادی و معنوی رفت. ما همانند حرم اهل بیت (ع) باید درباره جمهوری اسلامی عمل کنیم، ارزش آن را بفهمیم و در آن رشد و حرکت را ببینیم. در این میان، هر کسی هم باید وظیفه خود را بداند و به آن عمل کند. اگر هر کسی به وظایف خود عمل کند، می‌توانیم حرم بودن جمهوری اسلامی را به تمام معنا درک کنیم.

این حرمت و حرکت را نیز باید از طریق نسل جدید پی گرفت. نسلی که مهم‌ترین نقش را در این حرم دارد، نسلی است که انقلاب را ندیده؛ اما اهداف انقلاب و آرمان‌های آن را دوست دارد و می‌خواهد رشدهنده و بسط‌دهنده آن باشد. این نسل می‌بیند در شرایط امروز هیچ حکومتی نمی‌تواند رشد واقعی را به ارمان بیاورد و انسانیت و الوهیت را همراه با هم متعالی کند. این نسل از مدعیانی که می‌خواهند انسان را ابزار قدرت‌نمایی خود کرده و جهانیان را استعمار کنند، خسته شده و جهانی الهی و انسانی را طلب می‌کنند. مقصود و مخاطب حاج قاسم همین نسل است. نسلی که مردم دنیا را می‌شناسد، به آنان نزدیک است، آنها و مشکلات‌شان را می‌بیند و بی‌پناهی آنان را لمس کرده و می‌خواهد آنان را نیز در حرم امنی گرد هم جمع کند، وظیفه‌ای برای خود تعریف کرده است و در راه انجام آن تلاش می‌کند. اینک حاج قاسم به حرم ابراهیمی اشاره می‌کند هم نشان از این دارد که باید جهانی فکر کرد و مکتبی را که می‌تواند نجات‌بخش جهان و جمع‌کننده بساط ظلم باشد، رشد و توسعه داد. این مکتب فقط در این حرم بروز و ظهور پیدا کرده که اگر حرم از بین برود، مکتب و تمام اهداف بلند آن از بین خواهد رفت. هدفی که مردم جهان به تحقق آن چشم دارند و شبانه‌روز به دنبال آن هستند.

وَلَا تَلْمِزُوا أُمَّةَ اللَّهِ وَلَا يَلْمِزُوكُمْ اللَّهُ لَسْتُمْ عَلِيمِينَ

صداق

جان فدا

ویژه سالگرد ترور ناجوانمردانه سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی

سرباز ولایت

نگاهی به برجسته‌ترین فراز وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی

بیت‌مطلق از ولی فقیه

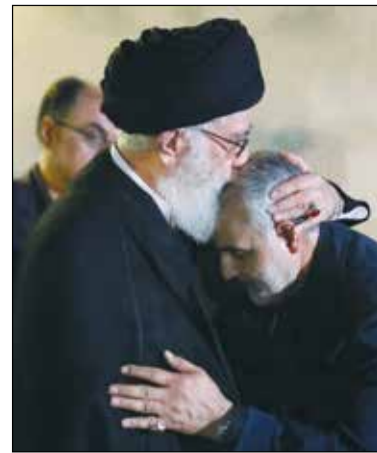
میان مردم و رهبر حقوق متقابلی وجود دارد. در این باره حضرت علی (ع) تأکید کرده‌اند که در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است. حق واجبی که خدای سبحان بر هر دو گروه لازم شمرده و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد؛ پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح شوند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار شود.

پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌شود. سردار سلیمانی همواره بر حمایت از ولایت فقیه تأکید داشت و فصل الخطاب حاج قاسم سلیمانی رضایت ولایت فقیه در رأس امور بود. در این باره «سردار حسین اشتری» فرمانده کل ارتش، با بیان اینکه خودباوری، ولایت‌مداری و مردم‌داری از ویژگی‌های بارز شهید «سلیمانی» بود، یادآوری کرد: «ایشان [حاج قاسم] با تمام وجود اعتقاد راسخ به نایب امام زمان (عج) و مقام عظمای ولایت داشتند.»

شناخت ولی امر زمان

همواره شناخت ولی امر مسلمین در این دوران راهکار اصلی و مهمی است که می‌تواند انسان را به بصیرت برساند، همان‌گونه که حضرت علی (ع) در سخنانی خطاب به دو نفر از یاران خود در این باره می‌فرماید: «فَإِنَّهُ لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ مِنْ شَيْعَتِنَا حَدَّ الْأَسْتِیْصَارِ حَتَّى يَعْرِفَ بِالنُّورَانِيَةِ فَإِذَا عَرَفْتَنِي بِهَا كَانَ مُسْتِیْبِرًا بِالْغَا كَامِلًا»؛ هیچ کس از شیعیان به بصیرت نمی‌رسند مگر اینکه با شناخت من به نورانیت برسند؛ پس هنگامی که مرا به این مقام شناختند، به‌طور تمام و کمال بصیرت یافته‌اند. حاج قاسم سلیمانی نیز در وصیت‌نامه خود نوشته بود: «برادران و خواهرانم جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می‌دانید منزله‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما به‌عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هر گونه اختلاف برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی آتش زدن و ویران کردن این خیمه است؛ دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول‌الله (ص)، نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.»

یکی از آموزه‌های ژرف اسلامی موضوع «ولایت» است. آدم و عالم هستی تحت ولایت الهی هستند و برگزیدگان الهی نیز جلوه‌های آن ولایت به شمار می‌روند. انسان از طریق اعتقاد به ولایت الهی و اولیای خداوند و انجام بایسته‌های ولایت‌مداری تحت ولایت خاص خداوند قرار می‌گیرد و رهاورد آن نعمت قرب به خداوند است که در پرتو این کمال می‌توان از نظام ولایی پاسداری کرد. از منظر اجتماعی «ولایت»، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی که طبیعتاً چیزی جدا از ولایت و سرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در اسلام، سرپرستی جامعه به خدای متعال تعلق دارد و هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان‌های دیگر را به عهده بگیرد. این حق مخصوص خدای متعال است که خالق و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها، بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است. خداوند حق تولید امور و زمامداری را به کسی اعطا نمی‌کند. این حق متعلق به خداست. [اما] خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاصی اعمال می‌کند؛ یعنی حتی وقتی حاکم اسلامی ولی امور مسلمانان چه بر اساس تعیین شخص و چه بر اساس معیارها و ضوابط انتخاب شود، باز هم ولایت، ولایت خداست. یادآوری بحث ولایت در جامعه اسلامی از این منظر بود که این مسئله را در زندگی شخصی و سیاسی شهید سلیمانی بررسی کنیم و با بازخوانی فرازی از وصیت‌نامه او، «ولایت‌مداری» منحصر به فرد این شهید والا مقام را بازگو کنیم.



ذوالفقار ولایت

بازنگاهی به ۴ دهه سربازی برای امام و امت

سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، فرمانده خستگی‌ناپذیر جبهه‌های حق علیه باطل، سحرگاه جمعه ۱۳ ماه، در حمله بالگردهای آمریکایی به خودروی حامل وی در اطراف فرودگاه بغداد، به همراه «ابومهدی المهندس»، جانشین بسیج مردمی عراق و چند نفر از همراهان، شهید شیرین شهادت را سر کشید و به یاران شهیدش پیوست و مصداق این آیه شریفه شد: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَتَلَ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا بُدِيلًا»؛ برخی از آن مؤمنان، بزرگ‌مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزارند و بر آن عهد ایستادگی کردند تا در راه خدا شهید شدند و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند. رهبر معظم انقلاب در پیام مهم خود به همین مناسبت شهادت ایشان را به خود وی تریک گفته و فرمودند: «دیشب ارواح طیبه شهیدان، روح مطهر قاسم سلیمانی را در آغوش گرفتند. سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشراک عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیة‌الله ارواح‌خانه فداه و به روح مطهر خود او تبریک و به ملت ایران تسلیت عرض می‌کنم.»

سال‌ها مجاهدت

در این گزارش و در سالروز شهادت بزرگ‌مرد جبهه مقاومت، بر ماست که گوشه‌هایی از رشادت‌های او را مرور کنیم و صفحاتی از تاریخ ایران اسلامی و برخی کشورهای منطقه را که به حضورش متبرک است، ورق بزنیم. شهید سلیمانی پس از پیروزی انقلاب، به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت امر خود در عملیات بسیاری، از جمله والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ و تک شلمجه حضور مؤثری داشت. اگر برای بسیاری از هم‌زمان قاسم سلیمانی، جنگ در تابستان سال ۱۳۶۷ به پایان رسید؛ برای او آغاز دوران جدیدی در میدان‌های نبرد بود و در سال ۱۳۶۷ از سوی فرماندهی کل قوا مسئولیت نیروی قدس سپاه به او سپرده شد.

نقطه درخشان فرماندهی

از جمله نقاط درخشان فرماندهی سردار سلیمانی در نیروی قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که دنیا، نمود عینی آن را در نبردهای متعددی، از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با رژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش کاملاً مجهز رژیم صهیونیستی به چشم خود دید و سال‌های بعد تاریخ‌نویسان از این دو جنگ مهم بیشتر خواهند نوشت. از این رو، می‌توان گفت قاسم سلیمانی با تفکر ناب خویش توانست راهبرد جمهوری اسلامی را که همانا کمک به گروه‌های مبارز علیه رژیم صهیونیستی بود، به‌درستی دنبال کند و هر روز در این مسیر گام‌های بلندی بردارد.

داعش و مأموریتی تازه

از سوی دیگر با توطئه جدید غرب و پشتیبانی مالی کشورهایی، مانند عربستان سعودی که به شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی تکفیری، اعم از داعش و جبهه النصره در منطقه انجامید، قاسم سلیمانی مأموریتی تازه یافت و آن هم مقابله با این تهدیدات در دو کشور عراق و سوریه بود. شهید سلیمانی در عراق «حشد الشعبی» و در سوریه «بسیج مردمی» را شکل داد و با کمک آنها و هدایت و مشاوره نیروی قدس سپاه، طی شش سال، به شکل قابل‌توجهی بساط تروریست‌ها را در این دو کشور جمع کرد و با نیروهایش که با درخواست رسمی دولت‌های سوریه و عراق به این دو کشور رفتند، مانع سقوط دمشق و بغداد شد. همچنین با سفر به مسکو، نقش بسزایی را در همراه کردن پوتین برای ورود به میدان نبرد سوریه ایفا کرد.

به فلسطینی‌ها جرئت داد

رهبر معظم انقلاب در نخستین دیدار عمومی خود پس از شهادت ایشان به گوشه‌ای از این خدمات اشاره داشتند و فرمودند: «حاج قاسم در مقابل همه نقشه‌هایی که با پول، توانایی و تأثیرگذاری سیاسی و تشکیلات وسیع آمریکایی‌ها شکل می‌گرفت، قد علم کرد و آنها را خنثی و بی‌نتیجه کرد. آمریکایی‌ها سعی داشتند قضیه فلسطین را به فراموشی بسپارند و کاری کنند که فلسطینی‌ها در حالت ضعف قرار گیرند تا جرئت مبارزه نداشته باشند؛ اما این مرد بزرگ دست فلسطینی‌ها را پر کرد و به آنها جرئت و توان مبارزه داد. حاج قاسم کاری کرد که منطقه کوچک، مانند غزه در مقابل صهیونیست‌های پر مدعا به‌گونه‌ای ایستاد که رژیم صهیونیستی ۴۸ ساعت مجبور به درخواست آتش‌بس شد.»

قوی‌تر شدن حزب‌الله

همچنین ایشان یادآور شدند: «آمریکایی‌ها می‌خواستند عراق یا شبهه رژیم طاغوت باشد یا شبهه برخی رژیم‌ها مثل سعودی که به تعبیر آنها نقش گاو شیرده را دارند؛ اما حاج قاسم به کمک عناصر مؤمن و جوانان شجاع عراقی و مرجعیت در عراق رفت و در مقابل این نقشه ایستاد و آن را خنثی کرد. در لبنان نیز آمریکایی‌ها می‌خواستند لبنان را از مهم‌ترین عامل استقلالش؛ یعنی حزب‌الله محروم کنند تا صهیونیست‌ها، لبنان بی‌دفاع را همچون برخی مقاطع به‌راحتی اشغال کنند؛ اما حزب‌الله روزبه‌روز قوی‌تر شد، به‌گونه‌ای که امروز، هم دست لبنان است و هم چشم لبنان که نقش شهید شجاع و با تدبیر ما در این مسئله ممتاز و برجسته بوده است.»

اهمیت تشکیل «حلقه مقاومت»

شاید یکی از اهداف اصلی دشمنان برای سقوط سوریه، قطع کردن ارتباط ایران و حزب‌الله لبنان بود؛ ولی با شکست داعش و نقش آفرینی نیروی قدس در سوریه و عراق، یک حلقه نه مستحکم به نام «حلقه مقاومت» تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین را به هم متصل کرد که این موضوع خلاف خواست آمریکا و رژیم صهیونیستی بود؛ ولی با فرماندهی «قاسم سلیمانی» در عمق میدان و تشکیل بسیج مردمی در سوریه و عراق، این موضوع به واقعیت تبدیل و اتحادی از جنس پاسداران، فاطمیون، زنبیون، حیدریون و... ایجاد شد.

کسب‌نشان ذوالفقار

خبر شهادت سردار دل‌ها کام‌آحاد دوستداران انقلاب را تلخ کرد و غم و اندوهی جان‌گداز را بر دل و روح مردمی که در تمام نقاط جهان به او به دیده احترام و تکریم می‌نگریستند، وارد کرد؛ اما بدون تردید شهادت سردار مقاومت که بلافاصله در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با عنوان «سیدالشهدای مقاومت» از او یاد شد، مبدا تحولات تازه و تعیین‌کننده‌ای در محیط منطقه‌ای خواهد بود. گفتنی است، حضور مؤثر حاج قاسم در صحنه مبارزه با داعش و شکست این توطئه صهیونیستی در منطقه سبب شد تا در اسفندماه ۱۳۹۷ نشان «ذوالفقار» به منزله عالی‌ترین نشان نظامی ایران از سوی فرمانده معظم کل قوا به سردار سلیمانی اهدا شود.

از نگاه دیگران

حاج قاسم فرمانده پیشرو

شخصیت بی‌نظیر حاج قاسم، جامع حضور شجاعانه در میدان جبهه‌ها و برنامه‌ریزی استراتژیک نظامی و سیاسی و نیروی ایمان، بصیرت، تواضع و عبادت و بندگی در آن واحد بود. به راستی که چنین شخصیت جامعی کم‌نظیر است و این حضور استثنایی نقشی مهم در تأثیر و نفوذ منطقه‌ای قدرت نیروی قدس داشته است.

نیروی قدس در سال‌های گذشته توانست به طور مستقیم با حشدالشعبی در طرد نیروهای داعش-که بصره را اشغال و یکپارچگی عراق را تهدید کرد- مشارکت داشته باشد و هم‌پیمان اصلی سوریه در برابر نقشه‌های غربی و منطقه‌ای برای نابودی و سیطره بر آن و تغییر جهت‌گیری‌های راهبردی آن باشد.

و چه در مقابله با جماعت داعش و سازمان‌های تروریستی تکفیری دیگر در داخل و خارج ایران. نام نیروی قدس سالیان سال با نام حاج قاسم سلیمانی- فرمانده این نیرو- مرتبط است که جبهه‌های نبرد و درگیری او را می‌شناسند و او با حضورش در آنها همچون حضور در محراب عبادت و نماز انس داشت.

او فرمانده در سایه نبود و مخفیانه عمل نمی‌کرد. حضور او در جبهه‌ها علنی بود؛ او هم‌زمان با نقش آفرینی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در کنار نقش‌های نظامی در برنامه‌ریزی و نظم‌بخشی و شرکت در جنگ اقدام می‌کرد. مجاهدان او را می‌شناختند و با وجود او بدون توجه به هر گونه لقب یا مرتبه نظامی آرامش می‌یافتند.

دکتر طلال عترسی

استاد دانشگاه در لبنان



قطعاً مراکز مطالعاتی غرب که رصد و پیگیری تحول مظاهر قدرت جمهوری اسلامی ایران را از سالیان سال برعهده دارند، انتظار ندارند نیروی قدس در سپاه پاسداران، به یکباره صاحب این مقصد از نفوذ و تأثیر در مقابله با برنامه‌ها و راهبردهای آمریکایی-صهیونیستی شده باشد و دیگر در دشمنان ایران پوشیده نیست که این نیرو، از بارزترین کششگران منطقه‌ای در طول بیست سال گذشته است؛ چه در حمایت مستقیم از جنبش‌های مقاومت در لبنان، فلسطین و عراق

قلب محور مقاومت

قدرت او بر ترس‌ها غلبه داشت؛ به دلیل پیچیدگی‌ای که داشت، دشمنان و دوستان توان کشف آن را جز از طریق کارهایش نداشتند. وقتی غیاباً از سوسی بغدادی تروریست تهدید شد؛ شهید در حالی که در میان صفوف نمازگزاران بود، پاسخ وی را داد! این اوج شجاعت بود؛ تهدیدش کردند؛ زیرا آنان را بیچاره کرده بود؛ او را کشتند؛ زیرا آنان را شکست داده بود.

پس طرف چه کسی هستید؟ هر کس باید از خود بپرسد طرف او و حق است یا طرف باطل و متجاوز. هنگام آغاز جنگ خانمان‌برانداز سوریه، شهید و امثال او دانستند که حق، دین، عقیده، وطن و محور مقاومت در خطر است؛ پس وارد این کارزار سخت شد

دکتر هاله سلیمان اسعد

دبیر جامعه امت عربی سوریه



او شهید ژنرال قاسم سلیمانی است، جلالت او در سادگی اوست. نیرومندی او در تواضع اوست. مهربان است و این صفات مقاومت حقیقی است؛ این تواضع و این سادگی در ارتباط آمیخته با پیچیدگی است که با نظرات نافذ او که باعث ترساندن دشمن می‌شدند و او را تهدید و وعده عذاب خود می‌دانستند آشکار می‌شود و دوستان نیز وقتی به او می‌نگریستند، او را سراسر مهربانی و بزرگی و حمایتگر می‌دانستند.

جهانمرد

نبض منطقه در دستان سردار سلیمانی

حکومت‌های دست‌نشانده که شهید سلیمانی با درایت و تدبیر موشکافانه و ظریف خود درصدد رفع این مشکلات و بحران‌ها برآمد. در حالی که سوریه دوران جدیدی را تجربه می‌کرد و اروپا و آمریکا تمام‌قد علیه بشار اسد صف‌آرایی کرده بودند، شهید قاسم سلیمانی، تنها فردی بود که برای حل بحران سوریه، ابتدا پوتین را وارد بازی کرد. روسیه به دلیل قدرتمندی در جنگ هوایی، گزینه مناسبی بود که در تقویت بنیه دفاعی سوریه ایفای نقش کند. به گزارش نشریه مرکز مبارزه با تروریسم، «قاسم سلیمانی ماه جولای سال ۲۰۱۵ برای گفت‌وگو با وزیر دفاع روسیه و به گزارش برخی منابع، شخص پزیدنت پوتین، (ظاهرأ سوار بر یک هواپیمای عمومی) به مسکو می‌رود. مداخله پوتین، ورق جنگ را به شکل تعیین‌کننده‌ای به سود اسد برگرداند و ماه دسامبر سال ۲۰۱۶، چند روز پس از بازپس‌گیری حلب، توسط نیروهای شبه‌نظامی سلیمانی و ارتش سوریه، تصاویری از او منتشر شد که نشان می‌داد از بقایای قلب تاریخی شهر حلب دیدن می‌کند.»

چگونه اربیل نجات پیدا کرد؟

خردامه‌ه سال ۱۳۹۳ نیروهای داعش با پیشروی به سمت مناطق شمال عراق به‌سرعت توانستند مناطق مهمی از شمال این کشور، از جمله موصل را به تصرف خود درآورند. همچنین، آنها با پیشروی از مرزهای غربی عراق در استان الانبار و تصرف بخش اعظمی از این استان، حرکت خودبه سمت بغداد را برای تصرف پایتخت کشور عراق آغاز کردند. داعش در ادامه پیشروی‌های خود در شمال عراق پس از تصرف موصل، شهر اربیل را به محاصره خود درآورد و می‌رفت تا با تصرف این شهر عملاً بخش مهمی از اقلیم کردستان عراق را نیز اشغال کند. اما در حالی که داعش گام‌های آخر برای تصرف اربیل را برمی‌داشت، یک اتفاق مهم این شهر را از سقوط حتمی نجات می‌دهد. سرلشکر سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شخصأ با ۷۰ نفر از نیروهایش به اربیل می‌رود و طی عملیاتی که شخصأ فرماندهی آن را به عهده داشت، موفق می‌شود محاصره شهر اربیل را بشکند. چندی بعد در مهرماه همان سال، سردار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه در همین باره گفت: «اگر ایران نبود داعش کردستان عراق را می‌گرفت، سردار سلیمانی با ۷۰ نفر جلوی داعش را گرفت و نگذاشت وارد اربیل شوند.»

نقش شهید سلیمانی در انتقال فناوری به یمن

نیروی قدس سپاه حضور مستقیمی در مبارزه جبهه مقاومت یمن با ائتلاف عربی-سعودی ندارد؛ اما بنا بر درخواست انصارالله، کمک مستشاری به انصارالله یمن ارائه می‌دهد. «محمد القبلی» عضو شورای سیاسی انصارالله یمن مدتی پس از شهادت سپهبد سلیمانی در گفت‌وگویی اظهار داشت: «سردار شهید سلیمانی طی تمام این سال‌ها به‌عنوان یک قهرمان تکاور در کنار مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی حضور داشت و این مهم را تمام فرماندهان مقاومت که صهیونیست‌های متجاوز را خوار و ذلیل کرده‌اند، تأیید می‌کنند و به همین دلیل این شهید بزرگوار در نزد همه آزادگان جهان که حامی آرمان فلسطین هستند، مورد احترام

منطقه غرب آسیا به جهات ژئوپلیتیکی (سیاسی)، ژئواستراتژیکی (راهبردی) و ژئواکونومیکی (اقتصادی) محل تلاقی و تعارض منافع و خواست قدرت‌ها و در نتیجه بروز جنگ‌ها و خشونت‌ها و تحولات مختلف بوده است. همچنین، همواره به لحاظ ایجاد صلح، ثبات و امنیت جهانی نمتنها برای ملل و کشورهای منطقه، بلکه برای جهان مهم و حساس بوده است. در طول سده‌ها و دهه‌های گذشته، خواست ابرقدرت‌ها تسلط و سیطره بر این منطقه بوده و در نتیجه ریشه بسیاری از ناامنی‌ها، جنگ‌ها و خشونت‌ها حضور و دخالت کشورهای فرمانطقه‌ای بوده است. به دلیل همین شرایط خاص منطقه غرب آسیا، اگر کشوری یا گروهی در این منطقه در جهت خسلاف اهداف و سیاست‌های قدرت‌های استکباری حرکت کرده است (مانند جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای محور مقاومت) با انواع فشارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی مواجه بوده و کمپین رسانه‌ای نیز در جهت تولید ادبیات منفی و تأمین اهداف قدرت‌های استکباری به خدمت گرفته شده است.

کاهش افراطی‌گری

در منطقه با کمک جبهه مقاومت

حضور و دخالت آمریکا در منطقه غرب آسیا و خلیج‌فارس، پس از بیرون رفتن انگلستان از این منطقه در دهه ۱۹۷۰ و همچنین ایجاد رژیم ناشروع صهیونیستی، چالش‌های امنیتی مضانفسی را بر مردم و کشورهای این منطقه تحمیل کرد. در همین دهه اخیر نیز افراطی‌گری و جریان تکفیری به دنبال دخالت‌های قدرت‌های سلطه‌گر و متحدان آنها در این منطقه پدید آمد؛ از این‌رو تاریخ هیچ‌گاه فراموش نخواهد کرد زمانی را که داعش به واسطه حمایت پشت پرده تمام حامیانش، به ویژه آمریکا و برخی کشورهای مرتجع، بخش‌های عظیمی از سوریه و عراق را اشغال کرد و هزاران نفر زن و کودک بی‌گناه را به خاک و خون کشید، اما با کمک جبهه مقاومت اسلامی ریشه افراطی‌گری و تروریسم در این منطقه زده شد. جریان افراطی و تروریستی داعش با دلارهای نفتی عربستان سعودی و حمایت‌های برخی دیگر از کشورهای منطقه شامل امارات، ترکیه، قطر و نیز سلاح‌های آمریکایی، اروپایی و صهیونیستی در زیر پرچم «لااله‌الاالله» مدعی اسلام و جهاد اسلامی بود و توانست موجی از اسلام‌هراسی را در جهان به راه بیندازد. با وجود این، تلاش‌های سپاه‌قدس و سردار شهید سلیمانی و هم‌رزمانش و مدافعان حرم در عراق و سوریه و سایر گروه‌های متعلق به جبهه مقاومت، تنها معارضی بود که مانع موفقیت و استقرار این غده سرطانی در منطقه غرب آسیا شد و اجازه رشد و توسعه افراطی‌گری و تروریسم را در این منطقه نداد. اگرچه هنوز عناصر وابسته به این جریان افراطی در گوشه و کنار این منطقه حضور دارند، اما جریان مقاومت‌ضربات‌وخسارت‌های اساسی به این جریان و متحدان آن وارد کرد.

حضور مؤثر ژنرال در سوریه

به‌طور کلی، ریشه بحران‌های منطقه غرب آسیا عبارتند از: دخالت آمریکا، وجود رژیم صهیونیستی، تفرقه مذهبی و قومی، انحطاط فکری، هویتی و اجتماعی در منطقه و وجود

است.» وی در ارتباط با نقش سردار سلیمانی در دفاع از مردم مظلوم یمن و موضع او در قبال تجاوز سعودی تصریح کرد: «تمام تلاش جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تجاوز عربستان به یمن، توقف جنگ بوده و همچنان در محافل بین‌المللی بر این موضع تأکید دارد. اما تاکنون لجبازی و طمع‌ورزی‌های سعودی مانع از این شده است و در مقابل این لجبازی، شهید سلیمانی در انتقال تکنولوژی نظامی به یمن که باعث خودتکایی مردم این کشور در مقابله با دشمن شد، نقش داشته و نتیجه آن، این است که امروز ملت یمن در آستانه پیروزی قرار دارد.»

فعالیت نیروی قدس در فلسطین و لبنان

حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان و آزادی قدس شریف همواره یکی از آرمان‌های جمهوری اسلامی در حمایت از نیروهای مقاومت در منطقه و مبارزه با رژیم صهیونیستی است؛ بنابراین در این بین نیروی قدس به‌عنوان بازوی برون‌مرزی سپاه پاسداران، همواره بیشترین حمایت‌ها را از نیروهای مقاومت فلسطینی و لبنانی انجام داده است. از جمله نقاط درخشان فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بر نیروی قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که نمود عینی آن را در نبردهای متعددی، از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان ورژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش مجزه اسرئیل دیدیم. در واقع، حاج قاسم سلیمانی توانست راهبرد جمهوری اسلامی، یعنی کمک به گروه‌های مبارز علیه رژیم صهیونیستی را به‌خوبی دنبال کند و هرروز در این مسیر گام‌های دیگری بردارد. شاید یکی از اهداف اصلی دشمنان برای سقوط سوریه، قطع کردن ارتباط ایران و حزب‌الله لبنان بود؛ ولی با شکست داعش و نقش‌آفرینی نیروی قدس در سوریه و عراق، حلقه مستحکمی به نام حلقه «مقاومت» تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه و لبنان و فلسطین را به هم متصل کرد. حضور فرمانده

عراق، حلقه مستحکمی به نام حلقه «مقاومت» تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه و لبنان و فلسطین را به هم متصل کرد. حضور فرمانده



نیروی قدس سپاه در جنگ ۳۳ روزه لبنان با رژیم صهیونیستی از نقاط دیگر مهم و عملیاتی این نیرو در چند دهه گذشته است. افزون بر این، به گفته یکی از مقامات ارشد حماس، سردار شهید سلیمانی و شهید عماد مغنیه، فرمانده فقید نظامی حزب‌الله لبنان مبتکر ایجاد تونل در نوار غزه برای ارتباط با خارج از این منطقه بودند و حتی به گفته سامی ابوهری، یکی از مقامات حماس، سردار سلیمانی بارها به غزه سفر کرده بود.

حضور مؤثر

در پاکستان

جمهوری اسلامی ایران همیشه از شیعیان پاکستان حمایت معنوی بسیاری انجام داده و می‌دهد و به این دلیل، امروز شیعیان پاکستان از مراجع کشورمان، به‌خصوص رهبر معظم انقلاب تقلید می‌کنند. در دوران فرماندهی حاج قاسم سلیمانی، نیروی قدس سپاه با اشراف کامل به وضعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی حاکم بر پاکستان و تأثیرگذاری این کشور بر امنیت مرزهای شرقی ایران، برای مبارزه با گروهک‌های تکفیری، قاجاقچیان و تروریست‌های تحت حمایت عربستان فعالیت جدی در راستای تأمین امنیت مرزهای کشورمان و حمایت از شیعیان در پاکستان انجام داد. از این رو محبوبیت نیروی قدس در میان شیعیان پاکستان به‌قدری است که پاکستانی‌ها در مبارزه با داعش حاضر شدند تحت حمایت نیروی قدس از حریم اهل بیت(ع) در عراق دفاع کنند. گردان «زینبیون» گروه نظامی سازماندهی‌شده از داخل ایران برای جنگ در سوریه است که اعضای آن را شیعیان پاکستانی مقیم ایران و پاکستان تشکیل داده‌اند. این گردان پس از حمله گروهک تروریستی «داعش» به عراق و با حمایت نیروی «قدس» سپاه راه‌اندازی شد.

هفت اقدام راهبردی حاج قاسم در افغانستان

پس از ماجرای بوسنی و کمک نیروی قدس سپاه به مسلمانان بوسنیایی، نیروی قدس سپاه بر دامنه فعالیت‌های ضداستکباری خود در منطقه افزود. یکی از کشورهای مهمی که به دلیل اشتراکات مذهبی، فرهنگی و زبانی همیشه برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بوده، کشور «افغانستان» است؛ بنابراین نیروی قدس سپاه بسا پی بردن به این اهمیت و رنج و مشقت‌هایی که مسلمانان افغانستانی متحمل می‌شدند، به یاری‌رسانی به آنها اقدام کرد. طبق گفته‌های «حسن کاظمی قمی» سرکنسول کنسولگری ایران در شهر هرات، وقتی طالبان از بین رفت، آمریکا دنبال این بود که حضور نظامی‌اش را دائمی کرده و می‌خواست انتخاباتی طبق خواسته خودشان برگزار کند. جمهوری اسلامی این خطر را احساس کرد و کوشید استقلال و حاکمیت افغانستان حفظ شود که در این جریان حاج قاسم سلیمانی نقش فرمانده و راهبر پرورنده افغانستان را ایفا کرد. از جمله اقداماتی که حاج قاسم در آن نقش جدی داشت:

۱-آن وقت آمریکایی‌ها دنبال این بودند که محمّد ظاهرشاه را بر سر کار بیاورند. جمهوری اسلامی این را برای آمریکایی‌ها روشن کرد که با هرگونه توافق یا طرح، تا زمانی که شرایط انتخابات فراهم بشود، مخالف است؛ چون شکل‌گیری نظام سیاسی افغانستان باید به دست مردم این کشور محقق شود.

۲- ایران این مسئله را جا انداخت که هرگونه توافقی بدون تراضی کشورهای همسایه افغانستان امکان‌پذیر نیست.

۳- کار بزرگ دیگر حاج قاسم این بود که آمریکایی‌ها را تفهیم کرد که نمی‌توانند افغانستان را به یک کانون تهدید برای کشورهای همسایه و کشورهای منطقه تبدیل کنند.

۴- بعد از تعیین دولت افغانستان، زمان بازسازی این کشور رسید. در اجرای پروژه‌های آنجا حاج قاسم نقش اول را داشت؛ محوریت این کار هم با حاج قاسم بود.

گفتنی است، ما از ایران به هرات به طول ۱۳۰ کیلومتر شبکه برق وصل کردیم و برق را به هرات فرستادیم که حاج قاسم مسئول این کار بود.

تقریباً هشتاد درصد ترانزیت کالا‌های افغانستان از محور ایران و از مرز دوغانون صورت می‌گرفت و به هرات می‌رفت. در فضایی که امنیت نبود، مسأ پذیر فیتیم که جاده جدیدی را احداث کنیم. نزدیک به صد و سی پل دارد. حاج قاسم یکی از مجموعه‌های مهندسی را که در دوره جنگ کار می‌کردند، مأمور این کار کرد. آنها هم با روحیه جهادی و انقلابی شروع به‌کار کردند.

۵-یکی از کارهای فوق‌العاده مهمی که حاج قاسم در افغانستان انجام داد، مسئله ساخت دانشگاه و حوزه علمیه در کابل است؛ واقعاّ حاج قاسم با انگیزه زیادی این کار را انجام داد.

۶-یک کار دیگر حاج قاسم این بود که جلوی تنش‌های بین قومی و گروه‌ها را گرفت و تهدیدات تدررها علیه شیعیان افت و کاهش پیدا کرد.

۷-یکی از تلاش‌های دیگر ایشان این بود که در مرزهای شرقی کشور ما با افغانستان امنیت و آرامش ایجاد بشود. از خطوط قرمز ما این بود که آمریکایی‌ها نباید در این مرزها حضور پیدا کنند، اگرچه آمریکایی‌ها خیلی تلاش کردند.

جان کلام

از آثار حضور جبهه مقاومت در غرب آسیا، حرکت در جهت شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای، برجسته شدن آمریکاستیزی و خدشه وارد شدن به اعتبار و قدرت آمریکا در منطقه، زنده‌نگه‌داشتن آرمان آزادسازی فلسطین و تقویت صهیونیسم‌ستیزی، شکست افراطی‌گری و تکفیریسم در عراق و سوریه و حفظ این کشورها در جبهه مقاومت و شکل‌گیری و تقویت جبهه مقاومت در یمن است که به‌یمن مجاهدت‌های شهید سلیمانی میسر شد و ادامه خواهد یافت.

در این‌باره دبیر کل حزب‌الله لبنان تأکید کرد، محور مقاومت امروز بیش از هر زمان دیگری قدرتمند است و از توان مقابله و بازدارندگی برخوردار است. دلایل این گفته‌های دبیر کل حزب‌الله لبنان را می‌توان در تحولات درونی محور مقاومت و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و تغییر معادلات در سال‌های اخیر جست‌وجو کرد، زیرا در طول این سال‌ها از یک سو بر توانمندی نظامی مقاومت بیش از هر زمان دیگری افزوده شد و از سوی دیگر محور آمریکایی-صهیونیستی در توطئه‌های خود علیه محور مقاومت با وجود تمام تلاش‌هایش شکست‌خورد. در حالی که آمریکا و غرب با توطئه‌های مختلف سعی داشتند محور مقاومت را تضعیف و نابود کنند؛ اما نه‌تنها موجب تضعیف مقاومت نشد، بلکه روزی‌به‌روز پیروزی‌های این محور در عراق، سوریه، فلسطین و یمن ادامه یافت.



اگر تو سلیمانی باشی...



نفسیه محمدی نویسنده

ساعت از چهار بعد از ظهر گذشته بود. می دانست مسافرکشی در این زمان آن هم داخل شهر چقدر معطلی و خستگی دارد. کمی گوشه خیابان ماند. آفتاب در حال غروب بود. باید آخرین مسافرا را هم جابه‌جا می کرد تا بتواند خرید خانه را تکمیل کند. وضعیت مالی خوبی نداشت. گرانی، اجاره خانه، پول دوا و درمان همسر و خرج بچه‌ها، امانش را بریده بود. بی هدف در کوچه‌ها دور زد و همه حواسش به شرایط تلخ زندگی اش بود. پاهایش از ساعت‌ها رانندگی در خیابان‌های شلوغ خسته شده بود. دلش می خواست تا شب نشده برگردد و دست‌پا به خانه برود. کنار بخاری بنشیند. مریم برایش چای تازه دم بریزد، بچه‌ها بازی کنند و بوی غذایی که روزگار قل می‌کرد، هوش از سرش ببرد؛ اما این آرزوهای کوچک هم برایش دست‌نیافتنی بود. باید پول دارو را جور می‌کرد. پول اجاره خانه را کنار می گذاشت و بعد به خورد و خوراکش می‌رسید. ماشین مدل بالایی با شیشه‌های دودی از کنارش گذشت. فکری ذهنش را درگیر کرد. یعنی چه کسی سوار این ماشین بود؟ آیا از درد او و هزاران نفر دیگر شبیه او خبر داشت؟ معلوم بود که در آن ماشین وقتی پای بخاری باشی و حتی نتوانی از شیشه بیرون را تماشا کنی، از درد مردم هم بی‌خبر خواهی ماند. آهی از سرفسوس کشید. صدای اذان از مسجدی در آن حوالی به گوشش رسید. مرد پیاده شد و به سمت مسجد رفت. وضو گرفت و در هوای گرم و مطبوع مسجد نماز خواند. بعد با یک استکان چای تازه دم پذیرایی شد و برگشت به سمت ماشین.

«خدا یا خودت به مسافر برسون...!» مرد این را گفت و ماشین را روشن کرد. چند خیابان آن طرف‌تر مردی با یک کیف کوچک ایستاده بود. آرام گفت: «فرودگاه؟» مشتری خوبی بود. راه تا فرودگاه خلوت بود و کرایه هم آنقدر بود که بتواند هزینه خانه را تکمیل کند. ترمز کرد. مرد روی صندلی عقب نشست و سلام و احوالپرسی گرمی کرد. راننده از آینه مسافرش را نگاه کرد. چقدر چهره‌اش آشنا بود. او را کجا دیده بود؟ خوب فکر کرد. سعی کرد صدایش را در ذهنش بازیابی کند، شاید بتواند او را به خاطر بیاورد. جرقه‌ای در ذهنش زده شد. چقدر این مسافر شبیه «قاسم سلیمانی» بود؛ اما امکان نداشت او سردار سلیمانی باشد. او را چه به تا کسی سوار شدن و بدون محافظ بودن؟ حتماً ماشین و امکانات او غیر قابل تصور بود. باز هم نگاهش کرد. خیلی شبیه بود. نتوانست خودش را نگه دارد. پرسید: «ببخشید چقدر شما شبیه قاسم سلیمانی هستین...!» «مسافر لیخندی زد و آرام گفت: «خوب من قاسم سلیمانی‌ام!» راننده ترمز کرد. سر برگرداند و عقب را نگاه کرد. باورش نمی‌شد. خود خودش بود. قاسم سلیمانی!

آقا من باورم نمی‌شه! امکان نداره! شما الان باید با ماشین... با محافظ... من شنیده بودم شما چارینج ماشین و بادبگارد... مسافر خندید. حالا که با شما همسفریم! بگو ببینم با این شرایط و اوضاع اقتصادی چه می‌کنی؟ مشکلی، گره‌ای... چطور می‌گذرونی؟ راننده حرکت کرد. اشک توی چشمانش جوشید. چه مسافر نازنینی داشت. بغضش را خورد و اشکش را پنهان کرد. سینه‌اش را صاف کرد و با غرور گفت: «آقا آگه شما قاسم سلیمانی هستی که با من همسفر شدی، من دیگه هیچ مشکلی ندارم... هیچ مشکلی...!»

روح مقاومت

شهادت سپهبد و شکست جنگ نرم دشمن

تلاش آمریکا و معاندان در طول سال‌هایی که با سپهبد سلیمانی درگیر جنگ بودند، نشان از این دارد که آنها روی شناخت شخصیت سردار دل‌ها بسیار کار می‌کردند تا بتوانند رفتارهای او را پیش‌بینی کنند؛ اما اتفاقی که همواره در میدان عمل رخ می‌داد، از شکست پیاپی آنها در همه جبهه‌ها حکایت داشت تا اینکه در نهایت به این نقطه رسیدند که برای همیشه او را حذف کنند؛ به همین دلیل به ترور او دست زدند. دشمنان سپهبد سلیمانی، اتاق‌های عملیات روانی و جنگ روانی تشکیل دادند، با این هدف که در کشورهای، چون لبنان، عراق و تا حدی سوریه و افغانستان - که شرایطش متفاوت است - نهضت‌های ظاهراً مردمی راه بیندازند تا جریانی را علیه محور مقاومت در منطقه ایجاد کنند. در ایران ما نیز چنین اتفاقی رخ داد.

فتنه‌های سال ۱۳۹۸ در محور مقاومت

نیمه اول سال ۱۳۹۸، دوره موفقیت‌های بزرگ ایران بود. سرنگونی بهیاد آمریکایی و مصادره کشتی نفت‌کش انگلیسی‌ها از وقایع این دوره بود. برای اولین بار در تاریخ، دنیا شاهد این بود که تکتاورهای سپاه روی یک کشتی با پرچم انگلیس هلی‌برن می‌کنند. رسانه‌های عربی باورشان نمی‌شد کسی جرئت کند با انگلیس چنین کاری بکند. وقایعی در انفجار بندر فوجیره و آرامکو اتفاق افتاد که همه را به ایران نسبت دادند. در حالی که این موارد پیروزی‌های بزرگی بود، اما مجموعه این موفقیت‌ها سبب شد دشمن برای نیمه دوم سال ۱۳۹۸ در کشور ما دست به کار شود. نیمه‌شعب ۲۴ آبان، دولت بدون اینکه افکار عمومی را از مزایای سهمیه‌بندی بنزین اقناع کند، قیمت بنزین را افزایش داد تا آغازی برای اجرای سهمیه‌بندی باشد. افزایش قیمت بنزین به این روش به جامعه شوک وارد کرد و نگرانی مردم را در پی داشت و جمعی از مردم نیز برای نشان دادن اعتراض خود به خیابان آمدند. این همان فرصتی بود که اغتشاشگران آموزش دیده منتظرش بودند.

لبنان و عراق هم درگیر شدند

از سوی دیگر، سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا به داخل لبنان هم رسید و بدون مقدمه و پیش‌فرضی، در گوشه و کنار این کشور صدای اعتراض بلند شد. برای نمونه، بدون اطلاع قبلی در لبنان استفاده مکالمه‌ای از واتس‌آپ را اعلان کردند و این مسئله پیش‌پاافتاده به حرکت به ظاهر مردمی تبدیل شد و زمان زیادی نگذشت که معترضان شعارهای خود را بدون هیچ منطقی علیه محور مقاومت تغییر دادند؛ با این رویکرد که حزب‌الله باید سلاحش را تحویل دهد. در صورتی که سیاست اقتصادی دولت دست سیاستمداران لبنانی است و هیچ ربطی به حزب‌الله ندارد. در عراق هم به یکبار، به بهانه مبارزه با فساد اعتراضاتی شروع شد؛ اما در نهایت شعارها به نقطه‌ای رسید که نشان دهند مردم عراق با ایران در دشمنی و مخالفت هستند. این فتنه به جایی رسید که افرادی در لباس معترض، با شعارهایی، همچون «ایران بره بره»، به خیابان آمدند تا برای نمونه عنوان کنند ایران در امور عراق دخالت می‌کند و حالا باید برود؛ در حالی که فساد ایجاد شده در عراق بر اساس نظامی است که آمریکایی‌ها در آن پیاده کرده‌اند.

فریاد جهل

بررسی حوادث سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد، محور مقاومت روزهای سختی را پشت سر گذاشته است. افزون بر ایجاد آشوب در کشورهای چون لبنان، عراق و ایران، آنها نام سردار سلیمانی را در کنار افرادی، مانند بن‌لادن و ابوبکر بغدادی قرار دادند و مطرح کردند که دو تروریست به دست آمریکا حذف شده‌اند و اکنون نوبت به سپهبد سلیمانی رسیده است؛ اما در ماجرای ترور سردار سلیمانی، ترامپ جاهل اشتباه بزرگی را انجام داد و برخلاف صهیونیسم که ترور چهره‌های شاخص را به گردن نمی‌گیرد، جهل خود را به جهان ثابت کرد و گفت من دستور این کار را داده‌ام. حتی گفت ما اسامه بن‌لادن و ابوبکر بغدادی را زدیم و قاسم سلیمانی را هم ما زدیم؛ او گمان می‌کرد با این جنایت می‌تواند به دنیا بگوید من یک تروریست بزرگ را زدم.

شکست زل‌های جنگ نرم

در حادثه ترور شهید سلیمانی، قدرت رسانه‌های غرب به اندازه‌ای زیاد بود که هیچ رسانه‌ای در دنیا توان مقابله با آنها را نداشت، اما در تشییع سردار سلیمانی از بغداد به کربلا و نجف و اهواز و مشهد و تهران و قم و کرمان میلیون‌ها نفر به خیابان‌ها آمدند و به یک‌باره تمام طرح‌های طولانی مدت غرب علیه محور مقاومت - که در سال ۱۳۹۸ به اوج خود رسیده بود - خنثی شد. به تعبیر زیبایی رهبر معظم انقلاب، «زل‌های جنگ نرم» از دیدن چنین جمعیت و اتحادی حیران شدند و باور نمی‌کردند با شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس به یک‌باره نقشه‌های شان برای تروریست نشان دادن این دو شخصیت نتیجه‌ای عکس بدهد و آنها به قهرمانان محور مقاومت تبدیل شوند.

بهره سخن

سپهبد حاج قاسم سلیمانی خود مالک اشتر نظام و فرمانده میدانی جنگ نرم به شمار می‌رفت و دفع حداقلی و جذب حداکثری ملاک عمل سردار حاج قاسم سلیمانی بوده است. وی سرداری رشید، جلوداری شجاع و سربازی کامل برای ولایت‌فقیه بود و تبعیت بی‌چون‌وچرا از رهبر معظم انقلاب، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های او به شمار می‌آید. دشمنان اسلام گمان می‌کنند با شهادت سردار سلیمانی می‌توانند خواب راحتی داشته باشند، غافل از اینکه سلیمانی بیش از ۴۰ سال به امید شهادت در جبهه‌های مقاومت حضور داشت و با تمام وجود در برابر دشمنان دین و ارزش‌های اسلامی ایستادگی کرد. در این میان، باید خاطر نشان کرد که فرماندهی میدانی جنگ نرم، از جمله ویژگی‌های رفتاری سپهبد قاسم سلیمانی بوده است که کارشناسان امر همواره بر آن اذعان داشته‌اند. به همین دلیل، می‌توان گفت سردار سلیمانی افزون بر یک فرمانده نظامی، افسری تمام‌عیار در جبهه جنگ نرم بود و با شهادتش این رسالت به اوج خود رسید؛ به همین دلیل برخلاف تلاش دشمنانش در قلوب ملت ایران و عراق جای گرفت.

ثمره خون سردار دل‌ها

اتحاد میان امت اسلامی

وحدت تمام‌عیار ملت ایران از یک سبب و اتحاد ملت‌ها و دولت‌های ایران و عراق به برکت خون حاج قاسم و ابومهدی المهندس و یاران‌شان ممکن شد. «بابک صدرزاده» پژوهشگر محور مقاومت با بیان اینکه در فضای داخلی، شخصیت سردار سلیمانی ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی عظیمی را فعال کرده است، گفت: «به اذعان کارشناسان سیاسی، اگرچه شهادت فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ابعاد فرامطفه‌ای و بین‌المللی دارد، اما آثار سیاسی و نظامی آن همچنان در فضای بین‌الملل اثرگذار است. یکی از نتایج شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس اتحاد و پیوند بیش از پیش دو ملت عراق و ایران است؛ به گونه‌ای که پایگاه «المسله» عراق این تیتراژ در رسانه خود منتشر کرده بود: «تدابیر شیطانی ترامپ برای تفرقه‌افکنی میان ملت‌های ایران و عراق به پیوند تاریخی آنها منجر شد.»

نه به سازش

اصلاح طلبان که همواره مذاکره با غرب و سازش با آنها را در رأس امور خود قرار داده بودند و در هشت سال ریاست حسن روحانی بر قوه مجریه، آب خوردن مردم هم به برجام گره زده شده، پس از شهادت سردار سلیمانی نیز از رویکرد خود با پس نکشیدند و بر ادامه روند مذاکرات اصرار کردند. بهمن ۱۳۹۸ و یک ماه پس از ترور سپهبد سلیمانی، محمدجواد ظریف در گفت‌وگو با «اشپیکل» گفته بود: «ایران و آمریکا همچنان می‌توانند مذاکره کنند.» این در حالی است که تجمع‌های میلیونی در تشییع پیکر مطهر شهدای مقاومت، بیان‌کننده همه‌پرسی ملی «بله به مقاومت و نه به سازش» بود. آن زمان در پاسخ به موافقان مذاکره، سردار نقدی گفته بود: «متأسفانه برخی گروه‌های سیاسی داخلی، همچنان از مذاکره حرف می‌زنند؛ این در حالی است که آمریکای جنایتکار، هرگز اهل عمل به هیچ عهدنامه بین‌المللی نیست.» به گفته او، «ترور شهید قاسم سلیمانی یکی از نتایج مذاکره با آمریکا بود.» از همین منظر، این اقدام ددمنشانه شیطان بزرگ، یک‌بار دیگر تقاب را از چهره وی انداخت و خشم و نفرت عمومی از سران کاخ سفید را به بالاترین حد خود رساند؛ به گونه‌ای که میان تندترین چهره‌های حامی مذاکره و سازش با آمریکا، آنان که صادقانه و از سر دل‌سوزی این مسیر را پیشنهاد می‌کردند، به خیل ملت ایران پیوسته و از لزوم تقابل تا غلبه نهایی سخن گفتند.

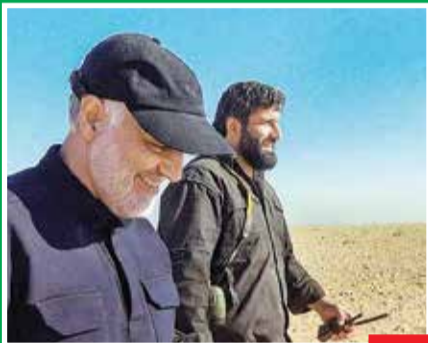
تغییر مسیر تاریخ منطقه و جهان

پس از شهادت سردار سلیمانی، عزم و اراده‌ای خاص در ایران و برخی کشورها نسبت به مقابله جدی با سیاست‌های ظالمانه آمریکا و کشورهای هم‌پیمان با او به وجود آمد. این خود، یعنی آمادگی برای تغییر مسیر تاریخ منطقه و جهان. رهبر معظم انقلاب در این زمینه فرمودند: «در این قضیه [شهادت شهید سلیمانی و همراهانش] آکار بزرگی انجام گرفت، حادثه بزرگی انجام گرفت، انقلابی به وجود آمد که دنیا را اتکان داد، متحول کرد و تاریخ را، مسیر تاریخ کشور را و شاید مسیر تاریخ منطقه را و شاید مسیر تاریخ جهان را که بعدها قضاوت خواهد شد تغییر داد.» از این رو نخستین طرح سه فوریتی مجلس شورای اسلامی ایران که بر اساس آن همه فرماندهان و عاملان پنتاگون - وزارت دفاع آمریکا - تروریست شناخته شدند، تصویب شد. همچنین مصوبه پارلمان عراق برای اخراج نیروهای ارتش آمریکا از عراق، آغازی بر این تغییر مسیر بود. افزون بر آن، در داخل آمریکا نیز حوادث جالبی رخ داد، از جمله اینکه روز چهارشنبه (۱۰/۱۸/۱۳۹۸) «نانسی پلوسی» رئیس مجلس نمایندگان آمریکا اعلام کرد: «در پی ترور سردار «قاسم سلیمانی» به دستور ترامپ و به تبع آن افزایش تنش‌ها در منطقه، این مجلس در مورد طرحی رأی‌گیری می‌کند که در صورت تصویب، اختیار ترامپ برای درگیر کردن آمریکا در منازعات نظامی را محدود می‌کند.» از این رو دیرری نباید که مجلس نمایندگان آمریکا با امداد جمعه (۲۰/۱۳۹۸) طرحی را که خواستار کاهش اختیارات جنگی رئیس‌جمهور این کشور است، به تصویب رساند.

سردار مهربان



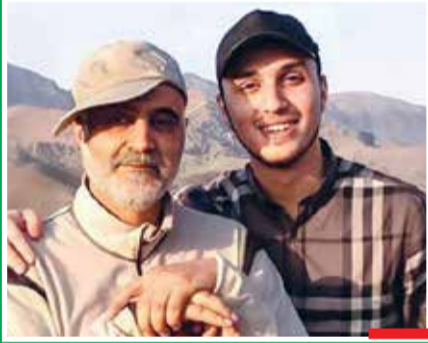
پاور و عاشق فرزندان شهید/ فرزند شهید برای حاج قاسم از بالاترین جایگاه‌ها برخوردار بود، حتی از فرزندان خودش هم بیشتر یادگاران شهید را اکرام می‌کرد.



آقای اصغر زشته، من رو از دو تا کولوله می‌رسونی! فرمانده قبل از نیروهایش به دل دشمن می‌زند، همان جا که به آقای اصغر می‌گوید پس این رد چرخ‌ها این جا چیست که قبل از ما آمده‌اند؟



ماندارترین قاب یک رفاقت ماندگار/ شهید سلیمانی و رفیق دیرینه او، شهید ابومهدی المهندس، دو شهیدی که داعش، بزرگ‌ترین تهدید چند سال گذشته علیه اسلام را شکست دادند.



حاج قاسم در کنار شهید جهاد مغنیه، فرزند شهید بزرگوار عماد مغنیه/ جهاد تربیت شده حاج قاسم بود که دشمن صهیونیستی او را در منطقه جولان به شهادت رساند.



ابهت شجاع‌ترین مرد جنگی عصر حاضر/ حاج قاسم مرد مبارزه بود، ولی مبارزه‌ای که مردانه و شرافتمندانه باشد، در حالی که دشمن او بویی از شرف نبرده بود و ناجوانمردانه او را به شهادت رساند.



من پاسدار قاسم سلیمانی، عضو کادر سپاه کرمان/ شهید سلیمانی کوله‌باری از تجربه مبارزه با دشمنان اسلام بود که سبب به دل گرفتن کینه او شده بود و در نهایت او را پس از ۶۲ سال به آرزوی شهادتش رساندند.

آزادی و زن

زیربنای جامعه اسلامی

تأملی کوتاه بر چیستی آزادی در اسلام و تحریف مفهوم آن در غرب

منیر جمالی

کارشناس

مسئله «آزادی» یکی از مهم‌ترین منازعات سیاسی در کل دنیا و همچنین ایران در ساحت اندیشه و عمل است؛ به گونه‌ای که به مثابه یک شعار سیاسی و ایدئولوژیک همواره مورد توجه قرار گرفته است. ناگفته نماند که در دوره معاصر، آزادی در میان ملت‌های دیگر هم ارزش و جایگاه زیادی پیدا کرده و جنبش‌ها، انقلاب‌ها، جنگ‌ها و فعالیت‌های سیاسی بسیاری برای آزادی ایجاد شده است.

مفهوم آزادی در جامعه دینی

امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج البلاغه، نامه ۳۱ به فطری بودن آزادی اشاره کرده است: «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»؛ بنده دیگری نباش که خدا تو را آزاد آفریده است. بنابراین، حریت و آزادی خواهی جزء فطرت انسانی است و ضمانت اجرای آن نیز خود انسان و حرکت او به سوی آزادی است. آزادی را می‌توان در گفتار و رفتار پیامبران و انمه(ع) مشاهده کرد. مطابق با این آموزه‌های دینی، نه باید ستم کرد و نه زیر بار ظلم و ستم رفت. اساس و پایه قیام امام حسین(ع) و فرهنگ عاشورا و درس کربلا تحقق همین آموزه راهبردی بوده است.

انسان نه تنها باید آزاد از سلطه ستمگران و خرافات و نادانی‌ها باشد، بلکه باید آگاه و خردمند و آزاد از هوای نفس باشد تا بتواند به سوی کمال خود حرکت کند. خداوند به صراحت در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ»؛ جن و انسان را جز برای بندگی کردن نیافریدم. پس بزرگ‌ترین تکلیف انسان بندگی خداوند است و این امر جز با آزادی محقق نخواهد شد و با آزادی است که انسان در عبادت خداوند قدم بر می‌دارد و به کمال خود می‌رسد.

جایگاه آزادی و امنیت

ناامنی و نبود احساس امنیت بزرگ‌ترین مشکل یک جامعه است و مانع هر گونه کار فکری و عملی می‌شود. در نظر باید داشت که دشمن با قصد خلل وارد کردن کلی در همه کارهای فکری و عملی، امنیت این کشور را از ابعاد متعدد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و مدنی هدف قرار داده است. امنیت کشور یکی از مهم‌ترین و با اولویت‌ترین مسائلی به شمار می‌آید و به همین دلیل اقدام علیه منافع کشور، شایعه‌پراکنی و فتنه‌انگیزی و دروغ و توپنه، آزادی نیست و تحرکات دشمن از بابت نبود آزادی و مطالبه آزادی، بهانه‌ای برای ایجاد ناامنی است که در اغتشاشات پاییز امسال به طور ملموس و عینی پدیدار شد.

ادعای آزادی و عملکرد ضدآزادی

استعمار غرب در قرون گذشته، همه حرکت‌های آزادی خواهانه در کشورهای اسلامی را به نحوی سرکوب کرده و استعمار و سلطه‌گری بر این کشورها را پیش برده و حکومت مستبد ایجاد کرده یا آنها را تقویت کرده است و از طرفی منابع طبیعی آنها را غارت و منابع انسانی آنها را نابود کرده است؛ به گونه‌ای که از سیاست‌های آنها می‌توان به عقب‌نگه داشتن ملت‌های مسلمان از قافله علم و دانش اشاره کرد. بنابراین، ادعای آزادی دادن از سوی کشورهای غربی، همچون آمریکا و انگلیس ادعای مضحکی است، به این شکل که نقشه آنان از طرح مسئله آزادی، محو و مسخ هویت اسلامی و ملی کشورهای اسلامی است که در اغتشاشات اخیر به طور واضح نمایان شد. تهاجم به ملت ایران به دلیل آن است که این ملت می‌خواهد آزاد، مستقل، متکی به خود و دارای هویت ملی اصیل خود باشد.

مسئله حقوق بشر و آزادی و دموکراسی از سوی غربی‌ها حرفی جز ایجاد اخلال در روند پیشرفت کشور ایران نیست و تجربه استعماری

آنان به حقیقت این موضوع را به اثبات می‌رساند.

به نام آزادی، به کام دشمنان

دشمن نیز با سوء تعبیر از آزادی، سوءاستفاده زیادی می‌کند. در ایران آزادی باید در چارچوب اسلام معنا شود. از جمله سوءاستفاده از تعبیر آزادی می‌توان به تشدید خفقان اختلاف و تشنج، تشویق افکار عمومی علیه نظام اسلامی و تضعیف اعتماد به مسئولان، شبهه‌افکنی، ترویج فرهنگ بیگانه، ناامیدی، بزرگ‌نمایی قضایای کوچک، توهین به نهادهای اصلی کشور، بدگویی آشکار و صریح از اشخاص، ترویج منکرات و فحشا و بی‌بندوباری است که به تعبیری از بین بردن فضای مناسب برای آزاداندیشی است. باید گفته شود که آزادی لازم و ضروری است؛ اما گمراه کردن مردم با شعار آزادی و شاد کردن دشمنان با این عمل خود غیر از شعار آزادی است.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۷۷/۶/۲۴ اینگونه بیان می‌کند که اساسی‌ترین مرز آزادی، اصل اسلام است. بنابراین، سوق مرم به بسی ایمانی و عقاید مخالف اسلام و اشاعه فساد فکری، نه تنها مصداق آزادی نیست؛ بلکه نمود و نماد خیانت است. آزادی باید با منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران در تعارض نبوده و آزادی در کنار تعادل، عقلانیت، انصاف و رشد فرهنگی جامعه و در چارچوب ارزش‌ها و داربست‌های فکری و دینی یک ملت باشد.

اهمیت آزادی و زن در ساخت جامعه انسانی در دنیای کنونی، مسئله زن و آزادی به مسئله‌ای کانونی تبدیل شده است. توجه غرب به آزادی زن دارای دو بعد اقتصادی و بهره‌کشی بدون توجه به ساحت روحی و احساسی متمایز زن است. ماجرا از اینجا شروع می‌شود که در انقلاب صنعتی، غرب به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم در دسترس نیاز پیدا کرد و زن این خصوصیات

آفاق

چهره پنهان سیاست - ۶۶

نفوذ هویت‌ساز

که وجود ندارد، غرق شویم. اصالت بشری یعنی شرکت همه ملت‌ها در یک معنی، در یک حقیقت، یعنی شریک شدن انسانی که دستش خالی است با انسان سرمایه‌دار...؛ بنابراین فقط غربی وجود دارد... پس اگر شرقی بخواهد خودش را بر اساس اصالت اومانیستی، اصالت انسان غربی، شریک کند، خودش را در یک نظام موهوم بشرپرستی دروغین و فانتزی حل کرده و شخصیت وجودی و اصالت خودش را نفی نموده است و تا وقتی که به قول آنها بومی هستیم و آنها انسانند، هرگونه شریک بودن اومانیستی با آنها خیانتی است به وجود خودمان و باید جدا شویم و از آنها بپرهیزیم. (شریعی، ۱۳۸۹: ۱۶)

وقتی هویت افراد دست‌کاری، نفی، جابه‌جایی، مسخ و استحاله شود، هویت جمعی و ملی به عنوان هویت فراتر از هویت‌های فردی نیز متحول خواهد شد. از سوی دیگر هر کشوری که کنترل هویت را در اختیار داشته باشد، تأثیری عمیق بر سرنوشت آن ملت خواهد داشت. به بیان رهبر معظم انقلاب «ملتی که هویت خودش را گم کرده باشد، خیلی راحت در مشت بیگانگان آب می‌شود و از بین می‌رود. (بیانات امام خامنه‌ای در جمع شاعران و اهالی فرهنگ و ادب، ۱۳۹۸/۲/۳۰) یا به تعبیر شریعی، برای اینکه هیچ نسلی در برابر غرب حاکم مطلق در جهان، به استقلال نرسد، باید پایه‌های اساس انسانی و فرهنگی‌اش را، که به او شخصیت مستقل «من انسانی حقیقی» می‌دهد، شکست و او را به صورت آدم‌های پوک و پوچ درآورد؛ شسته و رفته و واکس زده. این نوع آدم را غرب متملن در غیر کشورهای غربی می‌سازد. (شریعی، همان: ۸-۷)

سیامک باقری

دکترای علوم سیاسی



الگوی نفوذ هویت‌ساز، دو جنبه سلبی و ایجابی دارد. در وجه سلبی، عناصر سازنده هویت، تضعیف و نفی می‌شود. در وجه ایجابی، هویت جدید به صورت بسیار پنهان جایگزین آن می‌شود؛ البته همیشه این‌طور نیست که یک‌بار عملیات نفی صورت گیرد، بعد عملیات اثبات انجام یپذیرد؛ بلکه ممکن است با عملیات هویت‌ساز، هویت نوین به صورت خودبه‌خود جایگزین هویت قبلی شود. این دو جنبه الگوی نفوذ هویت‌ساز را مرحوم شریعی در بحث بازگشت به خویش به روشنی بیان کرده است. از نظر او، غرب استعمارگر با نفی و مسخ اصالت فرهنگ شرقی و اسلامی تلاش دارد همه را در یک نظام اومانیستی غربی حل کند. او در واقع، این حقیقت را نشان می‌دهد که غرب استعمارگر برای هویت‌زدایی از هر حوزه فرهنگی، نسخه متناسب با آن را ارائه داده است. در آفریقا، فرهنگ و هویت آنها را نفی می‌کنند؛ اما در مورد ایران، چون نمی‌توانند تمدن و هویت ایرانی و اسلامی را نفی کنند، مسخ می‌کنند. همان گذشته‌ای که شخصیت ما را می‌سازد، در نظر ایرانی‌ها سیاه، منقطع، نفرت‌آور و زشت تصویر می‌کند که هر ایرانی‌ای برای فرار از این چهره‌ها، به دامن غرب پناهانده شود.

اومانیسم و انترناسیونالیسم، امروز یک دروغی است که می‌خواهد شخصیت فرهنگی و وجودی همه ما را نفی کند تا در یک بشریت موهوم دروغینی

۱۱

خرد

شماره ۱۰۷۶ | دوشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۱

مصاحبه

سیاست نامه

سیدمحمد کاظم یزدی - ۵۷

تأخیر در یک آغاز



فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشیه

امروز جنگ شناختی دشمنان نشان داد که یکی از محورهای مهم شبهه‌پردازی و تردیدافکنی‌های مهندسی‌شده در اتاق‌های فکر کشورهای غربی و آمریکایی که قلوب و اذهان مردم به‌ویژه ناکرآمدنمایی انقلاب و نظام اسلامی است. بوق‌های تبلیغاتی و جنگ‌افزارهای رسانه‌ای و روانی دشمنان در مقطع کنونی به شدت تبلیغ می‌کنند که انقلاب اسلامی اساساً برای چه به وجود آمد؟ چرا زود نتیجه داد و بعد از چهار دهه برای ایرانی‌ها چه کرده است؟ به تعبیر یکی از فرماندهان شهید و بزرگ جنگ هشت‌ساله، اینکه دشمن روی موضوعاتی همچون اسلام، انقلاب و ایران سرمایه‌گذاری شناختی می‌کند، نشان می‌دهد که این موضوعات هم اثر راهبردی دارند و هم ضعف‌ها، آسیب‌ها و منافذ نفوذی درباره آنها هست که دشمن به سراغ آنها رفته است. در این باره، اشاره تطبیقی به فعالیت‌های خصمانه دشمنان در انقلاب مشروطه و چگونگی منجر‌سازی آن از اهداف و مجرای اصلی خود، می‌تواند برای انقلاب اسلامی و ماندگارسازی آن، درس‌آموز باشد. این موضوع را در کلام رهبری در راستای مورری بر درس‌های مشروطه، بازخوانی و بازاندیشی می‌کنیم.

۱۲- مشروطه، انقلاب و تأخیر در یک آغاز؛ کار بزرگی که ملت ما در بیست‌وشش سال پیش انجام داد- یعنی پدید آوردن انقلاب اسلامی- اگر پنجاه سال و یا حتی سی سال زودتر انجام گرفته بود، امروز این جامعه آزمانی را در کشور و خانه خودمان داشتیم. وقتی مشروطیت به وجود آمد یا سال‌های بعد از مشروطیت، اگر ملت ایران توانسته بود همان کاری را بکند که در انقلاب اسلامی کرد، راه از آن زمان شروع می‌شد و ما امروز می‌توانستیم شاهد جامعه‌ای باشیم که هم از لحاظ علمی و صنعتی پیشرفته است، هم یک جامعه برخوردار از عدالت است، هم یک جامعه برخوردار از احساس معنویت و ایمان معنوی است- که این برای جوان‌ها خیلی مهم است- ولی وقتی ملت ایران تشنه چنان تحولی بود، نگذاشتند این تحول صورت بگیرد. اینکه می‌گویم نگذاشتند، یک محاسبه کاملاً دقیق و علمی دارد؛ نه اینکه که ملت ایران نمی‌خواست یا حاضر به فداکاری نبود؛ چرا، لیکن در دوره مشروطیت از بی‌تجربگی ملت و رهبران آن استفاده کردند و حرکت عظیمی که در این کشور علیه استبداد درازمدت پادشاهان -که سر چشمه همه بدبختی‌ها بود- به وجود آمده بود، به بیراهه کشانند و از درون آن را پوچ و منهدم کردند. (۱۳۸۳/۱۲/۲۴)

تأمل مجدد در این بیان شیوا و راهبردی، نشان می‌دهد انقلاب اسلامی نتنها کارآمد بوده و به استراتژیست‌های آمریکایی کشور ایران را به لحاظ روند‌های پیشرفت در حوزه‌های مختلف حدود ۱۵۰ سالی جلو انداخته است؛ بلکه به تعبیر رهبری، اگر منجر‌سازان انقلاب مشروطه می‌گذاشتند، باید در آن برهه شکل می‌گرفت و الان کمتر شاهد عقب‌ماندگی‌های کنونی بودیم. از این منظر، ماجرای مشروطیت یکی از ماجراهای تلخ تاریخ ملت ایران است. البته ملت ایران وارد میدان شدند؛ رهبران روحانی، علمای بزرگ و مراجع از نجف و از داخل کشور مردم را بسیج کردند؛ ملت هم خوب فداکاری کردند؛ اما چون تجربه کاری نداشتند، دشمنان، نفوذی‌ها و سلطه‌گران بیگانه توانستند این حرکت را از درون منهدم و خنثی کنند و از بین ببرند. البته آن روز دشمن به طور مشخص دولت انگلیس بود و در دنیا، همان نقشی را ایفا می‌کرد که امروز آمریکا با هدف سلطه‌گری، دست‌اندازی و دخالت در امور ملت‌ها برای میکیدن ثروت‌های ملی ایفا می‌کند.

نکته گرام

متیو پتی، کارشناس آمریکایی روابط بین الملل: در بسیاری از گفت‌وگوها در مورد ایران، تحریم‌ها، اصلاحات یا انقلاب، فرض بر این است که در صورت موفقیت یک انقلاب، تحریم‌ها از بین خواهند رفت؛ اما به احتمال زیاد، ایالات متحده از تحریم‌ها برای گرفتن امتیازهای هر چه بیشتر از یک دولت پس از انقلاب استفاده خواهد کرد.

فواد ایزدی، کارشناس مسائل سیاسی: در تبلیغات رژیم فرانسه، اگر فرد مسلمانی به فرانسوی‌ها حمله کند، سریع تروریست خوانده می‌شود؛ ولی اگر فرد فرانسوی به مسلمانان حمله کند، دقت می‌شود از کلمه ترور استفاده نشود. اگر مسلمانان هم اعتراض کنند، با سرکوب پلیس مواجه می‌شوند.

عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای، رئیس جمهور فرانسه گفته است: «اطمینان دارم مشکلات در خاورمیانه تنها در صورتی قابل حل است که ما بتوانیم چارچوبی برای رایزنی پیدا کنیم که ایران را با توجه به نفوذش در منطقه شامل شود.» آفرین پسر عاقل! پس انقلاب چی شد؟ کدام نفوذ اعلی نژاد چی شد؟

سیدرسول موسوی، دستیار وزیر امور خارجه: امروز با دعوت از سرپرست سفارت افغانستان، ضمن تشریح موضع سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره تعلیق تحصیل دانشجویان دختر در دانشگاه‌های افغانستان آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای مساعدت به حل مشکلات ادامه تحصیل دختران به طرق مختلف، از جمله به صورت برخط و استفاده از زیرساخت‌های موجود در ایران اعلام کردم.

محمد مرندی، مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران: اگر ایران به دنبال سلاح هسته‌ای بود، یک سال پیش ساخته بود. در جریان مذاکرات هسته‌ای وین، رژیم‌های غربی مدام ادعا می‌کردند برنامه هسته‌ای ایران «به نقطه‌ای بدون بازگشت می‌رسد». ماه‌ها از مذاکرات گذشته و غرب ساکت است. چرا؟ دروغ می‌گفتند.

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت: مگر فایزر و مدرنا شفابخش کرونا نبود و بسته واکسن ما ناکارآمد؟! فوٹی های سه رقمی آمریکا، فرانسه و آلمان ثابت می‌کند آن زمان هم فضا سازی رسانه‌ای شان دروغ بود. آن روز هم اسیر سیاه‌نمایی نشدیم و با دانش بومی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های جهانی، فقط در همین آذرماه ۱۳ روز بدون فوٹی داشتیم.

محمد اکبرزاده، فعال رسانه‌ای: از نظر کسی که در این سه ماه سعودی اینترنشنال را دنبال کرده است: در اشنویه حکومت خودمختار تشکیل شده! تانک‌های حکومت در خیابان‌ها مستقر هستند! در سوسین موج از اعتصابات سراسری، کاسب‌ها از کار دست کشیده‌اند و مغازه‌های شهر تعطیل است! تماشای دائمی اینترنشنال شمارا «کودن» می‌کند.

کاظم غریب آبادی، دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران: سرکوب شدید معترضان مسالمت‌آمیز در فرانسه، میزان بی‌توجهی این کشور به حقوق بشر را ثابت می‌کند. دولت فرانسه با خشونت تمام، صداهای مخالف را خاموش می‌کند. استانداردهای دوگانه در قبال حقوق بشر چرخش جدیدی پیدا کرده است.



امیر مهدی صالحی
کارشناس فناوری اطلاعات

مدتی است زهمه‌هایی مبنی بر طبقاتی شدن اینترنت و محدود شدن دسترسی افراد به شبکه بین‌المللی داده به گوش می‌رسد. در این نوع اینترنت، ادعا می‌شود عموم مردم از دسترسی به پایگاه‌های اینترنتی محروم خواهند شد و در واقع تنها به اینترنت داخلی دسترسی خواهند داشت؛ اما اینترنت طبقاتی در واقعیت چیست؟

اینترنت طبقاتی یا اینترنت تخصصی، نوعی از دسترسی به شبکه بین‌المللی اطلاعات بر اساس نیاز و احراز هویت است. در این نوع اینترنت، دسترسی عمومی افراد کاهش پیدا نمی‌کند، بلکه دسترسی افراد خاص افزایش می‌یابد. برای نمونه، در حالت عادی دسترسی کاربران به پایگاه‌هایی، مانند یوتیوب و توئیتر مسدود است، اما با تخصصی شدن اینترنت، امکان باز شدن دسترسی به این پایگاه‌ها برای کاربران احراز هویت شده فراهم خواهد شد.

در حال حاضر، به دلیل احراز هویت نشدن استفاده‌کنندگان اینترنت، دسترسی عموم افراد به خدماتی که امکان آسیب رساندن به کاربر را دارد، محدود شده است. برای نمونه، پایگاه اینترنتی یوتیوب که امروزه برخی از آن به دانشگاه آنلاین یاد می‌کنند و بسیاری از دانشجویان در حال حاضر آموزش‌های مورد نیاز خود را در آن می‌یابند، تنها به دلیل اینکه کاربران استفاده‌کننده از آن تفکیک نشده‌اند و محتوای نامناسب برای برخی کاربران هم در آن وجود دارد، دسترسی برای همه بسته شده است. در صورتی که با تخصصی شدن اینترنت، دانشجویان، استادان دانشگاه‌ها و... امکان استفاده

از آن را بدون محدودیت خواهند داشت و دیگر نگران استفاده افرادی که خطر اینترنت بی‌فید و بند آنها را تهدید می‌کند، نخواهیم بود. در همه جای دنیا، کودکان برای استفاده از محتوای موجود در اینترنت با محدودیت سن مواجه هستند و ابزارهای احراز هویت سخت‌گیرانه‌ای دارند، اما در کشور ما به دلیل نبود چنین سازوکارهایی، همه افراد در رده‌های سنی گوناگون به تمام محتوای موجود در اینترنت دسترسی دارند.

ایده تخصصی شدن اینترنت، یک ایده قابل قبول و دفاع است. نیازهای یک پزشک، مهندس، سیاستمدار، خبرنگار، دانشجو، کارمند، دانش‌آموز و... با یکدیگر متفاوت است، به همان ترتیب باید دسترسی آنها هم با یکدیگر متفاوت باشد. البته شاید امروزه تخصصی شدن اینترنت به این شکل، سخت و کمی عجیب به نظر بیاید و از همان ابتدای ورود اینترنت به کشور، باید برای شفاف‌سازی هویت استفاده‌کنندگان از خدمات اینترنتی قانونی وضع و اجرا می‌شد. در آن صورت مانند کشورهای دیگر، کاربران اینترنت و فعالیت‌های آنان از هم قابل تمایز بود و دیگر به این سخت‌گیری‌ها نیازی نبود. برای نمونه، در کشورهای دیگر به محض دانلود غیر قانونی محتوای کپی‌رایت‌دار، کاربری که از حساب اینترنتی وی چنین دانلودی انجام شده است، باید پاسخگو باشد. اینترنتی که در کشورهای دیگر شخصی سازی شده است، در کشور ما به احتمال زیاد تخصصی سازی خواهد شد.

در نهایت باید گفت، با تخصصی شدن اینترنت یا کاری که در دیگر کشورها انجام می‌شود و شخصی سازی شدن اینترنت، نباید نگرانی‌ای در کاربران فعلی ایجاد شود. بیشتر کاربران فعلی بدون مواجه شدن با محدودیتی، تغییری را احساس نخواهند کرد و برخی کاربران حتی رفع محدودیت را هم تجربه خواهند کرد.

رسانه

پایان رؤیای استارلینک

گروه مجازستان

صبح صادق

از این کیت‌ها قرار است در میدان جنگ برای یافتن مکان دریافت‌کننده‌های استارلینک استفاده شود. با آغاز جنگ روسیه و اوکراین، محموله‌های دیش‌های استارلینک برای برقراری ارتباط‌های اینترنتی از آمریکا به اوکراین ارسال شد.

به نظر می‌رسد، این کیت‌های تشخیص مکان اساساً آنتنی است که روی یک وسیله نقلیه نصب شده و تنها هدف آن شکار تر مینال‌های

استارلینک است. گفته می‌شود، این تجهیزات که «Borshevik» نام گرفته است، می‌تواند دیش‌های کاربران را از فاصله پنج متری و با دقت زیادی شناسایی کند.

کارخانه تسلیحات‌سازی سازنده این کیت‌ها، این محصول را در فهرست تولیدات خود قرار داده است؛ به این معنا که روسیه برای ایجاد اختلال در عملکرد سرویس استارلینک پیشرفت‌های زیادی کرده است. گفتنی است، تاکنون روسیه چندین بار به انجام عملیات‌های نظامی علیه استارلینک اشاره کرده است.

طبق مشخصات ارائه شده در وبگاه این سازنده، کیت تشخیص تر مینال استارلینک می‌تواند دیش‌ها را با دقتی بین پنج تا شصت متر تشخیص دهد. همچنین، می‌توان آن را در ۵ دقیقه مستقر کرد، برد عملیاتی آن ۱۰ کیلومتر است و ۱۵ دقیقه طول می‌کشد تا دیش کاربران را پیدا کند. افزون بر این، توضیح داده شده است این محصول را می‌توان برای استتار رنگ آمیزی کرد و کار خود را فقط با منبع برق خودرو انجام داد. سازنده این کیت یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های مهمات‌سازی در روسیه است که سال ۱۷۲۱ پتر کبیر تزار روسیه آن را بین سال‌های ۱۶۸۲ تا ۱۷۲۵ راه‌اندازی کرده است.

تولید این کیت‌ها در حالی است که آمریکا و متحدانش بارها از استارلینک برای تهدید کشورهای دیگر نسبت به باز گذاشتن اینترنت و بستن جاسوسی آن استفاده کرده‌اند. آنها در همین راستا چندین کامیون دیش استارلینک را به اوکراین ارسال کرده‌اند و حتی اشتراک استفاده از آن را در این کشور رایگان کرده‌اند تا راه ارتباطی اوکراین و دولت‌های غربی برای هماهنگی‌های ایجاد اتحاد علیه روسیه همچنان باقی بماند. مهر ماه امسال بود که خبر ارسال دیش‌های استارلینک به ایران منتشر شد تا جلوی محدودیت‌هایی را بگیرند که دولت کشورمان برای دسترسی مجرمانه به داده‌ها گرفته است، اما هنوز هم خبری از عملیاتی شدن کامل این دیش‌ها نیست. هرچند همان موقع هم کارشناسان نسبت به امنیت استارلینک و امکان لو رفتن مکان استفاده‌کننده‌ها هشدار می‌دادند. در کنار نبود امنیت برای کاربران استارلینک، هزینه بالای تجهیزات این بستر و اشتراک‌های ماهانه آن و به تازگی لو رفتن مکان کاربرانش، نشان می‌دهد رؤیای استارلینک برای فراهم کردن یک اینترنت عمومی در کشورهایی که علیه سیاست‌های آمریکا عمل می‌کنند، کم‌کم رنگ باخته است؛ رؤیایی که خیلی به دل آن بسته بودند....

پژواک

توئیتر ناامنی

۴۰۰ میلیون کاربر در دارکوب



یکی از بزرگ‌ترین رخنه‌های امنیتی در توئیتر رخ داد و منجر به فروش اطلاعات ۴۰۰ میلیون کاربر در دارکوب شد. این داده‌ها احتمالاً از یک آسیب‌پذیری API به دست آمده که هرکس قادر می‌سازد داده‌هایی، مانند آدرس رایانه و شماره تلفن کاربران را استخراج کند. امروزه، نامی شبکه‌های اجتماعی به معضل بزرگی در جهان تبدیل شده و نگرانی‌های بسیاری را از نقض حریم خصوصی کاربران ایجاد کرده است. گفتنی است، مدتی پیش اطلاعات ۵۰۰ میلیون کاربر فیس‌بوک در دارکوب حراج گذاشته شده بود.

نرم افزار

بشنو و بگو

مهارت‌های کلومی ارتباطی



گفتار صحیح و واضح و درک محیطی، مسئله‌ای مهم در روابط کودک با دنیای پیرامونش است. بازی قهرمان کوچولو با نام «بشنو و بگو» به افزایش درک و گفتار کودکان از طریق دیدن تصاویر و شنیدن جملات کمک می‌کند. این بازی که به صورت مرحله‌ای (از تک جمله‌ای تا داستان زنجیره‌ای چهار جمله‌ای) طراحی شده است، به افزایش طول جمله کودک کمک می‌کند و توانایی او را در قهقه‌گویی و تعریف اتفاقات روزمره افزایش می‌دهد. این بازی نوعی تمرین گفتار درمانی به شمار می‌آید.

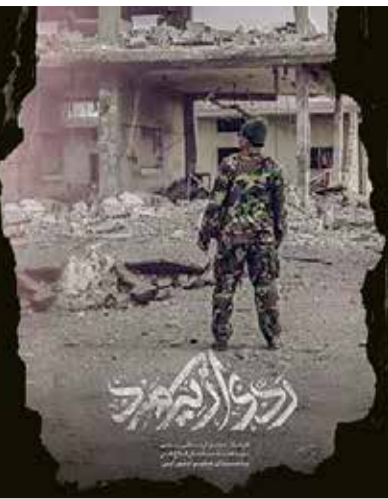
دانش بنیان

داروی ایرانی

ثبت جهانی تلاش محققان



با تلاش محققان یک شرکت دانش‌بنیان مستقر در پارک فناوری پردیس، داروی کاهش عوارض کرونا «سالیراویرا» که خردادماه سال ۱۴۰۰ تولید و رونمایی شده بود، گواهی ثبت اختراع جهانی دریافت کرد. این دارو هم‌زمان با یکی از موج‌های کرونا در کشور در سال گذشته، با تلاش‌های علمی بیش از ۴۰ نفر از محققان هیئت علمی برترین دانشگاه‌های کشور تولید شد. نخستین داروی کاملاً ایرانی برای درمان و پیشگیری از کرونا قابل مصرف و تجویز در سراسر جهان است.



روایت ناب یک مرد

گفت‌وگو با کارگردان ردی از یک مرد
به بهانه سالگرد شهادت سپهبد حاج قاسم

ندا کرمانشاهی

خبرنگار فرهنگی

صنعت سینما و هنر هفتم در هیچ جای دنیا، از اهمیت اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری غافل نبوده است. در بسیاری از فیلم‌های دنیا سعی شده است، برای نسل جدید قهرمان بسازند، الگو پرورش دهند و از قهرمان‌هایی که خیالی و دروغین هم هستند، الگو بسازند. اما ما در طول تاریخ خودمان، قهرمان‌هایی داشته‌ایم که نه خیالی بوده‌اند و نه زایل شده ذهن بشر؛ از امیرکبیر گرفته تا آن نوجوان ۱۳ ساله‌ای که با نارنجک زیر تانک دشمن رفت، اما یکی از بزرگ‌ترین این اسطوره‌ها، شهیدی است که با جان و دل‌مان در فراتر سوختیم و حالا در سومین سالگرد شهادتش، جایش خالی‌تر از قبل است و هر روز که می‌گذرد، بیش از قبل برخی از ابعاد وجودی او برای ما آشکارتر می‌شود. یکی از ابزارهایی که به این شناخت کمک کرده است، محصولات فرهنگی در قالب کتاب و ادبیات، بویانمایی، نقاشی و فیلم هستند؛ هر چند اگر چنان شخصیتی در کشورهای دیگر وجود داشت، تاکنون حداقل سالی یک فیلم و چندین بویانمایی جدی درباره وی ساخته بودند. با این حال، مستندسازان از جمله کسانی بوده‌اند که در این وادی قدم‌های خوبی برداشته‌اند؛ هر چند هنوز هم جای کار بسیاری وجود دارد. یکی از این فیلم‌های مستند که در جشنواره سینماحقیقت اکران و داوری شد و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت، «ردی از یک مرد» است، مستندی که هم‌زمان با سالگرد شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی، در سینماهای حوزه هنری در سطح کشور به صورت رایگان اکران می‌شود. حالا و در سومین سالگرد آسمانی شدن «حاج قاسم سلیمانی» بر آن شدیم تا با کارگردان مستند «ردی از یک مرد»، به عنوان اثری متفاوت از آنچه تاکنون درباره سیدالشهدای مقاومت ساخته شده، به گفت‌وگو بنشینیم و به این ترتیب، بیش از گذشته به ابعاد وجودی شهید سلیمانی پی ببریم. متن زیر حاصل گفت‌وگوی صبح صادق با «سازان فلاح‌فر» است.

مستند «ردی از یک مرد» به سراغ وجه متفاوتی از شخصیت شهید سلیمانی رفته است. زندگی ساده و مردم‌داری ایشان در این مستند به تصویر کشیده شده است. چرا به سراغ این وجه از زندگی حاج قاسم رفته‌اید؟

تمام دنیا حاج قاسم را یک ژنرال بلندپایه می‌شناسند که پایان حکومت داعش در منطقه، به مجاهدت‌های ایشان مدیون است. آزادی‌هایی که الآن در کشورهای منطقه وجود دارد، مدیون وجود شهید حاج قاسم سلیمانی است و بسیاری اتفاقات دیگر هم که در کشور خودمان افتاد و شاید وظیفه ارگانی و سازمانی ایشان نبود که به آنها برسد، اما شهید سلیمانی در آنها حضور بسیار مؤثر و مهم و مفیدی داشتند. شهادت ایشان، مثل و مانند ندارد؛ همانطور که زندگی ایشان نیز مثل و مانند‌ای ندارد. من خواستم در این مستند، جدای از فضای نظامی زندگی ایشان که بسیار هم پررنگ است و حرف‌های ناگفته و مهمی هم هنوز در این رابطه وجود دارد، به مسائل دیگری که وجه اجتماعی شخصیت ایشان را بیش از پیش نشان می‌دهد، بپردازم و آنها را به تصویر بکشم. من مستندهای زیادی در حوزه مقاومت ساخته‌ام، مستند «خطرات بادیه» را سه سال پیش ساختم و در این مستند که مربوط به پایان سطره داعش است، حاج قاسم هم در آنجا حضور داشته‌اند.

در آن مستند هم مسئله من فقط مسئله حضور نظامی ایشان نیست؛ بلکه نگاه این است که رفتار این سردار یا ژنرال با سربازانش چگونه است و آنجا هم نگاه‌های اجتماعی ایشان را مد نظر داشته‌ام. ما سه سپهبد شهید داریم که هر یک به فاصله ۲۰ سال از هم به شهادت رسیده‌اند؛ شهیدان قرنی، صیادشیرازی و حاج قاسم سلیمانی. حاج قاسم را نسل ما درک کرده است و من نیز مانند همه مردم ایران به حاج قاسم علاقه زیادی دارم و لذا خواستم با فاصله بیشتری از آنچه خودم می‌دانم، فضای جدیدتری را هم خودم و هم مخاطبان فیلمم تجربه کنیم؛ بنابراین رفته به سال‌های دورتر و لوکیشن دورتری از زندگی حاج قاسم. ما هم فرم برای مان مهم بود و هم محتوا و لذا تلاش کردیم نسبت به مستندهای قبلی، در مورد این بُعد از شخصیت حاج قاسم، هم فرم جدیدتری را انتخاب کنیم و هم محتوایی متفاوت‌تر. معتقدم در تمام کشورمان اگر بگردیم، می‌توانیم مواجهه‌های زیادی در مورد حاج قاسم ببینیم و نه فقط در ایران، بلکه در کشورهای منطقه نیز این موضوع صادق است. در واقع، در این کشورها نیز پُر است از روایت‌هایی شنیدنی در مورد

حاج قاسم و ابعاد مختلف شخصیتی این شهید والا مقام. اگر بخواهیم شخصی را به خوبی بشناسیم، باید ابعاد مختلف وجودی آن را بشناسیم و تعریف تک‌بعدی حاج قاسم نیز درست نیست؛ برای همین لازم است کارهای زیادی در مورد حاج قاسم ساخته شود که به ابعاد مختلف ایشان بپردازد. در حوزه امنیت جنوب شرق تا به حال سه مستند درباره حاج قاسم ساخته شده است و هر یک هم جذابیت‌ها و جزئیات مربوط به نقش حاج قاسم در جنوب شرق کشور را به تصویر کشیده است. ما با تک‌تک روایت‌هایی که از دل مردم و روستاییان محل زادگاه حاج قاسم به دست آورده‌ایم، به شناخت بیشتری نسبت به او رسیده‌ایم؛ روستایی‌هایی که تکلفی نداشته‌اند و خیلی ساده با ما صحبت می‌کردند. برای نمونه، گاهی با یکی از افراد می‌خواستیم صحبت کنیم و او به ما می‌گفت من الآن باید گوسفندهایم را به چراگاه ببرم؛ وگرنه دیر می‌شود و لذا ما هم با او راه می‌افتادیم و او در همان جا از حاج قاسم برای ما می‌گفت و این یعنی حاج قاسم در بطن زندگی این فرد جاری و ساری بوده است و نیازی به این ندارد که فکر کند تا برای من مستندسازی سخنرانی کند و کلمات را کنار هم بچیند؛ برعکس، بی‌تکلف و راحت در مورد شهید با ما سخن می‌گوید.

چقدر برای پژوهش این اثر زمان گذاشتید؟

واقعیت این است که در مستندهای این چنینی اگر پیش تولید خیلی مفصل باشد و در آن تمامی جزئیات را در نظر بگیریم، آن آدم‌ها به گونه‌ای دست‌خورده می‌شوند که شاید دیگر آن جذابیت مورد نظر را جلوی دوربین نداشته باشند. در چنین زمانی، تجربه به کمک می‌آید و باعث می‌شود بسیاری از اتفاقات و حرف‌ها جلوی دوربین اتفاق بیفتند. اگر دقت کرده باشید، در این مستند مجبور بودم شخصیت‌ها را به همدیگر متصل کنم و با تمهید نیمچه داستانی، این کار را کردم. اینجا تجربه کمک کرد؛ وگرنه اگر همه اینها را قرار بود در پیش تولید پیاده‌سازی کنم، قطعاً جذابیتی که آدم‌ها جلوی دوربین داشتند، از بین می‌رفت.

آیا می‌شود دوباره سراغ همین بُعد از شخصیت حاج قاسم و همین سوره رفت؟ به نظر‌تان باز هم می‌توان از همین افرادی که سراغشان رفتید، روایت‌های جدیدی را گرفت و بازگو کرد؟

من همین الآن اگر به روستای قنات ملک (زادگاه حاج قاسم) بروم، بدون شک یک سوره

جدید خواهم داشت و حرف‌های جدیدتر را به نظر من خیلی از اتفاقات به زاویه نگاه ما بستگی دارند. سال‌ها از ماجرای جنگ جهانی دوم می‌گذرد و هر سال هالیوود از آن فیلم‌های کوتاه و داستانی جدید می‌سازد؛ یعنی اتفاق یکی است، اما زاویه‌های نگاه جدیدی وجود دارد و ما هر بار اثر جدیدتری را می‌بینیم؛ البته بسیار مهم است که از فرم مناسب و جذاب هم در کارهای جدید استفاده کنیم.

منظورم خود شخصیت «حاج قاسم» است؛ آیا اگر دوباره به آن روستا و همان آدم‌ها سر بزنید، می‌توانید با همان‌ها روایت‌های جدید و متفاوتی از شخصیت حاج قاسم به دست بیاورید؟

بله، این قدر شخصیت حاج قاسم بزرگ است که می‌توان از همان آدم‌ها و در همان مکان، به ابعاد وجودی بیشتری از ایشان رسید.

دغدغه ساخت این مستند از همان مستند «خطرات بادیه» و دیدار با حاج قاسم در منطقه به دست آمد؟

قطعاً محبت شخصی بنده به ایشان، مانند همه مردم باعث شد سراغ چنین سوره‌ای بروم. من می‌خواستم کاری پس از شهادت ایشان بسازم، اما نمی‌خواستم بی‌کیفیتی باشد یا آن چیزی را که در ذهنم است، نتوانم بیان کنم؛ بنابراین باید فرصتی می‌دادم و با این فاصله‌ای



که از زمان شهادت ایشان تا زمان ساخت مستند ایجاد شد، به این نقطه رسیدیم که زمان ساخت مستند فرا رسیده است. من ایشان را در سال ۱۳۹۲ و در زمان اوج گرفتن جنگ در سوریه دیدم؛ ایشان بسیار نسبت به من و دوستان دیگری که آنجا همراهم بودند، محبت داشتند؛ آن موقع جوان‌تر بودم، اما رفتار ایشان با من که هم سن فرزندانم بودم، برای خود من بسیار جذاب بود. یادم نمی‌رود که موقع شام، ایشان ما را سر سفره کنار خودشان نشاندند و خودشان برای تک‌تک ۱۰-۱۵ نفری که آنجا بودیم، لقمه می‌گرفتند و در دهان ما می‌گذاشتند و این نوع محبت با تمام آن چیزی که از شخصیت مبارز و جهادی ایشان سراغ داشتیم، بسیار برای ما خاص و جذاب بود؛ این مراد، نقطه شروع و شکل‌گیری محبت عمیق من نسبت به ایشان شد.

آیا در همان زمان موضوعی پیش آمد که متوجه نظر و توجه شهید سلیمانی نسبت به کارهای فرهنگی شوید؟

ایشان از کارهای فرهنگی بسیار استقبال می‌کردند؛ مصاحبه‌های مردمی هم گویای همین مطلب است. ایشان برای پروژه سینمایی «۲۳ نفر»، در پشت صحنه فیلم حضور پیدا کردند و همین حضور نشان‌دهنده اهمیت داشتن سینما و هنر و کار فرهنگی برای ایشان بوده است. در تمامی این سال‌ها مستندسازی به کشورهای عراق و سوریه رفت و آمد داشته‌اند و قطعاً یکی از دلایل آن، مهم بودن این جریان تولیدات فرهنگی و هنری برای حاج قاسم بوده است.

اساساً قالب «مستند» برای به تصویر کشیدن ابعاد شخصیتی قهرمانان ملی و معرفی الگو برای نسل جوان، در مقایسه با قالب‌های دیگر مانند فیلم داستانی کوتاه و بلند، چقدر مفید است؟

مستند یکی از مهم‌ترین و پیش‌روترین قالب‌هایی است که ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم. در کشور ما گاهی مستندهایی تولید می‌شود که با کیفیت‌تر و بهتر از بسیاری از فیلم‌های داستانی است که الآن دارد تولید می‌شود. در واقع، واقعی بودن و بی‌واسطه بودن مستند بسیار به شناخت دقیق‌تر الگوها و قهرمانان کشورمان کمک می‌کند. با مستند بسیار می‌توان به این قهرمان‌ها نزدیک شد و با آنان ارتباط گرفت.

جشنواره

گوهرشاد

جشنواره سبک زندگی ایرانی - اسلامی



این دوره از جشنواره با محوریت «تأکید بر عفاف و حجاب» و «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» در دو بخش برگزار خواهد شد. آثار تولیدی و ارسالی ترجیحاً در حوزه‌های پیشنهادی «گرافیک»، «عکاسی»، «انیمیشن»، «پادکست»، «شعر»، «شعار کوتاه»، «نقاشی»، «فیلم‌نامه» یا نمایش‌نامه» باشند، اما از دیگر ایده‌ها در حوزه‌های مختلف نیز استقبال می‌شود. مهلت ارسال آثار از ۵ دی تا ۲۲ بهمن ماه ۱۴۰۱ خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت «www.GoharshadFestival.ir» مراجعه و در صورت تمایل نام‌نویسی کرده و آثار خود را بارگذاری کنند.

نمایشگاه

سردار دل‌ها

نمایشگاه آثار نقاشی و نگارگری



به مناسبت سومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی، آیین گشایش نمایشگاه منتخب آثار نقاشی، پوستر و نگارگری با عنوان «سردار دل‌ها» روز سه‌شنبه، ۱۳ دی‌ماه، ساعت ۱۱ صبح در گالری ابوالفضل عالی برگزار خواهد شد. این نمایشگاه شامل هفت اثر نقاشی، ۱۱ اثر گرافیکی و دو اثر نگارگری است. در نمایشگاه سردار دل‌ها، منتخب آثار هنرمندانی همچون کاظم چلیپا، عبدالحمید قدیریان، غلامعلی طاهری، کامیار صادقی، علی اسلامی مقدم، علیرضا ذاکری، حمیدرضا دوست‌محمدی، فرود مقدم، محمودبازدار، علیرضا رحیمی و امیر خادم شریف در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت.

کتاب

عسل قصه

پویبشی برای کتاب کودکان



شانزدهمین دوره از پویبشی کتابخوانی پویا، ویژه کودکان، این بار به سراغ ۴۴ ضرب‌المثل شیرین رفته است. در این دوره از این پویبش جذاب که با همکاری مرکز رسانه‌های شیرازه و نشر جمال برگزار می‌شود، کتاب «عسل مثل یه قصه» به قلم سیدمحمد مهاجرانی، برای این مسابقه برگزیده شده است تا کودکان ۸ تا ۱۲ سال به وسیله داستان‌های کوتاه، با ضرب‌المثل‌های کهن ایرانی آشنا شوند. شانزدهمین دوره از پویبش کتابخوانی پویا همراه با جوایز نقدی ۱۰۰ میلیون ریالی خود از ۸ دی ماه آغاز شده است.

فرهنگ

شماره ۱۰۷۶ | دوشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۱



یادداشت

این کتاب متفاوت

حامد حسین عسکری

خبرنگار فرهنگی

اولین بار که در زمان حیات مبارک و دنیوی «حاج قاسم سلیمانی» کتابی درباره او دیدم و خواندم، مربوط به سال ۱۳۹۳ یا ۱۳۹۴ بود که کتاب «پنجه‌های حاج قاسم» از سری کتاب‌های خطرات فرماندهان دفاع مقدس، توجهم را جلب کرد و آن را خریدم و خواندم. هرچند از دوران کودکی - به اقتضای کرمانی بودن - با نام «حاج قاسم» و عظمت و محبوبیت آن مرد، کاملاً عجمین بودم و از وقتی یاد می‌آید، نام او در خانواده و فامیل با عزت و عظمت یاد می‌شد؛ اما برای اولین بار کتابی می‌دیدم که مستقیم به حاجی اختصاص داشته و حتی تصویر روی جلدش هم، عکسی از دهه ۹۰ او بود، نه دوران جنگ. محتوای کتاب مربوط به دوران دفاع مقدس بود که عمدتاً سخنرانی‌های فرمانده دلاور لشکر ۴۱ ثارالله (ع) در جمع رزمندگان روستازاده و آفتاب‌سوخته آن لشکر را بازخوانی می‌کرد و نکته جالب کتاب این بود که بی‌آنکه دیگران درباره حاج قاسم و مشرب و مرام او صحبت کرده باشند، از لایه‌های جملات و گفته‌های او در سخنرانی‌ها می‌شد به عظمت و اخلاصش پی برد. انتشار این کتاب مصادف شده بود با ایامی که نام حاج قاسم سلیمانی به اقتضای نقش آفرینی ممتاز او و هم‌زمانش در مقابله با تروریسم تکفیری در منطقه، کم‌کم بر سر زبان عامه مردم هم افتاده بود و محبتی که کرمانی‌ها نسبت به او داشتند، به تدریج در دل همه مردم از جای جای ایران در حال شکل گرفتن و گسترش بود. زمان گذشت، تا اینکه با مادام غم‌انگیز ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ از راه رسید و خون مطهرش به دست شقی‌ترین اینای بشر بر روی زمین ریخته شد؛ بعد از آن بود که ده‌ها عنوان کتاب جدید برای تبیین چرایی عظمت حاج قاسم و عزت او در میان مردم نوشته شد. «شاخص‌های مکتب سلیمانی»، «حاج قاسمی که من می‌شناسم»، «شاید کمی پیش از اذان صبح»، «سلیمانی عزیز»، «هزار جان گرامی»، «آورتین»، «مولود مارس» و...؛ همه این آثار در جای خود سهم ممتازی در بازخوانی شخصیت آسمانی آن مرد و راز و رمز عزت ابدی او ایفا کردند؛ اما در میان همه این آثار، یک کتاب جایگاه متفاوتی دارد و آن هم به دست خود سردار شهید نوشته شده است؛ کتاب «از چیزی نمی‌ترسیم» یا همان زندگینامه خودنوشت حاج قاسم سلیمانی که از مقطع تولد و کودکی تا سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی را روایت می‌کند. این کتاب هرچند کم‌حجم و مختصر است، اما دنیایی از حرف‌ها و رازها را از مراحل زندگی یک ابرمرد در دوران کودکی و نوجوانی او، که حساس‌ترین و سرنویشت‌سازترین دوران حیات هر فرد است، از زبان خود او روایت می‌کند. رنج‌ها و محرومیت‌های زندگی روستایی «قاسم» نوجوان و خانواده و فامیلش از یک طرف و مناعت طبع و بزرگی روح او برای غلبه بر مشکلات و زدودن غبار غم از چهره پدر و مادرش که باعث می‌شود تا برای ادای قرض پدرش به بانک، داوطلبانه به کارگری در شهر روی بیاورد، جلوه بر جسته روایت خودنوشت حاج قاسم سلیمانی در کتاب «از چیزی نمی‌ترسیم» است. نام و عنوان کتاب هم از برخورد حاج قاسم با یک افسر شهربانی رژیم شاه در همان سال‌های نوجوانی انتخاب شده که در جریان آن، از حریم یک دختر جوان دفاع می‌کند. خلاصه کلام اینکه «از چیزی نمی‌ترسیم» از آن نظر فراتر از همه کتاب‌های دیگر با موضوع حاج قاسم است که به قلم مستقیم خود او، «جامعه‌شناسی حاج قاسم» را ترسیم می‌کند.

تقویم انقلاب

شهادت دانشجویان
دفاع مقدس

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



تقویم تاریخ انقلاب اسلامی برابر با روز ۱۶ دی، شهادت دانشجویان دفاع مقدس در هویزه است. در مباحث قبلی به عملیات آزادسازی سوسنگرد اشاره کردیم که از نیروهای مقاومت مردمی استفاده شد و دستاوردهای بسیار خوبی را به ارمان آورد؛ هنگامی که عملیات آزادسازی هویزه به نام عملیات «نصر» در دستور کار قرار گرفت، قرار شد به همان شیوه عملیات آزادسازی سوسنگرد اقدام شود. فرماندهی عملیات با ستاد مشترک ارتش بود که تحت امر فرمانده کل نیروهای مسلح ابوالحسن بنی‌صدر قرار داشت. مقرر شده بود، در ۱۵ دی ماه ۱۳۵۹ در منطقه عمومی سوسنگرد - هویزه عملیات آغاز شود. برای این طرح عملیاتی، دو تیپ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین و یک تیپ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز در نظر گرفته شده بود. افزون بر آن دو گردان، از نیروهای سپاه پاسداران و شماری از نیروهای جنگ‌های نامنظم تحت فرماندهی شهید چمران نیز استفاده شد. روز اول نبرد با پیشروی نیروهای خودی و انهدام دو تیپ زرهی عراق همراه بود؛ اما نیروهای خودی اقدامات تأمینی و ضروری را انجام ندادند و حتی تجهیزات به دست آمده از دشمن در دشت باقی ماند. در چنین وضعیتی، مرحله اول جنگ با پیروزی به پایان رسید. با توجه به اینکه عقبه‌های اصلی دشمن آسیب ندیده بود، عراق همچنان امکان تحرک و تقویت نیروهای لازم را در منطقه داشت. با آغاز مرحله دوم عملیات در ساعت ۸ صبح ۱۶ دی ماه، نیروهای زرهی پیاده شروع به پیشروی کردند؛ اما با نیروهای زرهی متجاوزان یعنی درگیر شدند و بزرگ‌ترین نبرد تانک آغاز شد؛ به گونه‌ای که هر طرف بیش از ۳۰۰ تانک داشت. نبرد زرهی با رودررویی و شلیک تانک‌ها در خط مقدم در جریان بود که دو تیپ زرهی رژیم یعنی به سمت جناح‌های منطقه نبرد ورود کردند؛ یعنی صحنه به گونه‌ای رقم خورد که نیروهای رزمنده ایران از سه جناح در محاصره قرار گرفتند. یک تیپ زرهی خودی با از دست دادن ۱۰۰ تانک در اثر فشار دشمن قادر به حفظ مناطق آزاد شده نبود و مجبور شد که عقب بنشیند؛ و شهر هویزه سقوط کرد. روز ۱۶ دی ماه ۱۳۵۹ نیروهای رزمنده سپاه پاسداران که در جلوی تانک‌های دشمن مستقر بودند و منتظر دریافت رمز حمله بودند، متوجه شدند رفت‌وآمد تانک‌های دشمن زیاد است و هواپیماهای دشمن در آسمان برای بمباران آماده‌اند و هم‌زمان نیروهای رزمنده اسلام زیر آتش توپخانه و خمپاره‌های شدید قرار گرفته‌اند. در این ضدحمله سنگین دشمن بیش از یک صد نفر از برادران پاسدار، جهاد سازندگی و دانشجویان پیرو خط امام(ره)، از جمله «سیدحسین علم‌الهدی» مفقودالثر و شهید شدند. دشمن یعنی در روز ۱۸ دی ماه هویزه را کاملاً به اشغال درآورد. فرمانده یعنی دستور داد تعدادی از مردم بی‌گناه را دست بسته در یک گودال قرار دادند و به شهادت رساندند و سپس تمام شهر هویزه را با دینامیت و بولدوزر نابود کردند که شهر به تپه‌ای از خاک مبدل شد. شهید علم‌الهدی و دانشجویان همراهش در هویزه حماسه آفرینند و تا آخرین نفس در مقابل دشمن متجاوز ایستادند و مظلومانه به شهادت رسیدند.

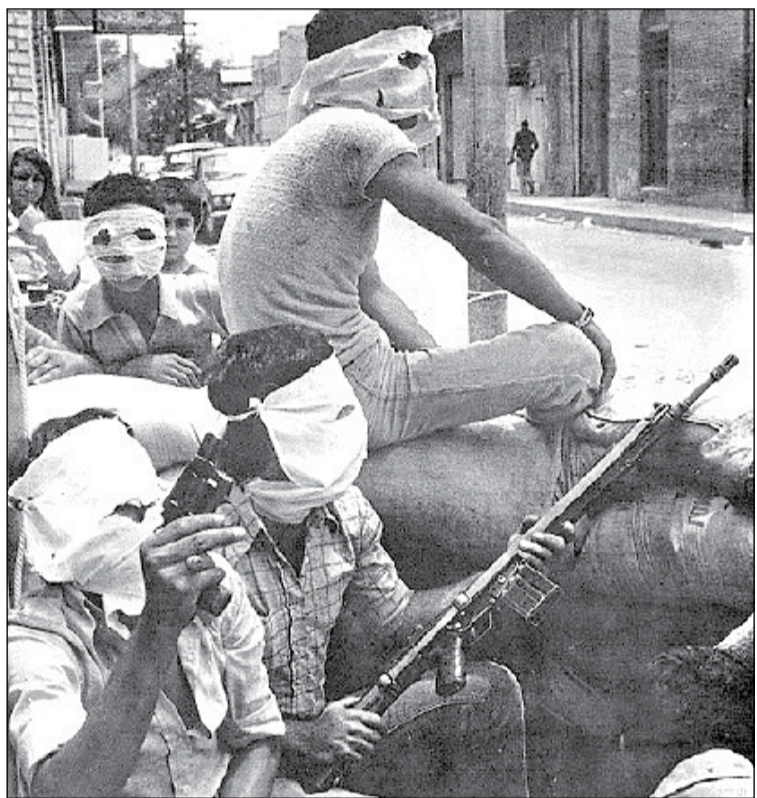
تجزیه‌طلبان در گنبد و خوزستان

گروهک‌های تجزیه‌طلب و تروریستی - ۵

در گنبد کاووس کلیه مدارس، بانک‌ها و مغازه‌های این شهر از بعدازظهر دوشنبه ۶ فروردین تاکنون به صورت تعطیل درآمده و دست‌کم ۱۶ تن کشته و بین ۴۰ تا ۶۰ نفر مجروح شده‌اند. به دنبال این وقایع، حضرت امام(ره) (اخبار و اجانب) را در غانله گنبد ذی‌نفع دانستند و تأکید کردند: «این معنا که در گنبد محقق شده، در خیلی جاها از مملکت ما بوده و همه آنها هم زیر سر این اشرار بوده است که دست‌نشانده‌های آمریکا یا جای دیگر هستند» و از مردم گنبد خواستند: «شما هم باید کمک کنید؛ یعنی پشتیبانی کنید از قوای انتظامی. اگر قوای انتظامی در آنجا مستقر شد شما هم پشتیبانی کنید و به کمک هم، اشرار را کنار بزنید. این اشرار که حمله می‌کنند به مسلمین، واجب است آنها را دفع کنند ولو به قتل آنها منجر بشود و هر کسی پایداری کند ثواب دارد، و هر کس کشته بشود ثواب شهید دارد.»

این غانله ماه‌ها به طول انجامید و تلاش‌ها برای

پایان مسالمت‌آمیز مناقشات به ثمر نرسید تا آنکه سرانجام پرونده خلق ترکمن به بهمن ماه کشیده شد. در روز نوزدهم بهمن ۱۳۵۸، بین نیروهای انقلابی ارتش و سپاه و نیروهای ستاد خلق ترکمن درگیری مسلحانه رخ داد. این درگیری چندروز به طول انجامید و در نهایت گنبد در کنترل نیروهای پاسدار انقلاب و ارتش قرار گرفت. پس از آن ارتش و پاسداران، شهرهای بندر ترکمن و گمش‌تپه را نیز تحت سیطره خود درآوردند. به گفته محسن رفیق‌دوست، «این ماجرا با کمک مردم و نیروهای اعزامی ما ختم شد و آرامش و امنیت در ترکمن صحرا برقرار گردید و سران آن دستگیر شدند... با توجه به اینکه این مأموریت، اولین مأموریت مهم نظامی سپاه بود، پیروزی بزرگی به شمار می‌رفت. سران غانله ترکمن صحرا از جمله توماج و مختم از سوی دادستان وقت انقلاب، آیت‌الله خلیفایی به اعدام محکوم شدند و حکم اعدام آنها در زندان اجرا شد.»



گنبد کاووس، ۱۳۵۹

ارسالی عراق و کویت، استان خوزستان به ویژه خرمشهر را در آتش فتنه می‌سوزاندند و مسئولان این غانله، دولت موقت را تهدید می‌کردند که اگر تا یک هفته دیگر مشکلات خوزستان حل نشود، استان خوزستان را از کشور ایران جدا می‌کنیم. محسن رضایی می‌گوید: «در آبادان، خرمشهر و اهواز لوله‌های نفت را منفجر کرده بودند و خبرها نگران‌کننده بود و دلالت داشت که کامیون سلاح وارد استان خوزستان می‌شود.» ماه‌ها طول کشید تا ضدانقلاب در این منطقه مهار شده و آرامش به خوزستان باز گردد.

جمع‌بندی این کلام آنکه وضعیت تجزیه‌طلبان در همان ماه‌های اولیه انقلاب با خشونت طبیبی و ایجاد ناامنی اوضاع را به شدت آشفته کرده بود؛ به گونه‌ای که جریان نهضت آزادی مخالف خط امام(ره) نیز اعتراف دارد: «انقلاب اسلامی ما در آستانه پنجمین ماه پیروزی بی‌نظیر و اعجاب‌آور خود با مسائلی رویه‌روست، مسائلی که در مجموع انقلاب ما را بیمار کرده یا لاقال آن را بیمارگونه می‌نمایاند... امواج فتنه‌های راست و چپ به هم آمیخته مناطقی چون کردستان، گنبد و خوزستان و... را به آتش می‌کشند.» جالب آنجا است که حامیان مطبوعاتی تجزیه‌طلب آن، امام و دولت موقت را به سرکوب آزادی‌ها متهم کرده و می‌نویسند: «دولت موقت نه تنها در فکر تأمین آزادی‌ها نبود، بلکه خود خیلی زود در کردستان و ترکمن صحرا به سرکوب خونین مسلحانه مردم پرداخت.»

سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز با همه توان به حمایت از تجزیه‌طلبان کرد برخاسته بود و ارگان این سازمان با انتشار مطالب مختلف تلاش می‌کرد با مظلوم‌نمایی، از ظلم نظام علیه ملت کرد سخن بگوید. این در حالی بود که ملت کرد در کنار نیروهای انقلاب قرار داشت و این اقلیتی واگرا و وابسته بود که به روی ملت کرد اسلحه کشیده بود و به تجزیه کشور می‌اندیشید! نشریه «آکار» در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ در حمایت از تجزیه‌طلبان ویژه‌نامه‌ای منتشر کرد. در تیر یک این ویژه‌نامه مردم سسندج را زیر بمباران فائوم‌های ارتش تصور کرده بود؛ و تلاش داشت تا چهره جنایتکاران کومله و... را تطهیر و ارتش و سپاه را متجاوز و جنایتکار معرفی کند. ویژه‌نامه دوم و سوم نیز طی روزهای دیگر منتشر شد و همان خط پیشین برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی به نفع تجزیه‌طلبان ادامه یافت.

دهلیز

از آنچه می‌شنوی وحشت خواهی کرد

مروری بر روابط پهلوی و رژیم صهیونیستی

صهیونیستی یکی از رازآلودترین موضوعاتی است که قابل بحث است. موضوعات گوناگونی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و... وجود دارد که شواهد نشان می‌دهد در تمامی این موضوعات ارتباط عمیقی بین این دو رژیم جنایتکار وجود داشته است. در بخشی از کتاب «آمریکای کوچک» به قلم رضازارع فاروقی در این باره می‌خوانیم: «روابط سی ساله ایران و اسرائیل به اندازه‌ای ناشناخته است که می‌توان آن را از اسرارآمیزترین و ناشناخته‌شده‌ترین روابطی دانست که با هیچ یک از کشورهای دیگر خاورمیانه قابل مقایسه نیست. یعقوب نیسرودی به‌عنوان یکی از فعال‌ترین نمایندگان اسرائیل در تهران که به مدت سی‌زده سال در ایران بوده است و این دوران را شادترین دوران زندگی‌اش می‌داند، در این باره اظهار می‌کند: «اگر روزی به توجاهه دهند از کارهایی که ما در تهران انجام داده‌ایم، آگاه شوی، از آنچه می‌شنوی وحشت خواهی کرد و حتی نمی‌توانی آن را تصور کنی.»



حافظه

زنان در باغ وحش انسانی

مروری بر جنایت غرب علیه زنان

یکی از پست‌ترین شیوه‌های زیر پا گذاشتن حقوق بشر و رویکرد نژادپرستانه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها که به واقع می‌توان آن را نوعی تداوم نگرش آپارتایدی و برده‌داری دانست، شکل‌گیری مجموعه‌هایی به عنوان «باغ وحش انسانی» بود. عبارت «باغ وحش انسانی» یا «نمایشگاه نژادشناسی» به باغ‌وحش‌هایی اشاره دارد که طی قرن‌های ۱۹ و ۲۰ در اروپا رواج داشت و در آنها تعدادی انسان در وضعیت به اصطلاح «طبیعی» یا «بدوی» برای بازدید عموم به نمایش گذاشته می‌شدند. این باغ‌وحش‌ها تا سال‌ها پیش هم در قالب «نمایشگاه» در اروپا برگزار می‌شد و منبع درآمدی برای صاحبان آن بود. بخش عمده‌ای از این نمایشگاه‌ها با محوریت زنان شکل گرفته بود. یکی از اولین نمونه‌های مدرن نمایشگاه‌های انسان، ۲۵ فوریه سال ۱۸۳۵، در آمریکا به وجود آمد؛ زمانی که «فینس تیلور بارنوم» شوئن و تاجر آمریکایی، اقدام به نمایش یک زن سیاه‌پوست به نام «جوس هت» در انتظار عمومی کرد. بارنوم ادعا می‌کرد، این زن ۶۱ ساله، پرستار کودکی «جورج واشنگتن» بود. هت نیز با تعریف داستان‌هایی از کودکی واشنگتن، آنها را سرگرم می‌کرد. وقتی مردم از این داستان‌ها خسته شدند، بارنوم ادعا کرد هت انسان نیست؛ بلکه یک روایت به شکل انسان است. با این ادعا، مردم دوباره به دیدن هت آمدند تا خودشان از نزدیک ببینند که آیا بارنوم راست می‌گوید یا نه؟ این شوئن آمریکایی، جوس هت را آخرین بار در تاریخ ۱۹ فوریه سال ۱۸۳۶ به نمایش گذاشت؛ روزی که هت از دنیا رفت. البته

نمایشگاه‌های انسان، ۱۸۳۵

جهاد برای آبادی خوزستان

علیرضا جلالیان

دبیر گروه سپاه



در خصوص کم و کیف مأموریت مردم‌باری و محرومیت‌زدایی سپاه استان خوزستان توضیح بفرمایید.

در حوزه مردم‌باری در چند بخش، مجموعه بسیج و گروه‌های جهادی و سپاه در خدمت مردم هستند که بخشی از خدمات ما در حوزه تلاش‌های عمرانی و زیرساختی است و گروه‌های جهادی و بسیج سازندگی این مسئله را پیگیری می‌کنند. برای نمونه، برای امسال مابقی پروژه‌های عمرانی تحویل داده خواهد شد. البته این آمار جدای از سیل است؛ چون ما هم سیل داشتیم و هم زلزله که بخش زیادی از بازسازی و ساخت واحدهای آسیب دیده بر عهده سپاه بود. در کنار آن تعمیر و بازسازی مساجد و مدارس مناطق سیل زده و زلزله‌زده هم بر عهده ما بود که انجام شد.

برای نمونه، هم در سیل و هم در زلزله مسجد سلیمان ۳۰۰ واحد مسکونی ساخت و تعمیر داشتیم. ۳۸ مدرسه به صورت کامل در مسجد سلیمان تعمیر و بازسازی شد. در حال حاضر نیز ۱۶ مدرسه روستایی در حال ساخت داریم که این پروژه‌ها در مناطق صعب‌العبور اجرا می‌شود. جاده صعب‌العبور در منطقه احمدفداله در شمال اندیکا به طول ۲۰ کیلومتر در حال ساخت است که به زودی بهره‌برداری خواهد شد تا دسترسی به این منطقه راحت‌تر باشد. افزون بر این، آبرسانی روستایی را داشتیم به طول ۳۶۰ کیلومتر که انواع لوله با سایزهای مختلف لوله‌گذاری شده به همراه سامانه‌های پمپاژ و مخازن و... با توجه به تنش آب در مناطقی از استان، این پیگیری‌ها برای دو سال اخیر به شدت زیاد شده و سپاه استان به سرعت در حال کار برای حل این مشکل است.

در بحث خدمات درمانی به محرومان هر دو هفته تیم‌های درمانی به مناطق محروم استان اعزام می‌شوند. تأمین تجهیزات محرومان و بسته‌های معیشتی هم انجام شده است.

گفتنی است، دام سنگین منطقه، گاو میش است و بقایش با آب رابطه مستقیم دارد و این دام بیشتر مدت زمان ۲۴ ساعت روز را به استفاده از آب نیاز دارد، لذا با توجه به تنش آبی با ابتکار گروه‌های جهادی و بسیج سازندگی در مناطق پرورش این دام حجم بالایی مه‌پاش نصب شد و تانکرهایی هم در منطقه مستقر کردیم تا مبتنی بر تنش آبی بتوان مصرف آب را در این حوزه کنترل کرد و پرورش گاو میش به مشکل برخورد. در منطقه دشت آزادگان، ۱۵۰ هزار رأس گاو میش وجود دارد و این، یعنی اقتصاد چند دهه هزار خانواده. به این ترتیب، در این بخش تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا مشکلی برای این مردم عزیز به وجود نیاید. در حوزه اقتصاد مقاومتی، ما پنج دهکده اقتصاد مقاومتی را در جای جای استان در حال احداث داریم. دهکده اقتصاد مقاومتی اهواز ۷۵ درصد پیشرفت دارد. در این مجموعه‌ها فعالیت‌های تولیدی و صنایع تبدیلی مستقر خواهند شد و با توجه به امکاناتی که در آن پیش‌بینی شده، تولید پایدار و اشتغال‌زا و مؤثر ایجاد خواهند کرد. پرورش طیور و آبزیان، پرورش دام سبک چندقلوزا، تولید و بسته‌بندی گیاهان دارویی، پرورش زنبور عسل، بسته‌بندی خرما و... در این مجموعه‌ها پیش‌بینی شده است. البته همه اینها بخش کوچکی از فعالیت‌های دوستان ماست.

شجره طیبه صالحین در بسیج از مبدأ استان خوزستان به عنوان یک طرح سراسری در کشور اجرا شده است؛ طرحی که اهمیت بالایی در تربیت نیروهای در تراز انقلاب اسلامی دارد، در حوزه بسیج مساجد و محلات چه فعالیت‌هایی را انجام دادید؟

در استان خوزستان که مبدأ این حرکت هم بوده، اقدامات خوبی صورت گرفته است. در این حوزه خود بنده به همراه امام جمعه اهواز که استاد شجره طیبه صالحین استان هم هستند، شهرستان به شهرستان رفتیم و با مسئولان تعلیم و تربیت شهرستان، سر مربیان، مربیان و جلسه گذاشتیم و هم در بخش تربیتی و هم در بخش مدیریتی وضعیت را رصد کردیم. سعی شد موانع کار برطرف شود، فقط امسال برای عزیزان حدود یک میلیارد تومان هدیه در نظر گرفته شد که به نظرم همه‌اش سرمایه‌گذاری برای آینده است.

عمده مشکلات احصا شده را شهرستان به شهرستان بررسی کردیم و تا جایی که امکان داشت و به ما مربوط می‌شد، مشکلات را رفع کردیم. البته برخی مشکلات فرا استانی بود. برای همه عزیزان دوره‌های تربیتی در مشهد مقدس برگزار کردیم و امیدواریم فعال‌سازی حلقات صالحین و توسعه کمی و کیفی آن تا پایان سال در وضع مطلوبی قرار گیرد. در جاهایی مشکل تأمین مربی داشتیم که با حوزه‌های علمیه تعامل شد، در زمینه محتوای تربیتی هم شورایی در قم متولی تأمین این محتواست که کتاب‌هایی در این زمینه معرفی شده و ما بر اساس طراحی‌های این عزیزان کار را پیش می‌بریم.

همین جا در خصوص بسیج مساجد و محلات و کم و کیف فعالیت‌های این حوزه در استان می‌خواهم توضیح دهید.

در بحث بسیج محلات و مساجد، پایگاه‌ها سنجش شده که در چند سطح بودند. کیفیت‌بخشی به پایگاه‌ها برای ما اولویت دارد. بر این اساس، امسال توان‌مان را برای تعیین تکلیف در این حوزه گذاشتیم. در این راستا، پایگاه‌های ضعیف و غیر فعال یا باید ارتقا پیدا می‌کرد یا تعطیل می‌شد. پایگاه‌های فعال هم باید به یک سطح بالاتر ارتقا پیدا می‌کرد. با همکاری عزیزان در سپاه و بسیج نواحی و حوزه‌ها امروز بحمدالله دو سوم پایگاه‌های بسیج استان پایگاه ویژه هستند که این البته خود کار عظیمی است و پیگیری فراوانی را طلب می‌کند که انجام شد.

تعامل سپاه با دستگاه‌های دیگر چگونه است؟

تعامل خوب و تنگاتنگی داریم. هر جا که از ما کاری بر بیاید، به کمک عزیزان شتافتیم. همکاری ما با صنعت، کشاورزی، نفت و سایر دستگاه‌های استان به صورت مستمر است و همه به دنبال رفع موانع هستیم. البته نقدهایی هم به دوستان داریم، استان خوزستان به کار جهادی نیاز دارد، برخی ادارات باید بیشتر از ساعت اداری کار کرده



و کارها را جهادی پیگیری کنند. برای نمونه، اگر کالاهای اساسی در بنادر ماند و ترخیص نشد، ما پیگیری کردیم و کمک حال دوستان بودیم، بعضی مشکلات البته به پایتخت و ستاد وزارتخانه‌ها برمی‌گردد، اما تا جایی که ما توانستیم کمک حال بودیم. تعامل با دستگاه‌های فرهنگی استان هم به خوبی انجام می‌شود. در حوزه فعال‌سازی کارخانجات تعطیل کارهای زیادی انجام شد، در حوزه ترویجی بحث کشاورزی هم دوستان ما همکاری خوبی با جهاد کشاورزی داشتند.

از امنیت استان هم بفرمایید. ما در حوزه اشراف اطلاعاتی و هماهنگی در حوزه مسائل امنیتی و انتظامی مشکل خاصی نداریم. استان ما هم مرز زمینی دارد و هم مرز آبی که در خلیج فارس با نبروهای فرا منطقه‌ای هم مواجه هستیم، در این شرایط وضعیت خوب است. در اتفاقات اخیر هم دشمن نتوانست مطابق طراحی‌هایش ظرفیت‌سازی در استان انجام دهد.

کشفیات سلاح شما در مجموعه استان چقدر بوده؟

سال گذشته مجموعه دستگاه‌های امنیتی استان شامل اطلاعات، فراجا و سپاه در مجموع پنج هزار قبضه سلاح جنگی و شکاری کشف کردند و متعاقباً تعداد قابل توجهی مهمات با این سلاح‌ها کشف شد. امسال تا کنون حدود ۳۵۰۰ قبضه کشف داشته‌ایم. البته کشفیات هم در امر قاچاق سلاح در مرز بوده است و هم در عمق استان.

برای میزبانی کاروان‌های راهیان نور چه اقدامات و برنامه‌هایی در دست اقدام دارید؟

بحث راهیان نور سال گذشته با استقبال بسیار عالی روبه‌رو شد، بعد از وقفه کرونا حجم زائران بسیار زیاد بود، الان اعزام هم از استان خوزستان داریم و هم از سایر استان‌ها. افزون بر مدیریت پادمان‌ها و زیارتگاه‌ها و مناطق عملیاتی، امنیت زائران و سایر مباحث هم مدیریت می‌شود. قرارگاه راهیان نور سپاه و بسیج و مسئولان فرماندهان در سازمان بسیج هم پای کار هستند، اعزام دانش‌آموزی و دانشجویی برای امسال شروع شده و تا اواخر سال که اعزام‌های مردمی و خانوادگی آغاز خواهد شد، آمادگی‌های لازم برای استقبال از زائران به وجود آمده و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد، اگر مشکل خاصی نداشته باشیم، امسال رکورد تعداد زائران در راهیان نور شکسته می‌شود.

در کنار راهیان نور، راهیان پیشرفت را هم داریم که ۱۲ مرکز بزرگ صنعتی را شناسایی

استان خوزستان قلب و قطعه‌ای از خاک میهن عزیزان ایران است که با قدمت چند هزار ساله، یکی از نقاط مهم تمدنی به شمار می‌آید. آب، انرژی، سد، کشاورزی و راهگذرهای مهم شاهراهی دنیا این استان را به یکی از مهم‌ترین نقاط کشور تبدیل کرده، اما خوزستان برای یک سری از مردم ایران ویژه‌تر است. دفاع مقدس هشت ساله ویژه‌ترین جلوه‌هایش را در این سرزمین نشان داده است. شاید بتوان گفت، جای جای مناطق عملیاتی خوزستان رد پای اصحاب آخرازمانی امام عشق است و این اصحاب جامعه مهدوی را در هشت سال دفاع مقدس و در سرزمین خوزستان مشق کرده‌اند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از مؤثرترین نهادهای فعال در این استان است. به دلیل آشنایی با کم و کیف فعالیت سپاه این استان در گفت‌وگویی با سردار سرتیپ پاسدار حسن شاهوارپور، فرمانده سپاه حضرت ولی عصر (عج) استان خوزستان ابعاد این موضوع را مکشوف کردیم، در ادامه تلخیصی از گفت‌وگویی مفصل صبح صادق را با سردار شاهوارپور می‌خوانید.

کردیم؛ صنایع بزرگ نفت و فولاد و نیشکر و سدها، با استقبال مدیران این مجموعه‌ها اعزام دانش‌آموزی و دانشجویی برای این حوزه را هم در دستور کار قرار دادیم و در حال انجام است تا عزیزان بیشتر با پیشرفت‌ها و واقعیت‌های ایران اسلامی آشنا شوند و اینها را لمس کنند.

در سپاه استان طرح ابتکاری هم داشتید که قابل بیان باشد؟

هر جا که احساس کردیم مردم مشکل دارند و به کمک نیاز است، وارد شدیم. یکی از این حوزه‌ها اشتغال بود. با تعامل با بانک‌های استان داوطلب شدیم تا وام‌های اشتغال را توزیع کنیم، لذا بسیج سازندگی استان پیگیر تشکیل پرونده‌ها شد و این روند در حال اجراست. بیش از سه هزار پرونده تشکیل شده و آماده است. تعامل شرکت‌های دانش‌بنیان و دانشگاه‌ها با صنایع بزرگ را در دستور کار قرار دادیم که نتایج خوبی هم داشت.

می‌خواهم در بخش آخر از حوزه خدمات کارکنان، به ویژه مسکن و حمایت‌های معیشتی از کارکنان بفرمایید.

در بخش مسکن امسال ۱۰۸۴ واحد در دستور کار داریم؛ یعنی نیمه دوم سال قبل اینها شروع شده و امسال تحویل داده خواهد شد. ۳۹۲ واحد تمام شده و تحویل داده‌ایم. سعی بر این است که همه پاسداران واجد شرایط تا ورودی سال ۱۳۹۶ در صورت نام‌نویسی، مشکل مسکن‌شان حل شود. الان هم با بحث نهضت ملی مسکن محدودیتی نداریم. البته مشکل زمین در استان خوزستان برای همه وجود دارد و خود مجموعه سپاه استان الان دو سه هزار نفر معطل واگذاری زمین داریم. آمار کل استان در رابطه با افرادی که معطل واگذاری زمین یا پروژه ساخت هستند بسیار زیاد است که دولت باید مشکل تأمین زمین را در استان حل کند.

در موضوع وام‌ها در دو سال اخیر عدد بالایی وام برای نیروها در حوزه‌های مختلف مرابعه، قرض‌الحسنه، معیشتی، ازدواج، شوق فرزندانوری و کمک‌های بلاعوض اینها پرداخت شده اختصاص دادیم.

سال گذشته نزدیک به سه هزار نفر از تسهیلات استفاده کردند، امسال هم تاکنون نزدیک به دو هزار نفر وام دریافت کرده‌اند و اینها به جز وام مسکن است. در بحث بازنشستگان هم حجم بالایی وام به این عزیزان پرداخت شده است.

در رابطه با ازدواج و فرزندانوری پیگیری‌های زیادی شده است. هم جلسات تشویقی برای نیروهای مجرد مرد و زن و هم مشاوره. در بحث جهیزیه اقساط بلندمدت برای عزیزان در نظر گرفتیم تا سقف سی میلیون تومان پرداخت می‌شود که این جدای از سایر وام‌های مصوب است.

جشنی هم برای عزیزان تازه ازدواج کرده داریم. به علاوه اعزام رایگان مشهد مقدس هم برای این عزیزان در نظر گرفته‌ایم. در کنار این، در بحث فرزندانوری هم تشویقات و هدایایی به عزیزانی که فرزند تازه متولد دارند ارائه می‌کنیم، حمایت از خانواده‌های با تعداد زیاد فرزند هم بعضاً داشته‌ایم. این در کنار همه خدماتی است که خود سپاه بر اساس قانون انجام می‌دهد. ما در سپاه استان بسته‌های معیشتی و ارزاق هم برای کارکنان در نظر گرفتیم که سال گذشته و امسال این بسته‌ها تقدیم عزیزان شده و می‌شود. البته بسا توجه به محدود بودن منابع و کم بودن حقوق عزیزان پاسدار و وضعیت اقتصادی کشور می‌دانیم که همکاران ما دچار کم و کاستی‌های زیادی هستند، سعی ما بر این است که بخشی از این کم و کاستی‌ها را رفع کنیم.

روی خط

وام خرید خودرو به کارکنان بدهید

۰۹۸۳۶۰۰۰۹۱۲۰۰ / متأسفانه، فضای مجازی و دروغ‌های آن ذهنیت بخشی از مردم را دستخوش آسیب کرده و ما هم هنوز به جای انجام جهاد تبیین، داریم خود جهاد تبیین را تبیین می‌کنیم! الان آگاه‌سازی مردم از اوجب واجبات است!؟

۰۸۹۴۹۰۰۰۹۱۲۰۰ / نفوذ زبان و فرهنگ بیگانه را در سال‌های متمادی در لایه‌های مختلف جامعه در سکوت و خواب‌موتولیان فرهنگی در بسته‌بندی‌های اقلام خوراکی، دارویی، تابلوهای معابر و فروشگاه‌ها و... مشاهده می‌کنیم. اقدام صداوسیما در حساسیت و دقت استفاده مسئولان از واژه بیگانه اتفاق مبارکی است برای شروع حل این معضل که امیدواریم این حساسیت داشتن به سطح جامعه و فرایندهای تبلیغی و... هم افزایش یابد.

۰۴۱۰۸۰۰۰۹۱۳۰۰ / اندکی صبر سحر نزدیک است، هنوز زمستان نرسیده روسپاهی اغتشاشگران و پشتیبانان داخلی و خارجی آنها به زغال ماند. اینجا یک خسته نباشید و دستم‌یزاد ویژه به کارشناسان بزرگ‌واری که در هفته‌نامه گرانسنگ صبح صادق فعالیت دارند، عرض می‌کنم. «پرویز رحیمیان» از شهرکرد

۰۸۲۸۰۰۰۹۱۶۰۰ / چرا سنوات تحصیل دانش‌آموختگان محاسبه نمی‌شود؟ چرا باید زمان تحصیل این عزیزان به هدر برود؟

۰۶۹۲۷۰۰۰۹۳۳۰۰ / همه مشکلات پیش‌روی انقلاب اسلامی و کشور در یک چیز خلاصه می‌شود، آن هم لقمه حرام و شبه‌ناک. لقمه درست شود؛ یعنی ریشه و زبرینا درست است، همه کارها برکت پیدا می‌کند.

۰۲۷۵۹۰۰۰۹۱۷۰۰ / لطفاً درباره سنوات تحصیل دانش‌آموختگان پیگیری کنید تا مانند سازمان‌های دیگر اجرایی شود.

۰۱۸۵۸۰۰۰۹۳۳۰۰ / با سلام. از وزارت محترم ورزش و جوانان استدعا داریم در خصوص پرداخت‌ها، انضباط مالی و عدالت رعایت شود. جوری نشود که بخاطر توجه زیاد به سایر رشته‌ها مغفول بماند. با تشکر «جهانگیری»

۰۶۱۹۷۰۰۰۹۱۱۰۰ / سلام، صفحه مربوط به جوانی جمعیت در هفته‌نامه شما کجاست؟ چرا پیگیر اجرای قانون جوانی جمعیت در سپاه نیستید؟

۰۹۸۶۲۰۰۰۹۱۴۰۰ / با عرض سلام و خسته نباشید، لطفاً مسئولان محترم نیروهای مسلح، برای کارکنان زحمتکش و امی برای خرید خودرو در نظر بگیرند. بعد از ۱۲ سال خدمت در منطقه عملیاتی هنوز نتوانسته‌ام خودرویی برای خانواده‌ام تهیه کنم.

۰۰۸۹۰۰۰۹۱۲۴۵۰۰ / اگر چه ۳ سال از تورر ناجوانمردانه سردار دل‌ها گذشته؛ اما هرگز یاد و نام حاج قاسم از دل ملت ایران خارج نخواهد شد و ما با لبیک به فرمان فرزندانوری امام خامنه‌ای، نسلی ادامه دهند راه حاج قاسم تربیت می‌کنیم.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:

علی قاسمی،سیامکباقری،سعداللهزراعی، عزیز غضنفری،فرهادمهروی،مهدي سعیدی، فتح‌الله‌پريشان،احدکریم‌خانی،حسین‌عبداللهی‌فر دبیر‌تحریر:پره‌سیدفخرالدین‌موسوی نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی عکاس: حامد گوردزی ناظر چاپ:سعید قاسمی چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۴۴۶(۰۲۱) تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰(۰۲۱) sswEEKly.ir @ssweekly info@ssweekly.ir شماره: ۷۷۴۸۸۴۲۶ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۷۶ | دوشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۱

کتیبه سبز

خورشید در راه است...

جای دمشق این بار سمت عشق عازم شد اسمش که قاسم بود جسمش نیز قاسم شد

در پیکرش دیدم گریز روضه‌خوان‌ها را هم روضه قطع الیمین هم اریا اریا را

افتاده روی خاک دستی پاک و نورانی انگشتری با خاتم سرخ سلیمانی

حالا همه لابی‌گری را خوب فهمیدیم تضمین امضای گری را خوب فهمیدیم

عباس‌ها را می‌کُشی ای شمر خودکامه زیر که بیزارند آنها از امان‌نامه

عباس ما رو کرد دست مُنحرف‌ها را دیدیم آخر بَرکت افای‌تی اف‌ها را

ای دشمن خونخوار بشین و تماشا کن هنگام رزم ماست کوزت را مُهیا کن

ای آنکه با تو پُر شده میقات بعضی‌ها ای کدخدا و قبله حاجات بعضی‌ها

هر چند در داخل تو با یک عدّه همدستی لعنت به آنها! بعد از این با ما طرف هستی

این خاک رهبر دارد و خاکی پر از رهروست آری، دگر پایان دوران بزَن در روست

ای کشور محبوب آقازاده‌های ما چیزی نمانده که بیفتی تو به پای ما

دیدي چگونه باختي حالا قمارت را سردار ما با رفتن خود ساخت کارت را

ما را تو با این کار خود بیدارتر کردی سردار ما را شک نکن سردار تو کردی

در هر نبردی او به نامردان فشار آورد با رفتنش هم نیز پیروزی به بار آورد

او کاوه بود و رفت بالاتر درفش او حتی سرت ارزش ندارد قدر کفش او

با مرگ هم دیگر در این طوفان نمی‌میریم چیزی نمانده! انتقامی سخت می‌گیریم

ما اهل صلح و منطقییم از جنگ بیزاریم اما از این پس با تو قاسم کشتگی داریم

چیزی نمانده تا که بر خیزیم سوی تو هم‌رنگ مویت می‌شود از ترس روی تو

چیزی نمانده تا بفهمی آه یعنی چه در صفحه‌ها مان ذکر بسم‌الله یعنی چه

چیزی نمانده تا ببینی با پریشانی در پایتخت خود اتوبان سلیمانی

موشک به خاکت می‌خورد از چند ناحیه کاخ سفیدت می‌شود فردا حسینیّه

ما با تو می‌جنگیم تا وقتی نفس داریم ما پشت‌مان عمری است طوفان طبس داریم

دنیای بی‌سردارمان هر چند تاریک است فردای روشن می‌رسد، خورشید نزدیک است...!

محسن کاویانی

صبحانه

معجزه امید

اگر قرار است موفق باشی و، اگر قرار است خود را در پله‌های رشد ببینیم، نیاز نیست معجزه‌ای رخ بدهد. معجزه، یعنی قدم‌هایی که انسان با اطمینان و امید برمی‌دارد. باید بی‌تفاوت به آنچه ناامیدی و شکست با خود می‌آورد، برخاست و آینده را ساخت. آینده با امید و معجزه اعتماد ساخته می‌شود. همین امروز شروع کن...

تلخند

دفن آمریکا در کریسمس / کارتونیست: تاسوس آناستازو-یونان



داستان

شاید پیش از اذان صبح

میان آن همه آتش و نجات دادن نیروها محال بود؛ اما نه برای تو که چشم بر انتهای لشکر دشمن داشتی، دندان‌های آسیا را به هم می‌فشردی و جمجمه را به خدا عاریت داده بودی. طولی نکشید نشسته بر ترک موتور رسیدی و بچه‌ها را به هر ترفند و تدبیر، از قتلگاه بیرون کشیدی.

روایت دوم

اشرار کرمان

هرچ‌ومرچ‌ها تا یکی دو سال ادامه داشت، تا اینکه تو تمرکز را گذاشتی روی جنوب استان کرمان که جولا نگاه اشرار شده بود. تصمیم گرفته بودی غائله شرارت را برای همیشه بخوابانی، البته نه با تیربار و کاتیوشا، بلکه تا آنجا که بشود به شیوه خود مهربانت. با سلاح صلح. از بشاگرد تا رودبار و قلعه‌کنج و دلگان و مرز ایران‌شهر خبر مثل باد پیچید و به گوش اشرار و قاچاقچیان رسید که قاسم سلیمانی اعلام کرده اگر تفنگ‌های‌تان را تحویل بدهید و تسلیم دولت جمهوری اسلامی بشوید، نظام از گناه‌تان درمی‌گذرد. اسم پرهیت تو ترسی انداخت در دل باغی‌های مغرور. لشکر

روایت اول

بچه‌های مردم

«بچه‌های مردم» برای تو عزیز بودند. ۲۷ عملیات را در جنگ هشت ساله فرماندهی کردی و همیشه دغدغه‌ات بچه‌های مردم بود. توی این عبارت خیلی چیزها هست. تو همیشه در قبال نیروهایت احساس مسئولیت می‌کردی. برخلاف طعنه‌هایی که بعد از جنگ شنیدی و هنوز می‌شنویم، بچه‌های مردم عزیز مادر بودند، گوشت دم توپ نبودند. جان یک‌یک آنها برای تو که فرمانده‌شان بودی، مهم بود. حواست به آنها بود که اسیر نشوند، در کمین نیفتند و از بین نروند.

کربلای ۵ یک نمونه‌اش، می‌گویند تمام روزهای طولانی آن مثل ۱۰ دقیقه اول فیلم «نجات سرباز رایان» بوده، یک جهنم واقعی از آتش تیربار و توپ و تانک و خمپاره... در چنین موقعیتی، «دادخدا سالاری» و دوستانش در نزدیکی تانک‌های دشمن گیر افتاده بودند. نه امکان پیشروی داشتند و نه بازگشت از مهلکه. شنیدی که بچه‌های لشکر گیر افتاده‌اند. عبور از

صادقانه

ارزشمند نزد خداوند

امام باقر(ع) می‌فرمایند: دو گام است که از آن محبوب‌تر نزد خدا نیست: ۱- گامی به سوی جبهه‌ها برای تحکیم صف مجاهدان راه خدا، ۲- گامی به سوی خویشاوندی که پیوند خویش گسسته است و دو جرعه است که از آن محبوب‌تر نزد خدا نیست: ۱- جرعه‌ای از خشم که مؤمن آن را با حلم فروبرد. ۲- جرعه‌ای از مصیبت که با صبر آن را التیام بخشد و دو قطره است که از آن نزد خدا بهتر نیست: ۱- قطره‌ای خون در راه خدا، ۲- قطره‌ای اشک در سیاهی شب که جز برای خدا نیفشاند.

معدن الجواهر و ریاضة‌الخواطر، ص ۲۷

غیر رسمی

اصل، رضایت شماس



مستولان نیروهای مسلح به واسطه عملکرد خوب حاج قاسم پیشنهاد دادند که عالی‌ترین نشان نظامی (ذوالفقار) به ایشان داده شود. رهبر معظم انقلاب این پیشنهاد را بلافاصله تصویب کردند. حالا مشکل ما این بود که چطور به آقای حاج قاسم بگوییم این نشان برای شما تصویب شده است؛ چون حال او را می‌دانستیم. بنده چند باری که با ایشان تماس داشتم و صحبت کردم، ایشان منکر می‌شدند و می‌گفتند، نیازی نیست. نشان برای چه؟ من چه کار کرده‌ام که بخواهم نشان بگیرم؟ بالاخره من به ایشان عرض کردم این نظر حضرت آقا است و خود ایشان می‌خواهند نشان را به شما بدهند. ایشان تأملی کرد و گفت: «به یک شرط می‌آیم.» گفتم: «چه شرطی؟» گفت: «شرطش این است که من قبلش حضرت آقا را ببینم.» روز موعود رسید و ایشان آمدند و بعد از اینکه حضرت آقا تشریف آوردند، محضرشان عرض شد که ایشان چنین درخواستی دارد و می‌خواهد قبلش حضرت‌عالی را ببیند. حضرت آقا فرمودند بگویید بیاید. ایشان آمد و رفت خدمت حضرت آقا.

صحبت کوتاهی انجام شد و بعد بیرون آمد و حضرت آقا فرمودند که انجام شود. ابتدا عرض کرده بود حضرت آقا من نیازی به نشان ندارم، اصل کار من رضایت حضرت‌عالی است، مگر شما که این همه کار کرده‌اید، کسی به شما چیزی داده؟ ما که کاری نکردیم؛ همین قدر که احساس کنم شما راضی هستید، برای من کافی است، این را از ته دل می‌گفتی که «واقعاً نیازی ندارم.» واقعاً همه نگاه و توجه او به اشارات حضرت آقا بود که در متن کارش این نشان داده می‌شود؛ ولی حضرت آقا چون اراده کرده بودند، تعابیری گفته بودند که ایشان راضی شدند.

سردار محمد شیرازی
رئیس دفتر فرمانده معظم کل قوا

سلامت

مجهز به زینک

محبوبه سادات رضوی

کارشناس تغذیه

با رسیدن فصل سرما بیماری آنفلوآنزا و سرماخوردگی بین همه، به ویژه کودکان شیوع می‌یابد و خانواده‌ها همیشه به دنبال راه‌هایی بوده‌اند که کمتر به این بیماری مبتلا شده و پاییز و زمستان را بدون سرماخوردگی و علائم آزاردهنده آن سپری کنند. «روی» یا همان «زینک» انتخابی هوشمندانه برای جلوگیری و حتی کاهش طول مدت و شدت علائم سرماخوردگی است. زینک یک ماده معدنی ارزشمند در حفظ سلامت بدن ماست و در افزایش قدرت سیستم ایمنی، ترمیم زخم‌ها، رشد سلول‌ها و موارد بسیار دیگر، نقش حائز اهمیتی دارد. زینک برخلاف مواد معدنی دیگر، ذخایر کمی در بدن دارد. بنابراین، حتماً هر روز به مقدار کافی منابع زینک را مصرف کنید. غنی‌ترین منابع زینک گوشت قرمز، غلات کامل، شیر و لبنیات، حبوبات، از جمله لوبیسا و نخود، مغزها، نخودفرنگی و دانه‌ها، از جمله تخم کدو هستند. به طور متوسط آقایان بالای ۱۹ سال روزانه ۱۱ میلی‌گرم و خانم‌های بالای ۱۹ سال روزانه ۸ میلی‌گرم زینک باید دریافت کنند که این مقدار به راحتی با خوردن غذاهای ذکر شده تأمین می‌شود. اگر شما رژیم غذایی متعادلی داشته باشید و از فرآورده‌های حیوانی به مقدار کافی استفاده کنید، زینک کافی را برای بدن خود تأمین کرده‌اید و به دریافت بیش از حد متعارف آن نیاز ندارید. در زمستان سعی کنید با مراقبت، خود را در معرض بیماری قرار ندهید؛ اما اگر سرما خورید، قرص زینک را باید طی ۲۴ ساعت از اولین علائم و نشانه‌های سرماخوردگی مصرف کنید. قبل از استفاده از قرص زینک برای جلوگیری یا کاهش طول سرماخوردگی، حتماً با پزشک خود مشورت کنید. اگر بدن شما به دارو نیاز داشته باشد، پزشک تجویز خواهد کرد. در غیر این صورت، از مواد غذایی حاوی زینک استفاده کنید. برای کسانی که بیماری مزمن زمینهای، نقص ایمنی، آسم و... دارند، استفاده از قرص زینک توصیه‌نمی‌شود.

راه نرفته

شک آغاز اختلاف

محمد مفیدی

مشاور خانواده

پرسش: در زندگی مشترک چگونه با شک مواجه شویم؟

پاسخ: «شک» در زندگی مشترک از موضوعات مهم و ویران‌کننده است و گاهی می‌تواند در درازمدت، تاحدی که زندگی زوجین را تحت تأثیر منفی خود قرار داده و زندگی را به تشنج بکشانند. بنابراین، باید علت به وجود آمدن شک و نحوه صحیح برخورد با آن را فرا بگیریم. اگر شک همسر یک مشکل جدی روانی و نیازمند مراجعه به روانشناس نباشد، می‌تواند با راهکارهایی به مرور آن را تغییر دهد تا یاد بگیرد بدون نگرانی به شما اعتماد کند.

۱- باید نقطه حساسیت همسر شکاک را بیابید.

۲- به ریزه‌کاری‌های رفتاری‌تان فکر کنید و مراعات کنید.

۳- با او به توافق برسید و درباره رفتار صحیح صحبت کنید.

۴- با زور و خودمحموری حرف خود را به کرسی نشانید.

۵- با نادیده گرفتن همسر شکاک، او خطرناک‌تر می‌شود؛ پس به او توجه کنید.

۶- باج ندهید؛ اگر برای نمونه مشکل اصلی کار است، با عوض کردن محل کار و خانه‌نشین شدن شک و وی بیشتر می‌شود.

۷- پنهان‌کاری نکنید و صادق باشید.

۸- تلافی نکنید. اگر از همسر خود رنجیده‌اید، برای تلافی کردن موقعیتی را به وجود نیاورید که احساس شک بیشتری کند.

۹- خانه را میدان جنگ نکنید.

۱۰- اگر همسر شکاک احساس کند مانند روزهای اول مورد توجه نیست، آسیب می‌بیند؛ مانند روزهای اول زندگی محبت کنید.

۱۱- سعی کنید بیشتر در دسترس باشید و مکان‌هایی را که قصد دارید بروید، ابتدا به همسر‌تان اطلاع دهید.

۱۲- از رفتارهایی که بیشتر او را حساس می‌کند، اجتناب کنید.

۱۳- به او اطمینان دهید فرد مناسبی برای ادامه زندگی مشترک هستید و همیشه گوش شنوایی برای شنیدن حرف‌های او دارید.

حسن ختام

پشتوانه و راه‌بند

ما شما را دوست داریم و این تمام سرمایه ماست. سرمایه‌ای که در دل کوران‌های روزگار آنچنان محکم به آغوش کشیده‌ایم تا ساکم نشوید، از دست نیفتد و از ذهن نرود. ما شما را دوست داریم؛ چرا که این حب، معنای حقیقی زندگی است و هر که ضرورت این محبت را بیشتر دید و بیشتر خواست؛ همچون پرواگناسی که برای رسیدن به نور شمع رقابت می‌کنند، به رقابت برخاستند.

آری! دوست داشتن شما یک ضرورت است برای زندگی، برای آرامش؛ این دنیایی که آکنده از بلاست، سپری می‌خواهد، تکیه‌گاهی می‌خواهد، پشتوانه و راه‌بندی می‌خواهد که دستت را بگیرد و از کوچه پس کوچه‌های مصائب و بلاها و فتنه‌ها به سلامت عبورت دهد. آن راه بلد و هدایتگر شماست.

مولا جانم! در این دوره‌ها که بلاها و فتنه‌ها و آشوب‌ها یکی پس از دیگری صفحه‌های تاریخ را سیاه کرده‌اند، خوشم که انتهای هر صفحه به دست هدایت شما سفید شده است. چه خوب تشبیه کرده‌اند که غیبت شما شبیه غیبت حضرت یوسف(ع) است. چنانکه آن پیامبر الهی در مصر زندگی می‌کرد، مردم بسا او صحبت می‌کردند و از هدایت و برکت و جودش بهره‌مند می‌شدند، ولی ایشان را نمی‌شناختند.